

شناسنامه

تفسیر یونس

جزء سی ام قرآن مجید

مفسر

دکتور محمد فرید یونس

تابستان ۱۴۰۲ خورشیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر یونس
جزء سی ام

تحقیق و تفسیر قرآن مجید
به اساس
ایجابات و مقتضیات قرن بیست و یکم

معنی و تفسیر از
دکتور محمد فرید یونس
فرزند

مرحوم استاد محمد یونس مشهور به متخصص کیمیا
بانی اصول یونس برای سواد آموزی کلان سالان
۱۳۳۸ خورشیدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

تفسیر یونس جزء اول الی اخیر جزء ششم که به اساس ایجابات و مقتضیات عصر حاضر معنی و تفسیر شد، در ماه جون ۲۰۲۲ به نشر رسید و به استقبال نهایت گرم مردم دین دوست و خدا پرست ما قرار گرفت. دوستان نظر دادند که چون جزء سی ام شامل سوره های کوتاه است و در نماز های پنجگانه خوانده میشود، بهتر است همین جزء زود تر به دسترس دوستداران قرآن مجید و دین مبین اسلام قرار گیرد. این نظر نیک پذیرفته شد و اینک قبل ازینکه به معنی و تفسیر جزء هفتم پردازیم، جزء سی ام را تقدیم عاشقان قرآن مجید و علم و معرفت می کنیم. به اراده خداوند اگر حیات باقی بود، ان شاء الله، جزء هفتم الی دوازدهم را هم خدمت شما تقدیم خواهیم کرد. قابل یادآوری است که مصارف چاپ و نشر این جزء هم توسط عزیزان که شش جزء اول را تمویل کرده بودند، تمویل شده است که تکرار از همه عزیزان تشکر و ابراز سپاس فراوان می کنم.

التماس دعا

دکتر محمد فرید یونس

مقدمهٔ جزء سی ام

جزء سی ام با سورهٔ نبأ آغاز می یابد. قابل یاد آوری است که جزء سی ام قرآن مجید در گذشته های دور، در ایالات متحده امریکا، تقدیم مردم مومن و دین دوست ما شده بود. بار اول در سال ۱۳۷۰ هجری خورشیدی مصادف به ۱۹۹۱ مسیحی از طرف انجمن فرهنگی مهاجرین افغانستان به همت مرحوم غلام حضرت کوشان و دستیاری پسر گرامی اش جناب محمد قوی کوشان توزیع شد. بار دوم به همت جناب الحاج عبدالقیوم قرغه در شهر سان دیاگو توزیع شد. چاپ سان دیاگو تاریخ نشر ندارد. هر دو نشریه مستقیم از تفسیر کابلی که در افغانستان بسیار رواج دارد نقل شده است نه اینکه جدید معنی و تفسیر شده باشد. تفسیر کابلی که از طرف حضرت شیخ الهند مولینا محمود الحسن دیوبندی تفسیر شده است در سال ۱۹۴۷ مسیحی در عهد سلطنت مرحوم محمد ظاهر شاه به زبان فارسی / دری از اردو ترجمه و به زینت چاپ آراسته گردیده و بار بار تجدید چاپ شده است. همچنان جزء سی ام به زبان فارسی توسط مقامات عربستان سعودی زیر عنوان «تفسیر جزء آخر قرآن کریم همراه با تفسیر مختصر سورهٔ فاتحه و آیت الکرسی از تفسیر ابن کثیر» با تقریظ و مراجعهٔ دکتر صالح ابن فوزان الفوزان در سال ۱۴۳۴ هجری قمری به نشر رسیده است. درین ترجمه و تفسیر بیان بعضی موضوعات اسلامی هم گنجانیده شده است که دید و بینش دانشمندان سعودی است و موضوعات عصر حاضر از نگاه ساینس و علوم امروزی دیده نمی شود.

جزء سی ام قرآن مجید که جزء آخری قرآن مجید است شامل سوره های کوتاه قرآن مجید است که اکثراً در نمازها خوانده می شود و مسلمانان اکثر سوره های این جزء را از بر دارند. این جزء شامل سی و هفت سورهٔ کوتاه می باشد که چهار سورهٔ آن مشهور است به نام المعوذتان یا معوذتین که چهار قُل هم گویند و عبارت اند سوره های کافرون، اخلاص، فلق و الناس می باشد که هر چهار سوره با «قُل» آغاز می یابد. یک عده علمای جهان اسلام تنها سه سورهٔ آخری قرآن مجید را معوذتین می گویند. همچنان طویل ترین سوره درین جزء سورهٔ نازعات است که شامل ۴۶ آیت است و کوتاه ترین سوره، سورهٔ کوثر است که شامل سه آیه است. سوره های عصر و نصر هم شامل سه آیه است و اما شمار واژه های قرآنی در سوره کوثر کمتر است و از همین

سبب کوتاه‌ترین به حساب می‌رود. در اصول نماز است که نماز در یک رکعت نباید از سه آیه کمتر خوانده شود. اولین آیه که نازل شد یعنی اِقرء (سوره علق آیه اول) در همین جزء است. سوره‌های کوتاه در اخیر قرآن را مُفَصَّلَات گویند. چون آیات منسوخ درین سوره‌ها کمتر دیده می‌شود ریاض القرآن هم نامیده می‌شود. همچنان سوره اخلاص که ممثل توحید خاص است در همین جزء قرار دارد. سوره اخلاص در ختمانه‌های قرآن مجید خوانده می‌شود و به اساس حدیث پیشوای اسلام یک برسوم قرآن کریم محسوب میشود. سوره مشهور قدر هم درین جزء آمده است که مسلمانان به شب قدر اعتقاد عمیق دارند و اکثریت مسلمانان سوره قدر را از بر دارند.

سُورَةُ النَّبَاِ

مقدمه

سوره نبا که خبر بزرگ معنی میدهد سوره هفتاد و هشتم قرآن مجید است. دارای چهل آیت است و سوره مکی است یعنی در مکه نازل شده است. امام غزالی طوسی علیه الرحمه این سوره را در کتاب جواهر القرآن گوهر علم نامیده است. این سوره شامل چهار بخش کاملاً متفاوت است. اول توصیف از جهان هستی و مردم. دوم اشاره از روز حساب. سوم عقوبتی که در انتظار مجرمین است و چهارم توصیف بهشت که در انتظار مومنان است. درین سوره از اهل ایمان دعوت شده تا به خداوند پناه برند. این سوره هم نبا یاد می شود و هم سوره عم. تلاوت آن ثواب زیاد دارد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است کسی که سوره عم را بخواند و حفظ کند حساب او در روز قیامت چنان سریع انجام گیرد که به مانند خواندن یک نماز خواهد بود. نبا از نگاه لغت شناسی از نبی هم آمده است. و قتیکه قرآن می گوید نبا عظیم یعنی خبر بزرگ یا رسالت بزرگ که از حضرت محمد مصطفی (ص) است زیرا پیشوای اسلام در قرآن مجید رحمت العالمین یاد شده است. همچنان این سوره به مسایل علمی امروزی تماس میگیرد که شگفت انگیز است. در کتاب تعبیر خواب اسلامی میخوانیم که اگر کسی در خواب بیند که سوره نبا میخواند پرهیز کار می باشد و نامش بلند و مشهور می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

معنی: در باره ی چه از یکدیگرند می پرسند؟

تفسیر: انسان یک موجود کنجکاو است. همین کنجکاوی باعث اختراعات و اکتشافات زیاد در جهان انسانیت شده است. یکی از مسئولیت های انسانی درک حقیقت است مشروط بر اینکه برای درک حقیقت تلاش کند. اما این آیه سخن از آن موضوعات دارد که از عقل آدمی بلند تر است مانند روز آخرت و روز حساب. مردم در مورد روز آخرت و روز حساب شک داشتند و نمیدانستند که قبول کنند یا خیر. در متون قبل از اسلام این موضوع روشن نبوده است و مردم مشوش بودند و در باره ان گفتگو میکردند.

عَنْ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲)

معنی: از خبر بزرگ.

تفسیر: قسمیکه در مقدمه این سوره گفتیم نبأ نه تنها خبر بزرگ است، یک رسالت مهم و تاریخی است زیرا این آیه کوتاه توجه بشریت را به معاد جلب می کند، موضوع که در قبل از اسلام درست درک نشده بود. پس آیه دو تفسیر دارد. یکی خبر مهم که همانا روز آخرت است و دوم رسالت بزرگ که پیامبر آخرالزمان مبعوث شده است. اهمیت روز آخرت تنها درین نیست که ما جوابگوی اعمال و کردار خود هستیم زیرا ما به این اعتقاد هستیم که خداوند بخشاینده و مهربان است و سختگیر نیست. اهمیت روز آخرت درین است که انسان را متوجه می سازد که بعد از مرگ هم، شما زندگی جاودانی دارید و مانند علف هرزه نیستید که خشک شود و باد برد. و رسالت بزرگ این است که پیام خداوند تکمیل میشود. توحید به جامعه بشری معرفی میشود و انسان مسئول همه اعمال و کردار خود میشود. یعنی رسالت پیامبر اسلام انسان را از هرگونه اسارت آزاد می سازد و انسان را خود مختار اعلام می کند.

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

معنی: همان که همواره در آن اختلاف دارند.

تفسیر: انسان ها در مسایل که از عقل شان بالاست همواره گفتگو می کنند و این موضوع تا امروز دوام دارد. توجه کرده باشید که در برنامه های تلویزیونی قرآن مجید را زیر سوال می برند. می گویند قرآن علم نیست و دروغ است (استغفرالله). رسالت محمد (ص) را زیر سوال می برند. یک موضوع را که این مردمان نه میخواهند بدانند که بسیار موضوعات در جهان هستی است که لاجواب است و راز آن نزد خداوند است. آنانیکه عمیق ایمان آورده اند مشکل ندارند. حقیقت را قبول کرده اند. اما آنانیکه خود را نشناخته اند و در ایمان خود به خداوند ضعیف هستند و حکمت خداوند را نمیدانند عقل شان به آن مرحله نرسیده است که روز آخرت را درک کنند و اعتقاد پیدا کنند که زندگی بعد از مرگ وجود دارد و این سخنان را همه بیهوده می پندارند.

كَلَّا سَيَقْلَمُونَ (۴)

معنی: زود است که بدانند.

تفسیر: قرآن، کتاب علم، حکمت، معرفت، هدایت و عدالت است و دانستن آن با اینکه به زبان مردم است، دقت، تعمق و تفکر می‌خواهد. معنی آیه چهارم بسیار ساده است. یعنی زود است که بدانند. یعنی اگر تعمق نکنند زود است که به نتیجه برسند و به آخرت ایمان بیاورند. به روز بازخواست ایمان بیاورند. به زنده شدن بعد از مرگ ایمان بیاورند. قرآن انسان را به تفکر دعوت می‌کند نه اینکه عجولانه و دفعاً کفر را قبول کنند. با تفکر و تعمق و تدبر باید خدا را شناخت.

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

معنی: چنین نیست که زود بدانند.

تفسیر: اینجا به مسلمانان و اهل ایمان خاطر نشان میکند که کفار و آنانی که به قرآن مخالفت دارند زود ایمان نه می‌آورند و شاید هرگز ایمان نیارند. درین جا واژه «زود» بدین معنی است که بسیار وقت شانرا می‌گیرد تا ایمان بیاورند. خداوند می‌داند که کی و در چه زمان یک شخص ایمان می‌آورد و اما درین جا برای مومنان یادآوری میکند که بسیار امیدوار نباشید و وقت تانرا ضایع نکنید که کفار ایمان بیاورند.

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا (۶)

معنی: آیا کره زمین را زادگاه [برای مخلوقات] نکردیم.

تفسیر: مهد از نگاه لغوی در فارسی گهواره، بستر، زادگاه و آسایشگاه معنی میدهد. درین آیه هدف از زادگاه انسانی است که در کره زمین انسان زاده شده است. علم ساینس به ما می‌گوید یگانه سیاره ای که حیات بخش است زمین است. این آیه از نگاه ساینس امروز حایز اهمیت است. اول اینکه کره زمین یگانه سیاره منحصر به فرد در منظومه شمسی است که درین کره، آب، اوکسیژن و نیتروژن که برای حیات ضروری است وجود دارد. از عمر زمین زیاد تر از ۱۵ میلیارد سال میگذرد. زمین سومین سیاره در مدار آفتاب است و یگانه شیء نجومی که زندگی بخش است. با اینکه حجم زیاد آب در نظام شمسی پیدا می‌شود اما تنها زمین دارای آب سطح زمینی دارد یعنی که آب در روی زمین است. در حدود هفتاد و یک در صد زمین را ابحار تشکیل میدهد که ساخت دریاها، بند ها و یخبندان قطبی را می‌سازد. بیست و نه در صد زمین خشکه است. وقتی ما این سیاره را از نگاه علم نجوم مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که قرآن مجید به وضاحت می‌گوید که زمین را زادگاه شما قرار دادیم و

حال میدانیم که یگانه سیاره در نظام شمسی که امکان حیات در آن می رود، زمین است. مرکبات، فلزات و مواد دیگری که در زمین خلق شده است بخش جداگانه زمین شناسی است که برای استفاده و آسایش انسان است که این همه، ما را به شناخت خداوند و قدرت او متیقن می سازد.

وَأَلْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

معنی: و کوه ها را میخ های [زمین قرار ندادیم].

تفسیر: یک موضوع علمی دیگر در زمین شناسی که هزار چهار صد سال قبل قرآن مجید به آن اشاره می کند. ساینس امروز فواید کوه ها را زیبا تشریح می کند. باید بدانیم که درون زمین بسیار داغ و سوزان است. مواد داخل کره زمین همیشه در صورت ذوب شدن و در حال جوشیدن است. زمین توسط لایحه های خاک و سنگ های بزرگ همین جوش و خروش که در درون زمین است پوشانده شده است و از نظر پنهان است. لایحه های روی زمین توسط کوه ها به هم وصل هستند و با هم چسپیده اند. کوه ها درین لایحه ها مانند میخ ها [اوتادا] فرو رفته اند و در زیر زمین همدیگر را حمایه می کنند که زمین تکان نخورد. کوه های زمین در اصل بسیار بزرگتر از آن چیزی است که ما می بینیم. قسمت زیاد یک کوه اساساً در زیر زمین است نه در روی زمین. یک موضوع شگفت انگیز که در موجودیت کوه ها نهفته است جریان آب در روی کوه هاست که باعث رویدن گیاهان کوهی میشود که برای طبابت بسیار ضروری و مفید است. این نباتات در دیگر مناطق زمین نه می رویند مگر بالای کوه ها. کوه ها باعث گردش آب در روی زمین می شوند وقتی برف ها آب می شود و زمین های زراعتی را مثمر می سازد. کوه ها از اهمیت اقتصادی خارق العاده برخوردار است چنانچه اکثر سنگ های با ارزش از دل کوه ها استخراج می شود مانند زمرد، یاقوت و لاجورد.

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸)

معنی: و شما را جوهره جوهره آفریدیم.

تفسیر: همه مخلوقات جوهره جوهره خلق شده اند تا مکمل همدیگر باشند. واژه زوج تنها برای انسان نیست بلکه همه مخلوقات است. هیچ موجودی نیست که جوهره نداشته باشد. چون جوهره در خلقت مکمل جوهره ای دیگر است پس در انسانیت زن و مرد برای تکامل همدیگر خلق شده اند و در خلقت زن و مرد تبعیض نیست.

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹)

معنی: و خواب شما را مایه آسایش قرار دادیم.
تفسیر: یک موضوع علمی دیگر که قرآن مجید به آن اشاره دارد. تحقیقات علمی نشان می‌دهد که خواب کافی سیستم ایمنی بدن را تقویت می‌کند یعنی باعث جلوگیری امراض می‌شود. خواب خوب برای تقویت حافظه ضروری است. خواب خوب باعث جلوگیری از افسردگی و اختلالات روحی می‌گردد. خواب انرژی مغزی را برای کار و فعالیت بیشتر تقویت می‌کند. خواب خوب قند خون را تنظیم می‌بخشد. خواب که به شکل اعتدال باشد از وزن بدن میکاهد. مطالعات نشان می‌دهد که خواب خوب طول عمر را بیشتر میکند.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)

معنی: و شب را برای شما پوششی قرار دادیم.
تفسیر: تحقیقات نشان می‌دهد که خوابیدن در تاریکی برای بدن از هر نگاه سودمند است. تاریکی باعث می‌شود که بدن به مغز یک علامه می‌دهد که زمان استراحت فرا رسیده است و باید روشنی را که باعث بر هم خوردن خواب میشود خاموش کرد. خوابیدن در تاریکی به نظم قند خون کمک می‌کند زیرا خوابیدن در محیط روشن مقاومت به انسولین را افزایش می‌دهد. خوابیدن در تاریکی شب مغز را آرام میکند. در آمریکا با همه پیشرفت ساینس و دانستن موضوعات از نگاه علمی، یک عده زیاد تشبثات تجاری از طرف شب کار میکنند که برای صحت خوب نیست. خواه مخواه استثنای آن در زندگی های مدرن وجود دارد که آنها باید با وقت زیاد برای استراحت اعاشه شوند مانند پرستار بیمارستان، طبیبان، پولیس و آتش نشانی یعنی خدمات عاجل که باید شب کار کنند. در غیر آن دیگران نباید طبیعت خود را معکوس سازند و شبانه کار کنند زیرا کار شبانه برای صحت بسیار مضر است.

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱)

معنی: و روز را برای کسب و کار شما گماشتیم.
تفسیر: به ادامه آیات قبلی که در مورد خواب و خوابیدن در شب که همه نظام هستی به خواب می‌روند و چون انسان هم جزء همین نظام خلقت است، انسان هم آرامشش را در شب به دست می‌آورد؛ درین آیه نشان

میدهد که روز برای کسب و کار و فعالیت است. همچنان که در شب مغز آرام میشود در روشنایی روز مغز فعال میشود. مطالعات نشان میدهد وقتی روشنایی به شکل معتدل آن زیاد باشد مغز خوبتر کار میکند و در بخش تولید متمرکزتر واقع میشود.

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲)

معنی: و بالای سر شما هفت آسمان استوار بنا کردیم.

تفسیر: درین جا قرآن از منظومه شمسی سخن دارد. مسلمانان اولین مردم بودند که نظام شمسی را مطالعه کردند و بنیانگذار علم نجوم بودند. هدف از هفت آسمان درین آیه هفت سیاره است که پسان ستاره شناسان شناسایی کردند و عبارت اند از مهتاب، عطارد، زهره، آفتاب، مریخ، مشتری و زحل می باشد. اینها مشهور به نام اجرام آسمانی اند.

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا (۱۳)

معنی: و چراغی درخشان نهادیم.

تفسیر: هدف آیه آفتاب است. وهاج به معنی شی که نور و حرارت تولید می کند. آفتاب در منظومه شمسی از مهمترین سیاره است که باعث رشد جهان طبیعت می شود. مطالعات ساینس جدید نشان میدهد که آفتاب باعث تولید ویتامین دی در بدن میشود. هورمون های خوشی انسانی را تقویت می کند و همچنان اهمیت کلیدی در سیستم ایمنی بدن دارد. آفتاب که نزدیک ترین سیاره به زمین است انرژی آن از مسافه یکصد و پنجاه میلیون کیلومتر زندگی را در زمین امکان پذیر می سازد و بدون آفتاب زندگی نیست.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَّجًّا (۱۴)

معنی: و از ابرهای فشرده آب ریزان فرو فرستادیم.

تفسیر: درین جا از نعمت باران سخن دارد. یک موضوع علمی دیگر در قرآن مجید. همه مسایل ساینس در قرآن است که واقعا شگفت انگیز است. باران از قطرات آب تشکیل شده است. در داخل ابرها قطرات آب به همدیگر می پیوندند و بزرگتر می شود و این مسله باعث سنگینی یا وزن زیاد می شود و دیگر قدرت بودن در هوا را ندارد و به پایین می ریزد. این ریزش آب باعث نموی جهان طبیعت می شود و سرسبزی به بار می آورد. آب حیات بخش است. قطرات آب و تشکیل آن یک

موضوع اتموسفیریک است که در اثر تبخیر به وجود می آید. درین جا به همین حد اکتفا می کنیم.

لُنُحْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵)

معنی: تا بدین وسیله دانه و گیاه را [از زمین] بر آریم.
تفسیر: قسمیکه گفتیم آب باران در رویدن حبوبات و نباتات و درختان و همه طبیعت حتمی و ضروری است.

وَجَنَّتِ الْأَفَاةَا (۱۶)

معنی: و باغ های پُر درخت.
تفسیر: درین آیه کوتاه قرآن از درختان در روی زمین یاد می کند. درختان نه تنها که سرسبزی به بار می آورد توانایی تصفیه هوا را دارند. همچنان اکسیژن تازه را در اختیار انسان قرار میدهد. دانشمندان فواید دیگر درختان را فهرست کرده اند. درختان هوا را پاک و گوارا می سازد به ترتیب که گازها را مانند اکسید نیتروژن امونیاک، دی اوکسید گوگرد و اوزون را جذب می کند و در داخل برگ ها و پوست تنه ای خود ذخیره می کند. هر قدر درخت زیاد باشد به همان اندازه هوا سرد می باشد یعنی حرارت آفتاب را دفع میکند. سایه درختان قادر است تا آب را ذخیره کرده و از تبخیر جلوگیری کند. موضوع درختان را که قرآن یاد می کند یک مسئله مطلق علمی است.

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷)

معنی: یقیناً روز موعود [حق از باطل] مقرر شده است.
تفسیر: در رابطه به آیات قبلی که ناباوران گفتگو میکردند و در مورد روز آخرت و روز بازپرس مغشوش بودند، درین جا پروردگار عالمیان به یقین خاطر نشان میکند که روز بازپرس و روز آخرت مقرر شده است و نباید نادیده گرفت و غافل نباشید.

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الْأَصْوِرِ فَنَاطُونَ أَفْوَاجًا (۱۸)

معنی: روز که توسط صوردمیده خواهد شد و شما گروه گروه به پیش خواهید آمد [و دورهم جمع می شوید].
تفسیر: جوامع بشری برای اجتماعات به یک اطلاع رسانی نیازمند است. این اطلاع رسانی می تواند گوناگون باشد. در جهان امروز توسط رادیو

و تلویزیون مردم را مطلع می کنند. «لُود سپیکر» که بلند گو ترجمه می شود و شکل آن از صور تقلید شده است و اصل آن از شاخ قوچ است و در جهان امروز یک صور است. در اسلام مردم را با آذان برای نماز اطلاع میدهند. صور درین جا جار زدن به یک وسیله است که مردم بشنوند و خبر شوند. این وسیله در قدیم توسط یک بوق که ما هارن می گوئیم مانند هارن موتر صورت می گرفت. هارن واژه انگیزی است که شاخ معنی میدهد. در کتاب تورات و انجیل هم صور آمده است که مردم را اطلاع رسانی میکردند تا جمع شوند و مشهور است به نام «شوفار» که از شاخ قوچ ساخته می شود و هنوز هم در مراسم مذهبی یهودان یک روز مذهبی را با شوفار اعلام میکنند. از دید کتب آسمانی وقتی صور دمیده می شود و مردم دور هم جمع می شوند اعلامیه قیامت است و همان روز باز پرس می باشد.

وَفُتِحَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

معنی: و آسمان گشوده شود مثل اینکه دروازه ها باز شده است.
تفسیر: درین جا مقصد از سماء که آسمان معنی میشود بهشت است. یعنی درهای بهشت گشوده می شود. و دروازه به شکل جمع آمده است. نظر به یک حدیث پیشوای اسلام (ص) درهای بهشت هشت تا است که به روی مومنان باز می شود. یعنی هشت در بهشت باز می شود.

وَسَيَّرَتِ الْجِبَالُ كَأَنَّ سُرَابًا (۲۰)

معنی: و کوه ها [چنان] از بین خواهد رفت گویی که سراب بودند.
تفسیر: موجودی که این همه خلقت از آن اوست و صانع واقعی الله سبحان و تعالی است همین قدرت را دارد همانطوریکه خلق کرد به همان منوال همه را محو و نابود کند. کوه های بزرگ را می بینیم که نزدیک شوی مانند سراب است و دیگر دیده نمی شود. توجه کنید که قرآن از یک حقیقت علمی دیگر سخن دارد و آن سراب است. سراب در اثر شرایط اتموسفیریک مخصوصا وقتی در دشت ها مانند یک قطعه آب از دور معلوم می شود که تاثیر انعکاس نور از آسمان و هوای گرم به وجود می آید. یعنی انعکاس نور جمع گرمی هوا باعث سراب در زمین میشود.

إِنَّ جَهَنَّمَ كَأَنَّ مِرْصَادًا (۲۱)

معنی: براستی دوزخ یک کمینگاه است.

تفسیر: برای عدالت بشری باید امتیازات و غیر امتیازات باشد که این به ذات خود برای انسان حس مسئولیت می‌دهد. خداوند یادآوری می‌کند که شما در مورد گفتار و کردار و اعمال و تفکر تان محتاط باشید که دوزخ در کمینگاه است و کاری نکنید که خود به خود، به بدبختی رسید. راه انتخاب در دست خود انسان است. جنت یا جهنم. انسان خود مختار است.

لِّلْطَّغِيْنَ مَأْبَأٌ (۲۲)

معنی: برای سرکشان جای بازگشت است.

تفسیر: اینجا واضح تر در مورد سرکشان بیان می‌کند که کسانی که ایمان دارند، هدف آنان نیستند. هدف از طغیانگران آنانی هستند که خداوند را رد می‌کنند مانند کمونیستان و ماتریالیستان و آنانیکه قرآن را تکذیب می‌کنند و به حقانیت خداوند باور ندارند. هستند مردمان که می‌گویند مسلمان هستند و اما قرآن را من حیث یک کتاب علم و حکمت قبول ندارند. اینها همه طغیانگران هستند و جای بازگشت شان جهنم است. چرا یک کسی که به خداوند ایمان ندارد جایگاهش باید جهنم باشد؟ جواب این است که آن شخص مالک جهان هستی را که خداوند است به رسمیت نه می‌شناسد و خداوند پاسدار ملکیت خود است. وقتی شما مالک را نشناختید بسیار آسان است که به ملکیت تجاوز کنید و خداوند کسانی که او را من حیث مالک جهان هستی نه می‌شناسد و به ملکیت خداوند تجاوز می‌کند جایگاهش را جهنم تعیین کرده است.

لِّلْبَیْثِیْنَ فِیْهَا أَحْقَابًا (۲۳)

معنی: برای مدت طولانی در آنجا خواهند ماند.

تفسیر: سرکشان برای اینکه به جزای اعمال شان برسند برای مدت طولانی در آنجا اقامت خواهند گزید.

لَّا یَذُوقُوْنَ فِیْهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)

معنی: نه سردی را [در آنجا] تجربه می‌کنند و نه نوشیدنی را [چشند].

تفسیر: انسان موجودی است که طبیعتاً آب و هوای مطبوع و گوارا را دوست دارد و همچنان نوشیدنی های سرد را در هوای گرم. درین جا خداوند هشدار می‌دهد که در محل سرکشان نه آب و هوای لطیف و گوارا وجود دارد و نه نوشیدنی های سرد و گوارا. این آیه نه تنها که از آخرت

هشدار میدهد در عین زمان نشان دهنده ای یک حقیقت مهم است که جهان بعد از مرگ هم فضا و آب و هوای خودش را دارد که مردم باید آگاهی داشته باشند. به عبارت دیگر جهان بعد از مرگ را جدی بالای آن فکر کنند و بیهوده تصور نکنند و برای آخرت خود تصمیم بگیرند.

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّافًا (۲۵)

معنی: مگر مایع جوشان و یک مایع که سیاه و گل آلود است.
تفسیر: حمیم آب گرم معنی میدهد اما درین آیه ترکیب این آب هم گفته شده که سیاه و غلیظ و ناشفاف است. پس معنی بهتر آن مایع می باشد زیرا آب جوشان باشد و یا نباشد شفاف است و در این آیه از شفافیت آب خبری نیست.

جَزَاءً وَفَاءً (۲۶)

معنی: جزای موافق به طبیعت شان.
تفسیر: ببینید درین جا خداوند یک موضوع علمی دیگر را خاطر نشان می کند که در علم روانشناسی امروزی بسیار مطرح است و آن عبارت است از طبیعت انسانی است. انسان های طغیانگر طبیعت تند خو و جوشان و خشن دارند. برای همچو انسان ها باید جزای شان موافق با طبیعت شان باشد. جزای طغیانگر مایع جوشان و خشن و تاریک که به طبیعت او سازگار است.

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷)

معنی: آنها از حساب دهی خود ترس و بیم نداشتند.
تفسیر: آنانیکه به موجودیت خداوند و حکمت خداوند اعتقاد ندارند معلوم دار به آخرت و قیامت هم اعتقاد ندارند. پس روز حساب دهی از اعمال خوب و بد برای شان مطرح نیست و ترس ندارند و اما در آخرت برای شان واضح می شود. در رابطه به این موضوع یک تبصره ی جالب است که اینها (سرکشان) دنیا را از خود کردند و مردم را مظلوم ساختند و از نعمات زندگی لذت می برند و ما منتظر هستیم که اینها جزای خود را در آخرت ببینند. تجربه تاریخ نشان داده است که آنان که سرکش هستند در همین دنیا جواب گناهان خود را داده اند و میدهند. هم به سطح فردی و هم خانوادگی و اما ما متوجه نه می شویم. ما کمتر تاریخچه زندگی یک انسان و یا یک ملت را مطالعه می کنیم. بدون تعمق، ما همه چیز را

به نصیب و قسمت شخص ربط می‌دهیم در حالیکه نصیب و قسمت یک مسئله دیگر است. شخص چنان در اثر کفر خود در زندگی بیچاره میشود که از زندگی کردن پشیمان می‌شود و هر روز مرگ خود را میخواهد و اما مرگ به سراغش نه می‌آید. حتما شما شاهد این اتفاقات بوده‌اید. و یا مسایل دیگر برایش رخ میدهد که باور کردنی نیست و این همه جزای است که انسان در دنیا می‌بیند و اما ما درک آنرا نداریم. یک موضوع فوق العاده مهم را که مردم نمیدانند که در زندگی انسانی اتفاق، چانس، طالع و بد طالع وجود ندارد. همه زندگی ما که به پیش می‌رود به خاطر کارهای خوب و بد که کرده ایم ساخته شده است. نه اینکه فلانی خوش طالع و بد طالع است و خوش چانس و بد چانس است. در بعضی مسایل است که خداوند خیر بنده مومن را میداند. هر بدی که برای ما رخ میدهد باید از خود سوال کنیم که من چه گناه کرده‌ام نه اینکه آنرا به اتفاق ربط دهیم.

وَكذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸)

معنی: و آیات ما را قاطعاً و قصداً دروغ می‌شمرند.

تفسیر: امروز ما در تلویزیون‌های بیرون مرزی شاهد هستیم که افغانان خود ما که از مادر و پدر مسلمان زاده شده‌اند آیات کلام الله مجید را انکار میکنند. چند تن از بیخردان و نادانان دیگر در برنامه شان زنگ می‌زنند و اسلام را تحقیر و توهین میکنند. آیات را بدون مطالعه زیر سوال می‌برند و حتی جار می‌زنند که بیایید برای من ثبوت کنید اگر شما راست می‌گویید. این را نمیدانند که آنها یک از عمق موضوع خبر دارند قرآن برای شان دستور داده است که با جاهل طرف نشوید. در گذشته هم یهودان آیات را تکذیب میکردند و پسان کمونیستان و دهریان و ماترلیستان آیات را تکذیب کردند. یعنی یک موضوع جدید نیست. مردم هم چون مطالعه ندارند سخنان سخیف همین برنامه سازان را قبول میکنند. اما خود شان مرتکب گناه خود هستند نه برنامه ساز. برنامه ساز مسئول گناه خود است و مردم مسئول گناه خود هستند.

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹)

معنی: و ما همه چیز را [دقیقاً] کتابت کردیم.

تفسیر: یکی از موضوعات فوق العاده مهم که در قرآن شناسی مطرح است و قابل غور و تعمق است این است که از همه اعمال و کردار و گفتار

و پندار ما خداوند با خبر است و همه درج کتاب می شود و صورت اعمال ما همین است که در دیگر ادیان یا وجود ندارد و یا اگر دارد بسیار کم رنگ جلوه داده شده است. یک مسلمان آگاه باید هر ثانیه بداند که زیر نظر خداوند است و هیچ چیز از دید آن ذات کبریا پوشیده و پنهان نیست. ما همه مسئول هستیم. به عبارت دیگر ما باید خدا را در همه امور حاضر ببینیم. همه ناملایمت خانوادگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی وقتی رخ میدهد که انسان فراموش می کند که اعمال او درج کتاب می شود و در آینده زود و یا دیر حساب دهی دارد. فراموش می کند که خدا هم می بیند و هم می شنود.

فَدُوْقُوا فَلَٰنَ نَزِيْدِكُمْ اِلَّا عَذَابًا (۳۰)

معنی: [ثمره اعمال] تانرا بچشید مگر اینکه عذاب تانرا افزایش میدهم.
تفسیر: همچنان که در افزایش تقوی و خوبی ها پاداش است به همان منوال در افزایش گناهان هم افزایش جزا تعیین شده است. این است عدالت خداوندی که برای اعمال نیک و بد با بندگان معامله می کند.

اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ مَفَاژًا (۳۱)

معنی: به یقین برای پرهیزگاران کامیابی و خشنودی بزرگ است.
تفسیر: انسان با تقوی کسی است که از بدی ها دوری میکند و میداند که احکام الهی برای کامیابی و خشنودی باطن اوست. قرآن نازل شد تا مردم با کرامت که شایسته آن هستند زندگی کنند. انسان را خود مختار دانست تا از عقل کار گیرد. شخص با تقوی نه تنها از بدی ها دوری می کند در عین زمان خودش را جزء مخلوقات میداند و درک این واقعیت را دارد که بدون رهنمایی خداوند پیروز نخواهد شد.

حَدٰیْقٍ وَاَعْنٰبًا (۳۲)

معنی: بوستان ها و تاکستان ها [بنیاد کردیم].
تفسیر: حدایق جمع الحدیقه است یعنی بوستان های که دیوار دارند. و همچنان قرآن مجید از انگور یاد میکند. درین جا خداوند آموزش میدهد که بوستان های میوه برای اینکه از گزند در امان باشند باید اطراف آن دیوار باشد و همچنان هدف چله تاک است که برای بلند رفتن انگور و نموی آن مهم است. مانند تاکستان انگور. میوه جات که در قرآن مجید یاد شده است به نام میوه های بهشتی یاد میشود زیرا این میوه جات فواید

صحی گوناگون دارد. مطالعات نبات شناسان طبی نشان میدهد که انگور خواص خاص برای درمان مریضی ها دارد. انگور یک انتی وکسیدنت است. مملو از ویتامین هاست. برای سیستم ایمنی بدن بسیار مفید است.

وَكْوَاعِبَ اَنْرَابًا (۳۳)

معنی: همدم هم سن و سال.

تفسیر: بهترین معنی آیه را علامه یوسف علی از عربی به انگلیسی کرده است. همدم هم سن و سال. درست است که یک معنی کواعب دوشیزگان انار پستان است اما آیه تحت الفظ معنی نمیشود. چون اترابا هم سن و سال معنی میدهد درینصورت زنان و مردان هم سن و سال مفهوم درست تر را می رساند. در غیر آن آیه یک مسئله شهوانی مردان را تمثیل می کند که هدف قرآن این نیست مخصوصاً که واژه زوج برای هر دو در قرآن استعمال شده است. یعنی زنان و مردان مکمل همدیگر هستند. اگر آیه تحت الفظ معنی شود جنبه یک طرفه میگیرد و درست نیست و عدالت قرآن را در تساوی زن و مرد زیر سوال می برد. اساساً قرآن زن و مرد را در دنیا و آخرت به یک نظر می بیند.

وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

معنی: جام های لبریز.

تفسیر: درین جا هدف از جام ها یا کاسه های پُر یا کَبَابْ عشق سرشار خداوندی و همچنان نعمت های خداوند را تمثیل می کند که اکثراً غلط فهمیده شده است. در اشعار فارسی هم وقتی شاعر از جام سرشار سخن می دارد هدف آن عشق سرشار خداوند و نعمت های خداوندی به بشر است نه مشروبات نشه آور. آیه در تصوف و دوستی و عشق به خداوند نقش بارز ایفا کرده است. طور مثال به این شعر حافظ توجه کنید

صوفی یا که آینه صافیت جام را
 تابگری صفای می لعل فام را
 راز درون پرده زردان مست پمپرس
 کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

ازین اشعار در تصوف بسیار زیاد است و کج دلال همه را برای مستی و بیخودی و مشروب نشه آور تعبیر و معنی میکنند که خلاف قرآن است. مستی در شعر نشه کردن نیست بلکه غرق شدن در عشق و رحمت خداوند است.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا (۳۵)

معنی: نه سخن بیهوده را می شنود و نه دروغ را.
تفسیر: ببینید در رابطه به آیه بالا وقتی انسان غرق عشق خداوند میشود نه سخن ناروا و بیهوده را می شنود و نه دروغ را. اینجاست که انسان در عمق خداشناسی داخل می شود و حتی راز درون پرده را می داند. به این اشخاص « به جا رسیده » گویند.

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶)

معنی: پاداشی است از جانب پروردگارت، بخششی سنجیده شده.
تفسیر: بلی! آنانیکه در راه خدا قدم برمیدارند و با خدا زندگی میکنند، برای خدا زندگی می کنند و همه هدف شان خشنودی خداست، خداوند به اندازه ی تلاش شان بدون کم و کاست و بسیار حساب شده پاداش شانرا منحیث بخشش یا تحفه میدهد.

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

معنی: خداوند آسمان ها و زمین و آنچه میان هر دوست از [آن] خدای رحمن است و هیچکس اجازه ی بیان را [در مقابل او] ندارد
تفسیر: ملکیت همه جهان هستی و هر آن چیزی که در بین آسمان ها و زمین است از خداوند است. درین جا یکی دو نکته مهم است که باید با عقل سلیم بدانیم. اول مانه می توانیم ادعای ملکیت جهان هستی را کنیم. این بدین معنی است که این حق قدرت های نظامی جهان نیست که در تلاش هستند تا برای تصاحب مسایل فضایی به مسابقه پردازند. وقتی جهان هستی ملکیت خداست همه مردم جهان به ان حق دارند نه تنها قدرت های بزرگ. دوم بخش اول آیه بیانگر توحید است که همه جهان هستی و هر چه در آن است یکی است و مالک آن خداست. بعد می گوید که چون همه جهان هستی از آن اوست به کسی اجازه نمیدهد تا در ملکیت او جر و بحث کند و یا سخن گوید و یا بیانیه دهد. انسان که مخلوق است و جزء همین خلقت است باید حد و حدود خود را بشناسد

و کوشش نکند به ملکیت خداوند دست درازی کند.

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا مَنْ اٰذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

معنی: روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند، سخن نه می گویند مگر به اذن خداوند رحمان و گویند آنچه صوابدید است.
تفسیر: روزی که همه در یک صف با فرشتگان جمع می شوند و برای بعضی بندگان خاص اجازه داده میشود تا حقیقت را بگویند و آنچه می گویند جزء ثواب یعنی حقانیت خدا و حقانیت کلام الهی چیزی دیگری نیست. این وقتی است که همه در مقابل کرسی عدالت قرار میگیرند. قابل یادآوری است که در تفسیر روح مفسرین نظریات گوناگون دارند. یک عده روح را جبرئیل تفسیر کردند همچنان روح مردم است. نزدیکترین تفسیر همان است که مردم و فرشتگان همه یکجا قیام می کنند.

ذٰلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ اِلٰى رَبِّهِۗ مَابًا (۳۹)

معنی: آن روز [آمدنی]، روز حق است پس هر که خواهد بازگشتگاهی به سوی پروردگار خود بجوید.

تفسیر: خداوند رحمن و رحیم فرصت آخری را به بندگان میدهد وقتی همه جمع می شوند و سخن حق را از فرشتگان و اهل علم می شنوند راه را انتخاب می کنند و تصمیم میگیرند. این روز است که حق شنیده می شود و حق داده می شود و عدالت تام تأمین میگردد.

اِنَّا اَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيْبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُوْلُ الْكَافِرُ يٰلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

معنی: بدون شک، ما از عذاب که نزدیک است شما را بیم داده بودیم، روز که انسان نتیجه اعمال خود را که با دستان خود انجام داده، می بیند و شخص کافر می گوید ای کاش من هم خاک می بودم.

تفسیر: خداوند دانا و توانا، غفور و رحیم انسان را بار بار هشدار داده است تا خودش را اصلاح کند و مسیر زندگی اش را که راه حق و راستی است تغییر دهد. و از عذاب بی اطاعتی و سرکشی خودش را نجات دهد. انسان که هر عمل که انجام داده قبل ازین روز ثبت شده است و با دست خود انجام داده و فرستاده است نتیجه اعمال خودش را درین روز می بیند. اما شخص کافر آرزو می کند ای کاش درین دنیا من حیث انسان نه می

آمد و خاک میبود و این اعمال نامه رانه می دید. روز عدالت تامین می شود. از انسانیت خود شرم می کند و اما دیر می باشد.

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

مقدمه

نازعات از نزع آمده است. کندن هم معنی میدهد مانند علف را کندن. درین سوره معنی آن جان گرفتن و جان کندن است. پاره کردن و دریدن هم معنی میدهد. سوره مکی است و دارای چهل و شش آیه است. سوره ی نازعات طویل ترین سوره در جزء سی ام است. این سوره که بخش مهم آن معاد و روز آخرت است روح خفته و خواب برده را بیدار می کند. همچنان مسئله قدرت و قضاوت و عدالت خداوند مطرح است که انسان سرکش و مغرور را متوجه می سازد. حضرت محمد (ص) فرموده است که کسی که سوره نازعات را بخواند توقف و حساب او در روز قیامت به اندازه ی یک نماز روزانه است و بعد از آن وارد بهشت می شود. امام غزالی طوسی علیه الرحمه این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. اگر کسی در خواب بیند که نازعات میخواند هنگام مرگ از جان کندن می ترسد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱)

معنی: سوگند به فرشتگانی که به سختی جان [گنهکاران] را میگیرند.
تفسیر: زنده کننده و میراننده خداوند است. اما می بینیم که بعضی اشخاص بسیار به مشکل جهان را ترک میکنند. با مرگ دست و پنجه نرم می کنند. اینها کسانی هستند که فرشته مرگ جان شانرا به سختی میگیرد. در دل یا مشرک هستند یا کافرو یا مرتکب گناه بزرگ شده اند. توجه داشته باشید که این آیه به ما می رساند که گنهکاران جزای اعمال شانرا در همین دنیا قبل از مرگ میبینند.

وَالنَّاسِطَاتِ نَسْطًا (۲)

معنی: و فرشتگانی که [جان مومنان] را به آسانی میگیرند.
تفسیر: به تعقیب آیه اول می گوید که جان مومنان را به آسانی و آرامی فرشته مرگ میگیرد. ما اگر میخوانیم مرگ آسان داشته باشیم و این جهان را بدون رنج و سختی ترک کنیم باید خدا شناس باشیم. مومن باشیم. مرگ آسان نمایانگر این حقیقت بزرگ است که شخص که از

جهان می رود از قلب مومن بوده و آن دنیای او هم بهشت برین است. یعنی علایم درین دنیا برای ما هشدار دهنده و بیم دهنده و مژده دهنده است.

وَأَسَلِحَاتٍ سَبْحًا (۳)

معنی: و سوگند به فرشتگانی که بسیار سریع پرواز می کنند.
تفسیر: فرشتگان الهی به امر پروردگار بسیار سریع در اجرای فرمان الهی حرکت میکنند. طور مثال وقتی حضرت ابراهیم (ع) را در آتش می انداختند به اذن الهی و سرعت حرکت فرشته، آتش خاموش شد. وقتی انسان قادر شده است که یک پیام را از طریق رسانه های مجازی به سریع ترین وقت از یک قاره به قاره دیگر بفرستد آیا این کار برای خداوند مشکل است؟ خوب دقیق فکر کنید.

فَأَلْسَبِقَاتٍ سَبْقًا (۴)

معنی: [و سوگند] به فرشتگان پیشتاز.
تفسیر: فرشتگان در اجرای فرمان الهی درنگ نه میکنند. خیلی ها چابک هستند.

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)

معنی: [سوگند] به فرشتگان که [به اذن خداوند] کار سازی میکنند.
تفسیر: به یاد داشته باشیم که اصل تدبیر کار به دست خداوند است نه فرشتگان. فرشتگان بدون اذن الهی هیچ کاری را کرده نه می توانند. اما وقتی یک کار برای شان امر میشود آنرا با کمال امانت داری و بیدرنگ انجام میدهند. توجه داشته باشید که در بعضی تفاسیر چنین ترجمه کرده اند که یعنی فرشتگان تدبیر می کنند که درست نیست. تدبیر کار به دست خداوند است و اجرای امر کار به دست فرشتگان. علامه یوسف علی می نویسد که بعد ازینکه به اجراات فرشتگان در عالم الهی در پنج آیه اول سوگند یاد شد حالا واقعیت های که در جهان انسانیت مطرح است بیان می شود.

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّجِفَةُ (۶)

معنی: روزی که همه چیز در جوش و خروش و مهمه است، این مهمه به شکل قاهرانه و شدید به لرزه خواهد آمد.

تفسیر: آیه از اخیر جهان فانی به ما اطلاع میدهد که همه چیز دینا در یک جوش و خروش و همه است. همه شهرها را ببینید. جوش و خروش زندگی انسانی که انسان را از موجودیت خودش، مسولیتش و رسالتش مطلق بیخبر ساخته است. این جوش و خروش در داخل زمین از نگاه زمین شناسی وجود دارد که ما به چشم نه می بینیم و اما روزی می رسد که این همه با یک زمین لرزه بزرگ به پایان می رسد. این یک واقعیت است که هر چیز یک ختم دارد. هر چیز بالاخره فنا شدنی است به شمول کره زمین که ما زندگی می کنیم. پس باید آماده بود.

تَتَّبِعُهَا الزَّالِفَةُ (۷)

معنی: به تعقیب آن زمین لرزه های مکرر اتفاق می افتد.
تفسیر: توجه می کنید که وقتی زمین لرزه بزرگ اتفاق می افتد چند دقیقه بعد زمین لرزه های خورد به تعقیب آن اتفاق می افتد. آیه بیانگر یک حقیقت بزرگ است که انسان نباید غافل باشد و همین اتفاقات امروزی زلزله و پَسْکَشْک های آن درس عبرت باید باشد که حالا به شکل امتحانی به ما نشان میدهد که بیدار شویم. یکی از اهداف سوره نازعات بیداری انسان غافل است که تا دیر نشده است به خود آید و خودش را از غفلت نجات دهد.

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

معنی: دل ها در آن روز در تلاطم و آشفتگی می باشد.
تفسیر: بلی در روز اخیر که زمین لرزه بزرگ به قوع پیوندد دل های مردم دچار سراسیمگی و آشفتگی می شود که برای شان چه اتفاق خواهد افتاد. نمیدانند چه کنند. تصور کنید در یک زلزله که در زندگی ما اتفاق افتاده است چقدر اضطراب به ما رخ داده است. از خانه بیرون فرار کردیم تا خانه سر ما نه غلتد. همه چیز را به سرعت رها کردیم. اما در آن روز که زلزله بزرگ به وقوع می پیوندد آیا آمادگی داریم؟

أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ (۹)

معنی: چشمان شان [از شدت ترس] فرو افتیده.
تفسیر: این روزی است که نه تنها خوف و ترس و هم از شرمندگی انسان غافل بالا دیده نه می تواند و از سر افکندگی چشمانش پایین است. نه می داند چه بگوید و چه کند.

يَقُولُونَ اَعِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَاغِرَةِ (۱۰)

معنی: [حالا] می گویند ما واقعاً چه می شویم. آیا ما به حالت اولی بر گشتانده می شویم؟

تفسیر: هدف آیه متوجه کفار و آنان است که خداوند و آیات او را تکذیب کردند. یقین حاصل کردند که مرگ فرا رسیده است و گویند ما زنده به گور خواهیم شد. چطور شود که به حالت اولیه برگردیم. فراموش میکنند که تنها مرگ نیست بلکه حساب دهی به دربار خالق است که از روی کبر و غرور و خودخواهی خالق را انکار کرده بودند.

اَعِدَّا كُنَّا عِظْمًا نَخْرَةً (۱۱)

معنی: آنگاه که استخوان های پوسیده شویم؟

تفسیر: برای شان مشکل است که درک کنند که برای خداوند بسیار آسان است که دوباره زنده شوند. اما چون به حکمت خداوند اعتقاد ندارند از خود سوال میکنند که چطور امکان دارد که ما استخوان های پوسیده شویم و دوباره برگردیم به حالت اولیه. فهم این مطلب برای شان مشکل است.

قَالُوا تِلْكَ اِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

معنی: گویند در آنصورت یک بازگشت زیانبار خواهد بود.

تفسیر: متوجه حقیقت می شوند که برای خداوند زنده ساختن شان آسان است و اگر این کار به وقوع بپیوندد که به یقین شدنی است؛ درین حالت وضع شان به خاطر کفر شان بسیار خراب خواهد بود.

فَاِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاٰحَدَةٌ (۱۳)

معنی: ولی این بازگشت با یک آواز مهیب واقع می شود.

تفسیر: روز بازگشت همانا روز بازخواست است که با یک آواز مهیب همه جمع می شوند و در ترازوی عدالت قرار میگیرند. هیچ وقت انسان باید فکر نکند که جواب دادنی نیست و آن روز آمدنی نیست. نباید خود را فریب داد. باید توجه داشته باشیم که با آواز مهیب همه اعمال قطع شده است و نتیجه نهایی اعمال مردمان اعلام میگردد. این موضوع را تنها کسانی اعتقاد دارند که به حکمت های خداوند باور دارند.

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)

معنی: پس ناگهان همه در عرصه روز محشر قرار میگیرند.
تفسیر: یکی از اساسات عمده ی اعتقاد اسلامی روز رستاخیز است. عقیده نداشتن به این روز کفر محسوب می شود. آنانیکه اعتقاد دارند باید آمادگی لازم را داشته باشند.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵)

معنی: آیا داستان موسی به تو رسیده است؟
تفسیر: داستان حضرت موسی (ع) برای ما بسیار آموزنده است. چون خداوند غفور و رحیم است حتی با اشخاص مانند فرعون، به اساس رهنمود های خداوندی با نرمی برخورد میشود. انکار حقیقت از جانب فرعون سبب سقوط او درین دنیا میشود. نباید از کبر و غرور کار گرفت. معنی سخن در داستان این است که ما به سزای گناهان خود درین دنیا می رسیم. هیچ کس نباید مغرور قدرت و زر و سیم شود زیرا بالاخره جواب خواهد داد. از عدالت خداوند هیچ کس فرار کرده نه می تواند.

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ ۖ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

معنی: وقتی پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد.
تفسیر: وادی طوی گذرگاهی در جنوب کوه طور در شبه جزیره سینا در شمال شرقی مصر قرار دارد. درین وادی بود که خداوند به حضرت موسی (ع) ندای حق را داد. با حضرت موسی (ع) فراسوی حجاب که یک درخت بود سخن گفت. با اینهم حضرت موسی (ع) مشهور به کلیم الله است.

أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷)

معنی: [فرمود] به سوی فرعون برو که سر به سرکشی نهاده است.
تفسیر: فرعون از کبر و غرور زیاد ادعای خدایی کرد و بزرگترین طغیان او همین بود. حضرت موسی (ع) وظیفه داده شد تا فرعون را اصلاح کند. چرا اصلاح فرعون ضروری بود؟ برای اینکه هرگاه زعیم فاسد باشد رعیت فاسد می شود و از راه حق بیرون می شوند. به عبارت دیگر زعیم خداپرست باعث سعادت مردم خود می شود و زعیم نادان باعث بربادی مردم چنانچه ما در افغانستان بار بار دیدیم.

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَن تَزْجَىٰ (۱۸)

معنی: پس بگو: آیا میخواهی [از گناه] پاک شوی؟
تفسیر: بزرگترین گناه نزد خداوند شرک است که نابخشودنی است. انسان که مخلوق است باید بداند که خالق او کیست و خالق او ملکیت جهان هستی را دارد. انسان نباید از حدود خود تجاوز کند و خالق جهان هستی را انکار کند. وقتی انسان گنهگار شمرده می شود که اول مرتکب شرک شود و دوم مغرور و متکبر شود و تصور کند که تنها خودش مطرح است و استغفرالله خدای وجود ندارد.

وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَحْسَبُنِي (۱۹)

معنی: تو را به سوی پروردگارت هدایت می کنم که فروتن باشی.
تفسیر: خداوند بسیار غفور و رحیم و بخشاینده است. او بنده اش را دوست دارد و نه می خواهد تا بنده اش به راه غلط باشد. درین آیه خشیت فروتن معنی میشود نه ترس از خداوند زیرا چون انسان یک موجود متکبر و خود خواه است تنها با هدایت خداوند می تواند فروتنی کند زیرا واقعیت جهان هستی را درک می کند. زمانی انسان بیراه می شود و مغرور و متکبر میشود که خالق جهان هستی را فراموش می کند و اما وقتی درک حقیقت کرد متواضع می شود.

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ (۲۰)

معنی: پس نشانه بزرگ را نشان داد.
تفسیر: در تفاسیر اکثراً معجزه معنی شده است. خداوند معجزه گر نیست. اینجا آیه نشانه بزرگ معنی میدهد که حضرت موسی (ع) به اذن خداوند به فرعون نشان داد. آیه به آیه قبلی توافق کامل دارد زیرا فرعون مغرور و متکبر شده بود. نه تنها که فرعون خداوند را انکار میکرد، سخت مغرور شده بود. باید برایش قدرت خداوند نشان داده می شد.

فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۲۱)

معنی: اما او تکذیب کرد و نافرمانی نمود.
تفسیر: قصص قرآن مجید نه تنها ما را به دین شناسی و خدا شناسی آشنا می سازد به علم تاریخ هم آشنا می سازد. داستان فرعون و حضرت

موسی (ع) از همان داستان های آموزنده است که ما عظمت و قدرت خداوند را وقتی کسی که صاحب قدرت است میخوانیم و درک حقیقت می کنیم. فرعون نه میخواست تا به خدایی خداوند باور کند و یا قدرت خداوند را درک کند. در رابطه به آیات بالا فرعون آیات را تکذیب کرد و عصیان نمود. امروز هم هستند صاحبان قدرت که آیات را تکذیب می کنند و در مقابل قدرت خداوند عصیان می کنند و راه زوال خود را هموار می کنند. یعنی فرعون یک نمونه از عصیان است که ما در سیاست های امروزی مشاهده می کنیم.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ (۲۲)

معنی: آنگاه روی گشتاند و تلاش ورزید.

تفسیر: فرعون حضرت موسی (ع) را رد کرد. آیات را تکذیب نمود و کوشش کرد تا ساحران را گرد هم جمع کند و با پیام موسی (ع) که او را براه حق و راستی دعوت میکرد و نشانه که به اذن خداوند نشان داده شده بود مقابله کند.

فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (۲۳)

معنی: پس [مردم را] را دور هم جمع کرد و ندا داد.

تفسیر: برای اینکه ثابت کند که او فرمانروای همه جهان است مردم مصر را دور هم جمع کرد و به آواز بلند صدا کرد که.

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ (۲۴)

معنی: پس گفت: پروردگار اعلی شما منم.

تفسیر: به مردم گفت که خدای بزرگتر و نیرومند تر و بلند تر خود اوست یعنی فرعون. اینجا فرعون از حدود انسانی اش تجاوز میکند و نه میداند و نه درک این را دارد که بنده است و فنا شدنی و جواب دادنی. در بین افغانها هم کسان پیدا شدند و خداوند را در تلویزیون ها نفیہ کردند و ادعا کردند که آنها بهتر میدانند. یعنی در هر زمان یک فرعون سر می کشد و موضوع نو نیست.

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرَةِ وَالْأُولَىٰ (۲۵)

معنی: پس خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد.

تفسیر: انسان های که از حدود خود تجاوز می کنند و ادعای خدایی می

کنند و یا خداوند را که همه جهان هستی ملکیت اوست رد می کنند هم در دنیا و هم آخرت به عذاب بزرگ گرفتار می کند. ما باید درک کنیم که هر وقت یک انسان از حدود خودش تجاوز کند جزا می بیند. چه این حدود خداوند باشد که به جزای اعمال خود می رسد و چه در کار های محوله و انسانی باشد جزا می بیند. اگر با گنهکار و بیگناه یک رویه شود پس عدالت خداوندی چه شد؟ اگر یک کارمند خوب پاداش نیند و کارمند خراب تادیب نشود پس نظام عدالت از بین می رود. فرعون درین دنیا سرنگون شد.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ (۲۶)

معنی: بدون شک [این داستان] پند بزرگ است برای کسی که فروتنی داشته باشد.

تفسیر: داستان های قرآن بیهوده نیست و همه برای پند و آموزش و پرورش و ارتقای سطح فرهنگی، معنوی، دنیوی و خداشناسی انسان است اگر کسی به دقت فکر کند. این داستان ها بسیار بیدار کننده است اگر کسی تعمق کند.

عَٰنَتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاتٍ (۲۷)

معنی: آیا آفرینش شما دشوار تر است و یا آسمان که بنا نهاد؟

تفسیر: اینجا انسان را متوجه می سازد که شما جزء همین خلقت هستید. آیا خلقت شما آسان است و یا جهان هستی. یعنی آسمان و کهکشان. یعنی شما شمه ازین خلقت هستید در حالیکه خداوند خالق همه جهان هستی است. خدای که همه از آن اوست. همه ملکیت اوست. انسان باید در خلقت خود دقت کند و خودش را بشناسد تا خدا را بشناسد. انسان باید دقت کند و خودش را جزء همین خلقت بیکران ببیند.

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّلَهَا (۲۸)

معنی: پوشش بلند [و] با نظم برافراشت.

تفسیر: زیاد تر این آیه سقف معنی شده است که مفهوم اصلی آیه رانه می رسانند.. هدف پوشش جو زمین است که همه کره خاکی را احاطه کرده است. در ساینس این را اوزون یاد میکنند. اوزون زمین را برای زندگی حیاتی محافظت می کند. و این یک موضوع علمی است که قرآن به آن اشاره دارد. هدف از نظم کاینات است که با نظم و برابری کامل

خلق شده است. همه سیارات در مدار منظم در حرکت هستند.

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

معنی: شب را با تاریکی و روز را با روشنایی نمایان کرد.

تفسیر: درین جا قرآن یک موضوع علمی دیگر را اشاره میکند و آن چرخش زمین در دور آفتاب است که شب و روز را پدید می آید. آفتاب ثابت است و در اثر چرخش زمین که بیست و چهار ساعت را در بر میگیرد و این حرکت روزانه در مدار آفتاب از شرق به غرب، شب و روز را به وجود می آورد.

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ نَحَلْهَا (۳۰)

معنی: و زمین را زیاد تر گسترش میدهد.

تفسیر: از نگاه علم زمین شناسی در اوایل کره زمین یک قاره واحد بود که «پانگیا» یاد میشود و توسط بحر احاطه شده بود. پانگیا به پارچه های مختلف تکه تکه می شود و به هر طرف کشانیده میشود. «دحها» همین پانگیا است که امروز سانیس ثابت کرده است و قرآن چهارده سال قبل به انسان گزارش میدهد.

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۳۱)

معنی: و [ازین بنا برین] آب و سبزه زار را خارج کرد.

تفسیر: وقتی زمین توسعه می کند و قاره ها در اطراف زمین عرض اندام می کنند، ابحار و چراگاه ها و سبزه زارها در اثر تقسیمات آب و رطوبت به وجود می آید و حیات را در زمین مهیا می سازد.

وَالْجِبَالَ أَرْسَلْنَا (۳۲)

معنی: و کوه ها را محکم و استوار ساخت.

تفسیر: تفسیر کوه ها در آیه هفتم سوره نباء بیان شد.

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَمِكُمْ (۳۳)

معنی: اجناس و چارپایان [برای استفاده و بهره ای فراهم شد]

تفسیر: متاع می تواند به چند صورت معنی شود. بهره گیری، اجناس و لوازم زندگی. همچنان چارپایان برای استفاده انسان فراهم شد مانند خر و

اسب و شتر و غیره. با این آیه خداوند می‌رساند که برای آسایش زندگی و سهولت در کارها متاع و حیوانات فراهم شده است که همه نعمت‌های پرورگار است.

فَإِذَا جَاءَتْ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ (۳۴)

معنی: و چون آن واقعه بزرگ در رسد.

تفسیر: هدف از طامه قیامت است که رسیدنی است و روز بازخواست از بندگان که ما باید آمادگی لازم را داشته باشیم.

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ (۳۵)

معنی: روز که انسان به یاد می‌آورد برای هر کاری که تلاش ورزیده است.

تفسیر: اساساً زندگی این دنیا، زندگانی آن دنیا را می‌سازد. ما از اعمال خوب خود صاحب پاداش می‌شویم و از سبب اعمال خراب جوابگوی هستیم. این دنیا بسیار زیباست وقتی ما غافل نباشیم و یقین داشته باشیم که روز بازخواست رسیدنی است.

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ (۳۶)

معنی: و شعله‌های آتش برای تماشای شما آشکار میگردد.

تفسیر: قرآن مجید هشدار میدهد آنانی را که آیات را انکار میکنند، نتیجتاً تباهی به بار می‌آورند و خلقت خدا را نادیده میگیرند و به ملکیت خدا دست درازی میکنند و نمیدانند که روز بازخواست حق است. نمای از شعله‌های آتش برای شان نشان داده می‌شود تا بدانند که سخن خدا حق است.

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ (۳۷)

معنی: پس آنکه طغیان کرد.

تفسیر: آنانیکه سرکشی میکنند و از حدود خود تجاوز می‌کنند مسئول تجاوز خود خواهند بود. هم در دنیا و هم در آخرت.

وَعَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸)

معنی: و زندگی دنیا را ترجیح داد.

تفسیر: این بدین معنی نیست که مردم کار نکنند، زحمت نکشند و

سرمایه نداشته باشند و یا زندگی آسوده نداشته باشند. هدف از ترجیح این دینا این است که خداوند همه نعمت‌ها را برایش مهیا کرد و اما فراموش میکند که ازین نعمت‌ها سوال شدنی است. طور مثال اگر علم آموختی آیا مردم از علم تو مستفید شدند؟ اگر ثروت اندوختی آیا به فقیر و بیچاره کمک کردی؟ کسانی به زندگی دنیا غرق می‌شوند که آخرت و مسولیت‌های که در مقابل خدا و مردم دارند فراموش میکنند. اولاد خود را فراموش میکنند که تربیه سالم شود. حقوق مردم را به خاطر منافع اقتصادی پایمال میکنند.

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۳۹)

معنی: پس جایگاه‌شان در آتش است.

تفسیر: هدف از جحیم، جهنم است. کسانی که مسئولیت‌های‌شانرا در مقابل خدا و خلق خدا فراموش میکنند، و فراموش میکنند روز بازخواست آمدنی است و آیات کلام الله مجید را که برای سعادت‌شان نازل شده انکار میکنند جایگاه‌شان جهنم است یعنی آتش دوزخ.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ ۖ وَنَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۴۰)

معنی: و اما آن کس که از مقام خداوند بیم داشت و خود را از هوس‌های [بیهوده] به حفظ کرد.

تفسیر: عدالت خداوند همین است که آنانی که مقام‌خدایی خداوند را بشناسند و از حدود‌شان تجاوز نکنند و خود‌شان بالاتر از خدا مانند فرعون ندانند و آیات را که برای آسودگی و سعادت بشر نازل شده انکار نکنند و از هوس‌های بیهوده پیروی نکنند در حفظ خداوند هستند.

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۴۱)

معنی: پس جایگاه او جنت است.

تفسیر: در ادامه آیهٔ چهل پس آنانی که خدا پرست هستند و در راه خلق خدا زحمت می‌کشند و برای ارمان‌های خدا زندگی میکنند و عدالت را بر پا می‌کنند جایگاه‌شان بهشت است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا (۴۲)

معنی: از تو در بارهٔ ساعت موعود سوال میکنند که چه وقت می‌باشد.

تفسیر: مردم کنج‌کاو هستند و میخواهند بدانند که قیامت چه وقت بر

پا می شود و درین باره سوال می کنند. اما نه می دانند که این یک راز است بین خدا و مردم تا مردم همیشه آماده باشند و وقتی آن ساعت می رسد پشیمان نشوند. اگر مردم این راز را بدانند رسالت انسانی شان را تکمیل نه می کنند. باید زحمت بکشند و امید وار باشند. اساساً زمان یک انگاشت است که برای انسان خلق شده است. خداوند به زمان نیاز ندارد. نکته قابل تعمق این است که هر چیز یک خاتمه دارد بشمول زندگی ما که از روز رفتن خود نه می دانیم.

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِنَهَا (۴۳)

معنی: تذکر این موضوع به تو ربط ندارد.

تفسیر: هستند راز های خداوند که او نه میخواهد تا انسان بداند. چون انسان با یک مغز بسیار فراخ خلق شده است همیشه در کوشش است تا هر چیز را بداند که این مقام انسانیت را بسیار بالا می برد. همه اکتشافات و اختراعات که ما شاهد هستیم به خاطر این است که انسان میخواهد بداند و کشف کند به شمول راز های خلقت را. اما انسان فراموش می کند به یاد بیاورد که جستجوی او هم یک حدود دارد. درین آیه خداوند به انسان می گوید در کار که مربوط تو نیست دخیل نشو زیرا بیفایده است. پس انسان باید حدود اش را بشناسد.

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَىٰ (۴۴)

معنی: انتهای همه چیز بدست پروردگار است.

تفسیر: هر چیز درین زندگی یک حدود دارد. هر چیز یک آخر دارد. اما سرانجام همه کار ها به پروردگار بر میگردد. این مهمترین نکته خداشناسی است و مهمتر اینکه ما مسئول همه اعمال و کردار و گفتار خود هستیم. این آیه انسان را در مقابل خودش و خدا و خلق خدا مسئولیت می بخشد و مقام زیبای انسانی همین است.

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا (۴۵)

معنی: تو تنها هشدار می دهی به آنانیکه [از خدا پروا] دارند.

تفسیر: این آیه برای اهل ایمان است که وظیفه پیامبر هشدار دادن آنان است نه فشار آوردن و تحمیل دین. وظیفه پیامبران یادآوری کردن است. اما آنانیکه ایمان نیاورده اند یادآوری کنی یا نکنی بیهوده است. اما اهل ایمان به یادآوری ضرورت دارند تا همیشه استوار قدم باشند.

كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (٤٦)

معنی: روزی را بنگرند که [متوجه می شوند] اقامت شان درین دنیا مانند شامگاهی و بامدادی چیزی بیشتر نبوده است.

تفسیر: در زبان عامیانه می گوئیم که روز و شب چطور زود می گذرد. شب روز می شود و روز شب و هیچ نه می فهمیم. زندگی دینا هم همینطور است. زود گذر است. وقتی صبحانه بیدار می شویم شب که گذشته است یک خواب است که دوباره تکرار نمیشود. پس باید به خود آییم که وقتی بعد از مرگ بیدار می شویم زندگی دنیا یک درنگ بیش نبوده است. باید غافل نباشیم. باید توجه کنیم که ما در زندگی چه باید بکنیم که تا وقتی بیدار می شویم نزد پروردگار خجالت و شرمسار نباشیم.

سُورَةُ عَبَسَ

مقدمه

سوره مکی است و چهل و دو آیه است. از نگاه علم جامعه شناسی فوق العاده یک سوره مهم و آموزنده است. عبس به معنی اخم کردن، روی بر تافتن و چهره در هم کشیدن است. امام غزالی طوسی علیه الرحمه این سوره را «گوهر علم» نام نهاده است. این سوره انسان سرکش را متوجه می سازد که کفر به خدا و قرآن زوال انسان است. باید به آفرینش خود عمیق شود. به روز آخرت تعمق کند. همچنان این سوره سخن از ایکولوژی دارد که زمین را با باران بارور می سازد. و شکرگزاری از نعمت های خداوند. از بر کردن این سوره فضیلت زیاد دارد و حدیث از پیشوای اسلام در دست است که فرد مومن با از بر کردن این سوره با چهره خندان به بهشت می رود.

شان نزول سوره، ملاقات حضرت رسول اکرم (ص) با سران قریش بود که یک مرد نابینا در مجلس وارد میشود و صحبت را اخلال می کند. چون پیامبر (ص) مصروف جلسه می باشد اخم میکشد که یعنی مصروف است. اینجاست که سوره نازل می شود که او یعنی مرد نابینا از آنها بهتر است. از نگاه جامعه شناسی دو نکته مهم درین داستان نهفته است. اول احترام به معیوبین است که امروز در جهان پیشرفته بسیار مطرح است. اما متأسفانه در کشورهای اسلامی به معیوبین دقت لازم صورت نمیگیرد. دوم آیه طبقات اجتماعی را نفی میکند زیرا کفار قریش سرداران و اهل زر و سیم بودند و آن مرد فقیر بود. اینجا قرآن مرد مومن با ایمان را بر مرد ثروتمند قریش ترجیح میدهد. اگر کسی بیند که در خواب عبس میخواند با مردم تشرویی می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱)

معنی: اخم کرد و روی بر تافت.

تفسیر: در پیشگفتار این سوره گفتیم که این سوره به خاطر حرمت یک نابینا نازل شد. قرآن شخص نابینا و فقیر را بر ثروتمند قریش ترجیح داد.

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)

معنی: که نابینا نزد وی آمد.

تفسیر: مرد که در جریان مجلس پیشوای اسلام (ص) با کفار قریش وارد مجلس شد یک نابینا بود. در تاریخ اسلام میخوانیم که این مرد نابینا و فقیر، عبدالله بن ام مکتوم بود. میخواست تا چند آیه پیامبر به او بخواند. پیامبر کمی ناراحت شد که او مجلس را اخلال میکرد و نخواست جواب گوید که این سوره به حرمت عبدالله بن ام مکتوم نازل شد.

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ^۱ يَزَّكَّى^۲ (۳)

معنی: تو چه درک می کنی شاید او پاکی [دل] پیشه کند.
تفسیر: تو راز دل را چه دانی. امکان دارد که در جستجوی حقیقت باشد

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِّكْرَى^۱ (۴)

معنی: یا پند گیرد و آن پند به سودش باشد.
تفسیر: با اینکه نابینا بود و اما در جستجوی حقیقت بود. میخواست زیاد تر بداند. همین پشت کار و علاقمندی او به علم و معرفت و آموختن بود که در کنار صداقت که داشت یکبار در غیاب رسول کریم والی شهر مدینه شد.

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى^۱ (۵)

معنی: اما آنکه [از پند تو] اظهار بی نیازی میکند.
تفسیر: این آیه در مورد رهبر قریش بود که رسول اکرم (ص) میخواست تا اسلام را قبول کند زیرا وقتی سران و بزرگان به راه راست هدایت می شدند رعیت شان به تعقیب شان روان می شد. او یکه دل اش در جستجوی حقیقت نباشد هیچ سودی ندارد که برایش پند دهی یا ندهی.

فَأَنْتَ لَهُ^۱ وَ تَصَدَّى^۲ (۶)

معنی: پس تو به او می پردازی.
تفسیر: پیامبر (ص) میخواست تا دین مبین را برای مرد ثروتمند قریشی تبلیغ کند و او را از حقیقت خدا پرستی آگاه سازد.

وَمَا عَلَيْكَ^۱ أَلَّا يَزَّكَّى^۲ (۷)

معنی: بر تو گناهی نیست اگر [دل او از شرک] پاک نمیشود.
تفسیر: اینجا به پیامبر (ص) اطمینان میدهد که او مسئول ایمان مردم نیست. دین تحمیل نمیشود. اگر قبول نه می کند پیامبر (ص) کدام گناهی

را مرتکب نشده است. در زندگی امروز هم آنان که سخن حق را نه می شنوند ما نباید فشار بیاوریم تا خود شان به تشبث خود اعتقاد پیدا نکنند. چنانچه یک عده زیاد اروپاییان امروز به تشبث خود به اسلام گرویده اند.

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَىٰ (۸)

معنی: و اما اویکه به کوشش خود [صادقانه] آمده است.

تفسیر: دین بالای مردم تحمیل نمی شود چنانچه در کشور های اسلامی مروج است. مردم خود شان باید به تلاش خود به اسلام گرایده شوند. امام مالک علیه الرحمه سخن جالب دارد که انسان پشت علم می رود؛ علم پشت انسان نه می رود. آنانیکه خود شان نه می خواهند حقیقت علم و دین را درک کنند نه می توان به زور ایشان را مسلمان ساخت. درین آیه هم به پیامبر می گوید که بگذار خود شان به کوشش و تشبث خود نزد تو بیایند.

وَهُوَ يَخْشَىٰ (۹)

معنی: و در حالیکه از خداوند خوف دارد.

تفسیر: تنها آنانی به سوی خداوند می آیند که خدا را می شناسند و از روز آخرت ترس دارد. و با آمدن نزد پیامبر میخواهد بیاموزد و به خدا نزدیکتر شود.

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ (۱۰)

معنی: و اما تو از او [گذشتی] و به دیگری توجه می کنی.

تفسیر: همان داستان نایناست که پیامبر آن مرد را نادیده گرفت. این داستان به ما می آموزاند که نباید مردم را به مقیاس لباس و ثروت و مقام اجتماعی بشناسیم. ما نه می توانیم مردم را به رویت شان زود مورد قضاوت قرار دهیم.

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

معنی: چنین میندار. [پیام] پند آموز است.

تفسیر: این آیات یک تذکار روشن برای سعادت بشر است مشروط بر اینکه با غور و تعمق دیده شود. خداوند از لطف بیکران اش برای بشر بزرگترین هدیه را فرستاده است که برای بندگان یک نعمت بزرگ است.

بندگان نباید ناشکری کنند و این آیات برای همه فرستاده شده است نه یک طبقه خاص مردم.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۙ (۱۲)

معنی: پس هر که بخواهد از آن پند گیرد.

تفسیر: درین جا اشاره بر این است که هستند زنان و مردان خدا که این کتاب را سرمشق زندگی قرار میدهند و اما هستند کسانی که میخواهند با نیت خراب خود را فریب دهند و نمیخواهند بیاموزند و پند گیرند. آنانیکه نه میخواهند پند گیرند خود شان مسئول این دنیا و آخرت هستند و باید شکایت نداشته باشند. و اما اویکه پند گرفته است سعادت دنیا و آخرت نصیبش شده است. زیرا وعده خدا حق است.

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (۱۳)

معنی: که در صحیفه های بزرگوار و [افتخار آمیز].

تفسیر: هدف از صحیفه، کتب ارجمند است که از طرف خداوند برای رهنمایی بشریت نازل شده است.

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

معنی: بلند مرتبت و پاکیزه.

تفسیر: کتاب الله سبحان و تعالی والا مقام است و پاکیزه از هر گونه آلودگی که انسان ها مرتکب می شوند. این صحیفه بدون شک برای کرامت انسان نازل شده است. صحیفه مُکرم برای انسان مُکرم.

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

معنی: به دست کاتبان.

تفسیر: بعد از نزول این کتاب با سرپرستی پیامبر (ص) توسط کاتبان معزز نوشته شده است.

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

معنی: گرامی و نیکوکار.

تفسیر: اراده پروردگار بوده که صحیفه توسط اشخاص صادق، نیکوکار و با اعتقاد کامل به خداوند و با تقوی به رشته قلم در آید.

قُلِّلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ^{۱۷}

معنی: نابود باد انسان که چقدر ناسپاس است.

تفسیر: بزرگترین ناسپاسی انسان تکذیب آیات است. درک و شعور ندارد که این خداوند است که برایش عقل داده است و اما فراموش می کند و خودش را نه می شناسد. انسان ناسپاس خودش تباهی اش را فراهم میکند.

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ^{۱۸}

معنی: خدا او را از چه چیزی آفریده؟

تفسیر: انسان نه می تواند بداند که چگونه خلق شده است. ساینس خلقت درین مورد ناکام مانده است که اصول اساسی خلقت انسان را بیان کند و تا امروز لاینحل است. تیوری ها قانع کننده نیست. خلقت انسان خود، یک راز خداوند می تواند باشد.

مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ^{۱۹}

معنی: خداوند او را از نطفه خلق کرد و به [او] قامت موزون داد.

تفسیر: خلقت انسان یا یک قطره از آب منی شگفت انگیز است. مایع منی از مثانه (لوله آلت تناسلی) خارج می شود و حاوی میلیون ها اسپرماتوزوا (اسپرم) است و مایع منی حاصل ترشحات چندین غده است و فقط پنج در صد آن از بیضه ها ترشح می کند و باعث تولید نسل میشود. درین آیه یک موضوع بسیار علمی را خداوند به ما بیان میکند که امروز ساینس میداند. ازین نطفه با لقاح تخمک زن انسان که قد و قامت او بسیار موزون است خلق میشود که مطالعه اندام انسان خود یک مسله علمی دیگر است که امروز ساینس توجه دارد. زیرا خلقت انسان تنها مسله تن شناسی نیست بلکه مسایل روانی و روحی، دوران خون، سلول ها و غیره است که نهایت شگفت انگیز است. حدیث از پیامبر (ص) داریم که کسی که خود را شناخت خدا را شناخت. بلی خدا شناسی از خود شناسی شروع می شود.

نَّمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ^{۲۰}

معنی: سپس راه [زندگی] را برایش آسان گردانید.

تفسیر: انسان مانند حیوانات اهلی به آموزش و پرورش نیازمند است. خداوند انسان را خلق کرد و به او رسم زندگی را آموخت. همچنان راه و رسم ایمان و اطاعت را آموخت تا انسان بیچاره و سرگردان نشود.

ثُمَّ أَمَاتَهُ ۖ فَأَقْبَرَهُ ۖ (۲۱)

معنی: سپس او را بمیراند و به قبر رهنمون کرد.
تفسیر: هرچیز یک آخر دارد. زندگی انسان هم بلاخره ختم میشود و هدف از قبر درین آیه این نیست که ما دفن می شویم بلکه برزخ است یعنی عالم میان دنیا و آخرت قیامت است. میشود که کسی دفن نشود و در اثر غرق شدن در آب دنیا را ترک کند و اما به قبر می رود یعنی همان روز که فوت می کند و روح از بدن خارج می شود همان قبر است.

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ ۖ (۲۲)

معنی: هرگاه بخواهد زنده اش می کند.
تفسیر: خداوند زنده کننده است و میراننده همه مخلوقات خود است نه تنها انسان. یکی از رازهای خداوند همین است که قدرت دارد تا انسان را دوباره زنده کند که فهم این موضوع برای آنانیکه ایمان ندارند مشکل است. اما برای خداوند که خالق همه جهان هستی است زنده کردن دوباره مشکل نیست زیرا خداوند دانا و توانا است. یکی از اساسات ایمان داری اعتقاد به روز معاد است.

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۖ (۲۳)

معنی: نی! هنوز [انسان] آنچه را که برایش فرمان داده بجا نکرده است.
تفسیر: انسان خلیفه خدا در زمین است و از طرف خداوند یک رسالت الهی دارد. گرچه همه نعمات خداوند برای انسان داده شده است اما انسان هنوز هم موفق نشده تا ازین نعمت ها استفاده درست کند و مرام اصلی خلقت را در زمین خدا پیاده کند. این امر خدا چه می تواند باشد؟ علم و عدالت است که بشر توسط علم و عدالت از طریق بندگی خدا یعنی عبادت به معراج کمال می رسد. زیر بنای تمدن اسلامی هم همین سه است: علم، عبادت و عدالت.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ ۚ (۲۴)

معنی: سپس انسان باید به خوراکی خویش بنگرد.
تفسیر: انسان از جسم و روح ساخته شده است. جسم انسان که با چشم قابل دید است به غذا احتیاج دارد و این غذا باید همه مواد لازم را داشته باشد تا بتواند انسان را سالم و سر حال حفظ کند و انسان با صحت سالم

منحیث خلیفه خدا مصدر خدمت به هم نوع خود و جهان بشریت شود. وقتی ما امروز مرکبات یک غذا را مطالعه می کنیم می بینیم که هر میوه و ترکاری و یا گوشت حلال از نگاه تغذیه چقدر غنی است و این از نعمت های پروردگار است که برای انسان آماده کرده است.

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

معنی: ما آب فراوان را سرازیر کردیم.

تفسیر: در کنار غذا یکی از احتیاجات حیاتی زندگی آب است. آب هم از آسمان فرود می آید و هم در اثر ذوب شدن برف از کوه ها سرازیر میشود. از نگاه مطالعات امروزی آب پنج اهمیت عمده در سلامتی انسان دارد. اول انرژی بدن را تقویه می کند. دوم آب نوشیدن باعث لاغری می شود. سوم آب در هضم کمک می کند. چهارم آب مواد مضره را از بدن پاک می کند. پنجم پوست بدن را سالم نگاهه میدارد و از خشکی پوست جلوگیری می کند.

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

معنی: سپس زمین را با قطعات شکافتیم.

تفسیر: در اول کره زمین یک جسم واحد بود و پسان به قاره ها تبدیل شد. همچنان زمین قطعه قطعه یک موضوع علمی زمین شناسی است که در اثر تصادم صفحات تکتانیک زمین صد ها میلیون سال قبل اتفاق می افتد و زمین امروزی را به وجود می آورد.

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

معنی: سپس در آن تخم دانه های نباتی را رویانیدیم.

تفسیر: بعد از شکل زمین تخم دانه های نباتی خلق میشود تا منبع غذایی برای انسان باشد.

وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸)

معنی: و انگور و ترکاری.

تفسیر: انگور یک میوه بهستی است و قوی ترین انتی اوکسیدنت است. هدف از ترکاری همه سبزیجات سبز مانند خیار، سبزی پالک، کاهو، گشنیز و غیره می باشد. در بعضی تفاسیر سبزی معنی شده است و از نگاه

علم نباتات قضباً ترکاری ها معنی می شود نه تنها سبزی. ترکاری های سبز برای افسردگی بسیار مفید است و شامل مواد ویتامینی هستند که صحت را وقایه می کند. ابن سینا گفته است که خوردن یک دانه کاهو از همه بیماری ها جلوگیری می کند. ترکاری ها برای مغز، بدن و سیستم عصبی انرژی لازم را تهیه می کند. چون کالوری کم دارد از وزن گرفتن هم جلوگیری می کند.

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

معنی: و زیتون و خرما.

تفسیر: دو منبع دیگر مواد غذایی که برای صحت فوق العاده مفید است. زیتون منبع مهم ویتامین E است و برای قلب فوق العاده مفید است و از مرض سرطان و پوکی استخوان جلوگیری می کند. خرما یکی از انرژی اوکسیدنت های فوق العاده با اهمیت است که برای صحت عمومی مفید است. همچنان منبع مهم انرژی می باشد. برای استواری استخوان، سهولت بخشیدن ولادت و بهترین منبع قند طبیعی به جای شکر است.

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

معنی: و باغ های پر درخت.

تفسیر: درختان بزرگترین منبع اوکسیژن است که برای پاکی هوا نهایت مهم است. همچنان سایه کردن در ایام تابستان.

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

معنی: و میوه ها و علف زار ها.

تفسیر: و در کنار آن درختان میوه است که منبع بزرگ خوراکی و انرژی برای انسان است. درختان میوه بزرگترین نعمت است که خداوند به بشر ارزانی کرده است و هر درخت میوه منبع سرشار از ویتامین هاست. همچنان علفزار هاست که برای سلامتی حیوانات مخصوصاً حیوانات که برای استفاده انسان شیر تولید می کنند نهایت مهم است. همین علفزارهاست که ما میتوانیم شیر طبیعی داشته باشیم که منبع اساسی کلسیم در بدن است.

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

معنی: برای بهره یابی شما و مواشی شما.

تفسیر: نه تنها که حاصل درختان برای بهره گیری انسان و تغذیه مواشی است در عین زمان این آیه نشان دهنده یک حقیقت بزرگ زیست شناسی یا ایکولوژی است که همه برای زیست باهمی خلق شده است که باید به وجه احسن استفاده کرد.

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)

معنی: چون آواز گوش فرسا در رسد.

تفسیر: اشاره به روز قیامت است که بانگ گوش خراش به صدا در خواهد آمد.

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

معنی: روز که آدمی از برادر خود بگریزد.

تفسیر: روز است که هیچ کس به درد کس دیگر نمیخورد به جز از ایمان و کرامت انسانی مردم که با همدیگر چه نوع پیشامد داشتند. همه مردم سراسیمه می شوند. همه از همدیگر فرار میکنند. برادری در اسلام تنها برادر خونی نیست بلکه همه برادران و خواهران است مانند دوستان و خویشاوندان. هیچکس به درد کسی نمیخورد زیرا هر کس مسئول اعمال و کردار خود است.

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵)

معنی: و از مادر و پدرش.

تفسیر: حتی از مادر و پدر فرار میکند که نزدیک ترین و عزیز ترین کسان برای یک شخص هستند. یعنی هیچ کس به درد هیچ کس در آن روز نه میخورد.

وَصَلْحَبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)

معنی: و از همسر و فرزندان.

تفسیر: بعد از والدین همسر و فرزندان است که برای مردم عزیز است و از آنها هم فرار میکند.

لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

معنی: در آن روز هر کس وضعی دارد که به خودش مشغول است.

تفسیر: در روز قیامت، قسمیکه گفته آمد هیچ کس به درد یک دیگر

نمیخورد. نه والدین، نه همسر و فرزندان و نه دوستان. هر کس به حالت است که نه می داند چه کند. تنها آنانی غمگین و سراسیمه نیستند که اهل اعتقاد هستند و کار نیک انجام دادند.

وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْتَفِرَّةٌ (۳۸)

معنی: در آن روز چهره های بشاش و درخشان [هم] اند.
تفسیر: با اینکه اکثر مردم سراسیمه و مشوش و سرگردان هستند و اما چهره های درخشان و سرفراز و خشنود هم دیده میشود که این چهره های اهل ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند است.

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

معنی: خندان و شادمان.
تفسیر: قسمیکه گفتیم چهره های اهل ایمان نه تنها در روز آخرت بل در همین دنیا هم چهره های اهل ایمان بشاش و خندان است زیرا تسلیم به ذات اقدس الهی هستند. عبادت خالصانه می کنند و حق از باطل را تفکیک کرده اند.

وَوَجُودٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ (۴۰)

معنی: و برخی از چهره ها در آن روز غبار آلود هستند.
تفسیر: بلی! چهره های که به روی شان غبار نشسته از نادانی و غفلت خود شان است که حق را تکذیب کردند و به راه باطل رفتند.

تَرَاهُهَا قَتْرَةً (۴۱)

معنی: بدبختی و گرفتگی آنها را پوشانده است.
تفسیر: تفاوت بین اهل ایمان و تقوی خوشبختی و بدبختی دنیوی و اخروی است. آنهایکه که چهره های بدبخت و گرفته دارند از دست خود شان است نه اینکه خدا خواسته باشد. هدف از سیاهی همان بدبختی است نه اینکه سیاه پوستان بدبخت هستند. در تفاسیر کلاسیک آیه تحت اللفظ معنی شده است و این باعث تبعیض بر علیه سیاه پوستان مخصوصا در عیسویت شده است. یک دلیل که سیاه پوستان در طول تاریخ برده گرفته شده اند به خاطر تفسیر غلط تورات و انجیل بوده است.

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

معنی: آنان هم کافران و بد کاران اند.

تفسیر: چرا کفار محکوم شده است برای اینکه صانع جهان هستی را انکار می کنند و این باعث می شود تا بدکاری کنند و به جهان هستی خیانت کنند. به محیط زیست خیانت کنند. به هم نوع خیانت کنند. جهان را برای مقاصد اقتصادی به تباهی بکشانند.

سُورَةُ التَّكْوِيْرِ

مقدمه

سورهٔ مکی است یعنی در مکه نازل شده است و بیست و نه آیه دارد. تکویر معانی مختلف دارد و اما معنی تکویر درین سوره درهم پیچیدن است. آیه اول این سوره معنی سوره را واضح می سازد. احادیث متعدد در بارهٔ فضیلت این سوره آمده است. از جمله حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است « کسی که سورهٔ اذالشمس کورت را بخواند خداوند او را از رسوایی در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده می شود حفظ می کند.»

در اخیر سورهٔ عبس خواندیم که کافران بدبخت هستند و بد کار. سورهٔ تکویر با تشابهات اسرار آمیز آغاز می یابد که از به هم خوردن دنیا و آغاز روز رستاخیز است، سخن دارد. این سوره انسان را در دنیا مسئول میداند و این انسان است که اساساً آخرتش را می سازد. و حقانیت قرآن را در قبال بی اعتمادی های کفار بر علیه پیامبر واضح می سازد. کسی که در خواب بیند که سورهٔ تکویر میخواند از عذاب الهی می ترسد و به طرف مشرق زمین بسیار سفر میکند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

معنی: آنگاه که آفتاب در هم پیچیده می شود.

تفسیر: تفسیر علمی این آیه چنین است که وقتی آفتاب در هم پیچیده شود روشنی در سطح جهانی ناپدید میگردد و همه جهان تاریک میشود. وقتی همه کاینات تاریک شد جهان هستی از بین می رود و این آغاز روز رستاخیز است. همه جهان هستی به خاطر آفتاب است. آفتاب نباشد زندگی نیست.

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)

معنی: و آنگاه که ستارگان تیره شوند.

تفسیر: ستارگان هم از نور آفتاب می درخشند. وقتی روشنی آفتاب خاموش شود ستارگان هم فرومی ریزند و تیره و تاریک می شوند.

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

معنی: و آنگاه که کوه ها از بین می روند و مانند سُراب معلوم می شود.
تفسیر: کوه ها ثبات کرهٔ خاکی زمین هستند. کوه ها هم روز رستاخیز از بین می روند و هموار می شوند و چنانچه سُراب از دور معلوم میشود، کوه ها مانند سُراب می شوند که از نزدیک دیگر وجود نخواهند داشت.

وَإِذَا الْعُشُورُ عُطِّلَتْ (۴)

معنی: و آنگاه که شتران حامله به حال خود گذاشته شوند.
تفسیر: در قدیم شترداشتن یک ثروت بزرگ بود و هنوز هم بین مردم صحرا نشین همان اهمیت را داراست. شتران که آبستن بودند زیاد تر ارزش مادی داشت. هدف از آیه این است که ثروت شما در روز قیامت به حال خود باقی می ماند و کدام تغییری به حال و روز شما رخ نمیدهد.

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵)

معنی: و آنگاه که جانوران وحشی جمع شوند.
تفسیر: حیوانات وحشی اکثراً دور از مناطق مسکونی بشری زندگی دارند. بعضی شان از همدیگر می ترسند و بعضی شان از انسان هم خوف دارند. اما وقتی زیست باهمی برهم خورد همه یکجا می شوند و تفاوت ها از بین می رود.

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

معنی: و آنگاه که ابحار بجوشند.
تفسیر: در اثر برهم خوردن نظام هستی آب سطح بحر بالا می آید و سرریزه می کند. این سرریزه باعث آب خیزی بزرگ میشود که نتیجتاً مناطق ساحلی و شهر های همجوار منهدم می گردد.

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

معنی: و آنگاه که مردم با قرین [فکری] خود می پیوندند.
تفسیر: مردمان با اینکه سراسیمگی و سردرگمی داشتند اما با اینهم با کسانی پیوند حاصل میکنند که همخوان شان و هم فکر شان هستند. یعنی حتی در روز قیامت مفسد با مفسد پیوند حاصل می کند و مومن با مومن.

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸)

معنی: و آنگاه که از دختر زنده بگور پرسیده شود.

تفسیر: قبل از ظهور اسلام دختر داشتن شرم پنداشته میشد و عرب ها وقتی دختر دار میشدند او را از شرم زنده بگور میکردند و درین آیه خداوند یاد آور میشود که به کدام حق دختران را به گور میکردند.

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)

معنی: که به کدام گناه کشته شده اند.

تفسیر: خداوند توجه مردم را به عدالت اجتماعی و جلوگیری از جنایات بشری جلب می کند که به کدام جرم شما دختران را زنده بگور میکردید. اینجا قرآن مسله حقوق بشر را مطرح میکند و قتل عام را که دختران را میکشند محکوم میکند.

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)

معنی: و آنگاه که نامه های اعمال گشوده شود.

تفسیر: موضوع نهایت مهم در اسلام اعتقاد به روز بازخواست است که مردم به محکمه الهی قرار گرفته و مورد قضاوت قرار میگیرند تا انسان صادق از گنهکار تفکیک گردد و عدل الهی تامین شود.

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

معنی: و آنگاه که جو زمین برکنده شود.

تفسیر: سماء معانی مختلف دارد و اصلا در لغت به معنی طرف بالا معنی میدهد. مفسرین این واژه را آسمان معنی کرده اند که یک معنی آن هم آسمان است. اما وقتی آیه کُشِطَتْ در کنار سماء می آید یعنی آسمان برکنده میشود درست مفهوم را افاده نه می کند. اما اگر بگوییم جو زمین برکنده می شود درست تر است زیرا همه زمین که موجودات حیات دارند برهم میخورد. معانی دیگر سماء عبارت اند از جهت بالا، قسمت مجاور زمین، قشر متراکم هوای اطراف زمین و گاهی کرات بالا هم معنی شده است. چون طرف بالا معنی میدهد از نگاه ساینس هر قدر به طرف بالا برویم فشار هوا کم می شود و از بین می رود و همان است که حیات را ناممکن می سازد.

وَإِذَا أَلْجَحِيمُ سُعِرَتْ (۱۲)

معنی: و انگاه که شعله های آتش با حرارت شدید افروخته می شود.
تفسیر: در ترجمه های کلاسیک الجحیم دوزخ معنی شده است. اما الجحیم شعله های آتش است که ما در کوه های آتش فشان می بینیم که سرازیر میشود. چون نظام هستی برهم میخورد، کوه ها هموار میشود و کوه های آتشفشان فواره میکند که این ترسیم از دوزخ است.

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْفَتْ (۱۳)

معنی: و انگاه که بوستان های سبز(جنت) نزدیک آورده میشود.
تفسیر: باز هم درین آیه الجنة بهشت معنی شده است که درست است و اما برای مردمان صادق و شکرگزار بوستان های سرسبز نزدیک آورده می شود و در آخرت همانا جنت فردوس نصیب شان میگردد.

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ (۱۴)

معنی: هر آدمی [در آن روز] میداند که چه برای خود قرار داده است.
تفسیر: انسان مسئول اعمال خود است و خودش میداند که چگونه زندگی کرده و توشه آخرت او چه است. در آیات قبلی نشان داد که هم شعله های آتش است برای کسانی که ظلم کردند و هم بوستان های سرسبز است برای کسانی که اعمال نیکو انجام دادند.

فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ (۱۵)

معنی: قسم به آن ستارگان که عقب نشینی میکنند.
تفسیر: ساینس چنین می گوید که هر قدر یک کهکشان از شما دور باشد به همان اندازه زود تر عقب نشینی میکند و از نظر پنهان میشود. در نتیجه ستارگان در کهکشان ما و کهکشان های نزدیک که به زمین نزدیکترند در افزایش نیستند. با اینکه کاینات در توسعه است اما با گذشت زمان کم رنگ تر نمی شوند. خداوند به اجسام که خلق کرده سوگند یاد می کند تا عظمت خود و خلقت اش را بیان کرده باشد.

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ (۱۶)

معنی: راست می روند و [گاهی] پنهان می شوند.
تفسیر: درین جا خداوند برای اینکه برای مردم عام فهم باشد گفته است

که ستارگان راست می روند. این حرکت ستارگان در اثر گردش زمین اتفاق می افتد. مدار چرخش زمین به جهت ستاره شمالی در حرکت است. ستارگان در آسمان چنین معلوم می شود که از شرق به غرب در حرکت هستند. در اثر گازهای اتموسفریک که در مقابل ستارگان قرار دارد پنهان می شوند و دیدن شان ملیارد ها سال طول می کشد. یک مسئله فضایی که قرآن درین آیه تذکر داده است و امروز ساینس تشریح می کند.

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷)

معنی: شب که [از] تاریکی در می آید.

تفسیر: عسعس صیغه ماضی است. به معنی تاریکی در آوردن شب است. و این یکی دیگر از حکمت های خداوند است یعنی چرخش زمین به دور افتاب. ناصر خسرو شعری دارد با این مصراع:

ایمان به وجود تو جداگشت ز کفران
چون روز در خنده جدا از شب عس

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

معنی: و وقتی صبح می دمدم.

تفسیر: به حکمت خداوند، طبیعت قوانین خود را دارد. یکی ازین قوانین از دید دانشمندان ساینس و فزیک، قانون صبح است که در قرآن مجید در همین آیه تذکر یافته است. چرا صبح بسیار مهم است برای این است که مغز انسان وقتی از خواب در صبح بیدار می شود حد اکثر قوه دماغی را میداشته باشد که باعث تولید بهتر کاری می شود و انسان انرژی خوبیتر دارد. در فرهنگ اسلامی صبح وقت بیدار شدن فضایل زیاد دارد و شدید توصیه شده است. سحر خیزی باعث خوشحالی و سلامتی بدن می شود.

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

معنی: بیگمان این کلام [فرستاده شده توسط] فرشته گرانقدر است.

تفسیر: هدف از رسول درین آیه حضرت جبرئیل است که وحی را به حضرت محمد (ص) در غار حرا آورد.

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

معنی: [فرشته] نیرومندی که نزد خداوند عرش منزلت بزرگ دارد.
تفسیر: حضرت جبرئیل علیه السلام از فرشتگان است که نزد خداوند بسیار منزلت بزرگ دارد برای اینکه برای رساندن قرآن موظف میشود و این فرشته قرآن را به همان زیبایی اش به پیامبر اکرم (ص) بازگو می کند. این وحی باعث میشود تا جهان بشریت تغییر کند و یک تمدن جهانی عرض اندام کند.

مُطَاعٍ نَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

معنی: با صلاحیت و امانتکار.
تفسیر: درین جا خداوند به بشریت اطمینان میدهد که قرآن که نازل شده توسط یک فرشته مقتدر و با صلاحیت و امین شرف نزول یافته است.

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

معنی: و [ای مردم] همراه و همدم شما دیوانه نیست.
تفسیر: بعد ازینکه از امانت که فرستاده می شود اطمینان میدهد به مردم می گوید و اطمینان میدهد که پیامبر که این آیات مبارک به او میرسد و همراه و همدم مردم است و از بین خود شان است تصور نکنند که دیوانه است. زیرا مردم قسیمکه پسان دیده شد بسیار سوالات داشتند و پیامبر را دیوانه خطاب کردند و قرآن پیش از پیش به مردم هشدار میدهد که پیامبر دیوانه نیست و سخن حق را به ایشان می رساند.

وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳)

معنی: و [جبرئیل] را در افق روشن دیده است.
تفسیر: به اذن خداوند حضرت جبرئیل علیه اسلام در افق روشن ظاهر میشود و وحی را به حضرت محمد (ص) می رساند. اولین وحی سوره علق بود که با اقراء آغاز می شود و در غار حرا بود. غار حرا در کوه نور یا جبل النور موقعیت دارد و تقریباً ششصد و چهل متر بلندی دارد.

وَمَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

معنی: و او برای آموزش علم غیب بخیل نیست.

تفسیر: محمد (ص) مانند آنان نیست که یک علم را صاحب می شوند و بخیلی میکنند و آنرا در انحصار خود میداشته باشند. این وحی برای مردم است و به مردم به همه امانتداری پیشکش میشود و در انحصار محمد (ص) نخواهد بود. پیام روشن، واضح، منزله از همه آلودگی ها و بدون کم و کاست به مردم رسانده میشود.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵)

معنی: و این سخن شیطان رانده شده و مطرود نیست.
تفسیر: این سخن یعنی قرآن از جادوگران و کاهنان و آنایکه مردم را با سحر و جادو و اعمال شیطانی بیراه می سازند نیست. خداوند در پاکی و راستی و صداقت این پیام به مردم اطمینان میدهد.

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

معنی: پس به کجا می روید؟
تفسیر: این پیام که شما را به راه راست و شرافتمند و عزتمند رهنمایی می کند پس به کجا خواهید رفت. راه که همه احتیاجات انسانی در آن نهفته است. راه گمراهان و مفسدین نیست. راه تعالی و سربلندی بشری است.

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۲۷)

معنی: این جز تذکاری برای بشریت نیست.
تفسیر: قرآن مجید برای همه بشریت نازل شده است نه تنها مسلمانان. تذکری است برای آموزش و پرورش انسانی، کرامت انسانی و عدالت همگانی.

لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ (۲۸)

معنی: هر کس از شما که بخواهد در مسیر راست و حق شود.
تفسیر: راه راست از نگاه دین همانا خدا پرستی و توحید است که انسان همه جهان هستی را یکی می بیند. پند میدهد که مردم از خواب غفلت بیدار شوند.

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

معنی: و اما شما اراده نه می کنید مگر اینکه پروردگار عالم بخواهد.
تفسیر: انسان یک موجود آزاد خلق شده است و خود مختار است هر

تصمیم که میگیرد. اما در مورد شناختن حق و تفکیک حق از باطل همیشه در دو راهی قرار میگیرد. اما اگر برای یافتن حق اراده کند خداوند داناست و او را به راه حق رهنمایی می کند. اینجا مسله نیت هم مطرح می شود که خداوند انسان را نه تنها به تلاش آدمی بلکه نیت او رهنمایی می کند. خداوند به انسان آزادی داده است و اما انسان باید بداند که این آزادی در قبال مسئولیت است که به خداوند دارد.

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

مقدمه

انفطار سوره مکی است و نوزده آیه دارد. انفطار به معنی شگافتن است و عنوان این سوره از آیه اول گرفته شده است. این سوره مسایل قیامت و روز آخر جهان هستی را مطرح می کند. همچنان ماموریت فرشتگان و ثبت اعمال مردمان را. سوره توجه جهانیان را به مظفر شدن اسلام جلب می کند و سخن دارد از بیچارگی آنانیکه در اثر کامیابی اسلام ناامید می شوند. امام غزالی طوسی علیه الرحمه در کتاب جواهر القرآن این سوره را جوهر علم نامیده است. کسی در خواب بیند که انفطار میخواند از عذاب الهی ترسان است و همچنان دوستدار مال و نعمت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ (۱)

معنی: آن زمانیکه کرات آسمانی از هم شگافته شود.
تفسیر: السماء اکثراً آسمان معنی شده است. درست است که یک معنی السماء آسمان است. اما امروز علم ساینس برای ما مسایل فضایی را خوبتر و بهتر از گذشته تشریح کرده است. آسمان از گازها (نایتروژن ۷۸ در صد و اوکسیژن ۲۱ در صد) و از آب به شکل بخار تشکیل شده است. اگر امروز ما بگوییم که آسمان شگافته شود مفهوم واقعی آیه را افاده نه می کند. از نگاه علم ستاره شناسی، آسمان همه کرات آسمانی یا فضایی و همچنان ذرات خورد و بزرگ که در فضا وجود دارد، در بر میگیرد. و همین اجسام هستند که شگافته می شود یعنی نظام کهکشان شگافته می شود و منهدم میگردد و این پیش گویی روز قیامت است از جانب خداوند.

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ أُنْتَرَتْ (۲)

معنی: و آنگاه که سیارگان پراکنده شوند.
تفسیر: درین آیه می بینید که واژه کوکب که جمع آن کواکب است به جای نجم استعمال شده است که هر دو مترادف همدیگرند و درست است که کوکب ستاره معنی میدهد اما کوکب از نگاه علم ستاره شناسی سیاره است و اجسام بزرگ کروی هستند. در آخرت همین کرات که در آیه اول آمده است همه تیت و پراکنده می شوند و نظم خلقت به اذن

خداوند به هم میخورد.

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

معنی: و آنگاه که اقیانوس ها منفجر میشود.

تفسیر: در زبان فارسی ما بحر داریم که توتۀ عظیم آب است و از عربی گرفته شده است و معنی فارسی آن اوقیانوس است مانند اوقیانوس آرام. همچنان دریا و رودخانه داریم. دریا و رودخانه مترادف همدیگر اند، و همچنان بحر و اوقیانوس مترادف همدیگرند. درین آیه سخن از ابحار یا اوقیانوس ها است که در اثر زمین لرزه های زیر بحر آب خیزی های بزرگ منفجر می شود و شهر ها را از بین می برد. یکی ازین آب خیزی ها همان سونامی سال ۲۰۰۴ در اندونیزیا بود که دو صد سی هزار نفر را کشت و چهارده کشور را غرق آب کرد. همین سونامی که در آخرت هم اتفاق می افتد و اما ما علامه های آنرا در همین دینا تجربه کردیم. و این برای بیداری مردم است که از خواب غفلت بیدار شوند.

وَإِذَا الْفُجُورُ بُعِثِرَتْ (۴)

معنی: و آنگاه که قبر ها زیر و رو شود.

تفسیر: زمانیکه همه نظام هستی بر هم میخورد پس هر آن چیزیکه ما به چشم می بینیم زیر و رو میشود به شمول قبر ها که ما فکر می کنیم در آرامش قرار دارند و از آنجاییکه ما به آخرت اعتقاد داریم و روز بازپرس ؛ مردگان هم برای روز بازخواست آماده می شوند.

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

معنی: [درین روز است] که هر کس بداند چه [برای آخرت] از پیش کمایی کرده و چه فرو گذاشته است.

تفسیر: یکی از ارکان ایمان اعتقاد به روز آخرت است. انسان های با ایمان حتی که مرتکب گناه و اشتباه شده باشند برای توشۀ آخرت آمادگی میگیرند. کار های نیک می کنند که همه در اعمال نامه شان ثبت است و اویکه غافل از آخرت است به نادانی خود دوام میدهد و توشۀ آخرت ندارند.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

معنی: ای انسان! چیست که تو را در مقابل پروردگار بخشنده ات مغرور

ساخته است.

تفسیر: برای اینکه خداوند به انسان آزادی داد، عقل داد، شعور داد و ذکاوت داد انسان تصور می کند که اینها همه طبیعی است و خداوند درین نعمت ها نقشی نداشته است. این خود شناسی باعث میشود که به بیراهه برود در حالیکه حتی مرگ خود را نه می تواند پیش بینی کند. خالق را فراموش می کند و برایش غرور و خود خواهی دست میدهد و این غرور از نادانی سر می زند و بسیار کشنده است. در آیه رَبَّ آمده است. موجودی که انسان از او می آموزد و انسان مغرور فراموش میکند که آموزگار اصلی او خداوند است.

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

معنی: همان که تو را خلق کرد و توازن [روحی و جسمی] بخشید.

تفسیر: خداوند خالق انسان است و انسان یک موجود است که به حکمت خداوند با تعادل روحی و جسمی آفریده شده است. این آیه تیوری داروین را که انسان از نسل میمون است رد میکند. مخصوصا که امروز تیوری داروین از نگاه ساینس غلط ثابت شده است.

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

معنی: به هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.

تفسیر: یکی دیگر از حکمت های خداوند است که به انسان قسمیکه میخواهد سر و صورت او را شکل میدهد و اجزای بدن را قسمیکه در بالا تذکر یافت ترکیب می نماید.

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ (۹)

معنی: چنین نیست بلکه روز بازپرس را تکذیب می کنید.

تفسیر: یکی از اساسات خدا شناسی و دین شناسی اعتقاد به روز آخرت است. آنانیکه ایمان نه می آورند و یا منافق هستند روز آخرت را انکار میکنند.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰)

معنی: و به یقین برای شما [فرشتگان] محافظ است.

تفسیر: فراموش نکنید که شما تنها نیستید. نگهبانان هستند که شما را محافظت می کنند و همچنان اعمال شما را می نویسند. این نگهبانان برای

دو جهت است اول اینکه فرشتگان الهی به اذن پروردگار مراقب و محافظ و نگهبان شماست و این یکی از نعمت های پروردگار است. دوم اینکه اعمال شما را می نویسند تا عدالت در آخرت تامین شود و در حق شما بی عدالتی صورت نگیرد. پس کوشش کنید تا همیشه اعمال نیک انجام دهید.

كِرَامًا كَتِيبِينَ (۱۱)

معنی: نویسندگان با کرامت.

تفسیر: فرشتگان که با کمال امانت داری و کرامت اعمال شما را برای تامین عدالت می نویسند تا جزیی ترین بی عدالتی رُخ ندهد.

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۱۲)

معنی: می دانند آنچه می کنید.

تفسیر: فرشتگان الهی می دانند که شما چه می کنید و چه نه می کنید و همه اعمال را کتابت می کنند. این است عدالت خداوندی که مردم غافل است.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

معنی: همانا نیکوکاران در جنت پر از نعمت اند.

تفسیر: گفتیم که این همه کتابت برای تامین عدالت است. آنانیکه کار های نیک می کنند پاداش اعمال شان جنات نعیم یا بهشت پُر از نعمت است.

وَأِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

معنی: و به یقین بدکاران در جهنم هستند.

تفسیر: عدالت خداوند همین است که آنانیکه کار نیک می کنند در بهشت هستند و آنانیکه کار بد می کنند جای شان جهنم است. دو آیه فوق مصداق قوی به روز آخرت است که مردم توجه کنند که عدالت خداوندی در روز بازپرسی است.

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

معنی: که روز جزا در آن می سوزند.

تفسیر: درین جا یصلونها سوختاندن معنی میدهد یعنی کسانی که در دوزخ

داخل شده اند نظر به آیه بلی پس جزایشان سوختاندن است. یک معنی صلاه هم سوختاندن است. یعنی وقتی نماز می خوانید گناهان تانرا می سوزانید.

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (۱۶)

معنی: قادر نخواهند بود که از آن دوری کنند.

تفسیر: مجرمین به جزای اعمال خود خواهند رسید هم درین دنیا و هم در آخرت و از آن بیرون شده نه می توانند.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۷)

معنی: تو چطور میتوانی درک کنی که روز جزا چیست؟

تفسیر: انسان موجود کنجکاو، متشبه و هوشیار است اما در بسیاری موارد حکمت و راز زندگی را نمیداند. رازهای در خدا شناسی است که انسان قادر نیست درک کند و یکی آن روز جزاست. این عدم درک انسانی باعث برپادی اش میشود و اما همین نکته را هم نمیداند تا ایمان راسخ به خداوند نداشته باشد.

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۸)

معنی: باز تو چه میدانی که روز جزا چیست؟

تفسیر: تکرار احسن است که توجه انسان را جلب کند که فکر کند، تعقل کند اگر بتواند به نتیجه درست برسد و راه راست و حق را پیدا کند.

يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

معنی: روز است که کسی برای کسی دیگر چیزی کرده نه می تواند و همه امور در دست خداوند است.

تفسیر: قسمیکه می دانیم در روز قیامت حساب اعمال بسته می شود و درین روز است که هیچ کس به درد کسی نمیخورد. روز حساب دهی است به دربار خداوند. ما همه باید بیدار باشیم و از خواب غفلت برخیزیم.

سُورَةُ الْمَطَفِّينِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای سی و شش آیه می باشد. المطففین یعنی کم فروشان. کسانی که در بازار ثقلب می کنند و یا فریبکاری میکنند، این آیه هشدار میدهد. همچنان این آیه حاکی است که گناهان بزرگ از عدم ایمان به خدا سر می زند و اجرو پاداش برای نیکو کاران و جزا برای بد کاران. حضرت رسول کریم در مورد فضیلت این سوره فرموده است که « هر کس سوره مطففین را بخواند خداوند او را از شراب طهور زلال و خالص که دست کسی به آن نرسیده است سیراب می کند. اگر کسی در خواب بیند که مطففین میخواند خواستار راستی و درستی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱)

معنی: وای [بر حال] کم فروشان.

تفسیر: این آیه کوتاه دو سه مسله را احتوا می کند. اول اقتصادی که تجار و مردم که تجارت میکردند کم فروشی میکردند و حق مردم را از نگاه اقتصادی پایمال میکردند. دوم مسله اخلاقی موضوع است که این پیشامد با مردم اخلاقی نبود. سوم آیه حاکی ازین است که تجار به خاطر منافع شخصی مردم را استثمار میکنند.

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

معنی: آنانی که چون از مردم پیمانہ میگیرند آنرا مکمل دریافت می کنند.

تفسیر: آنانی که قدرت اقتصادی در دست دارند حق خود را مکمل دریافت می کنند و این را حق قانونی خود میدانند. چنانچه ما در معاملات گاز و نفت در خاور میانه دیدیم که خارجیان استثمارگر حق خود را مکمل برای منافع خود دریافت میکردند و دیگران را استثمار میکردند.

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

معنی: و چون به دیگران پیمانہ دهند وزن کم کنند و کم میدهند.

تفسیر: گفتیم که بهترین مثال در استثمار منابع اسلامی توسط شرکت های انگلیسی و امریکایی بود و است. با قرار داد های فریبکارانه حق مردم

را میخورند. نتیجه این استثمار که برای خود زیاد تر میگرفتند و برای دیگران کمتر را در ملی ساختن نفت ایران در سال ۱۹۵۱ دیدیم که ایران استقلال اقتصادی خود را گرفت. این آیه تنها برای ترازوی یک دکاندار عادی نیست. هر گاهی که مسلمانان قرارداد میکنند باید منافع مردم را بسنجند در غیر آن توسط شرکت های خارجی استثمار می شوند.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

معنی: آیا آنها باور ندارند که برانگیخته می شوند.

تفسیر: جهان، جهان اقتصاد و سرمایه است و اینکه چگونه مدیریت می شود. کسانی که به استثمراقتصادی دست می زنند مرتکب ظلم بزرگ می شوند. کسانی این کار را میکنند که به آخرت و روز بازپرسی اعتقاد ندارند و غافل هستند.

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

معنی: روز بزرگ [رسیدنی است].

تفسیر: روز بزرگ همانا قیامت و روز باز پرس است که همه مردم مسلمان و غیر مسلمان در مقابل عدالت خداوندی قرار میگیرند و در آن روز دیگر نه یار دارند و نه یاور و نه کسی می تواند ایشان را نجات دهد.

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

معنی: روزی که مردم در پیشگاه پروردگار عالمیان قرار گیرند.

تفسیر: درین آیه واژه الناس یعنی مردم آمده است. یعنی که همه مردم جهان مورد بازخواست قرار میگیرند نه تنها مسلمانان زیرا خداوند رب عالمیان است.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ (۷)

معنی: چنین نیست؛ کارنامه اعمال بدکاران در دفتر سیاه است.

تفسیر: مسلمانان را عقیده برین است که در روز آخرت آنان که مرتکب گناه شده اند اعمال شان ثبت شده است و همچنان آنانی که کارهای نیک کرده اند اعمال شان ثبت شده است. کارنامه آنانی که مرتکب اعمال بد شده اند در سجین است. سجین یعنی دفتر سیاه و بد نام نوشته شده است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجَّيْنُ (۸)

معنی: و تو چه درک داری که سجین چیست؟
تفسیر: انسان، قسمیکه در گذشته گفتیم تصور می کند که همه چیز را می داند و این روحیه از غرور انسانی است. خداوند انسان را مخاطب قرار میدهد و توجه اش را جلب می کند که تو چه میدانی یا درک می کنی که سجین چیست. سجین بسته اعمال نوشته شده است که با سیاهی یعنی بدبختی انسانی نوشته شده است.

كُتِبَ مَرْفُومٌ (۹)

معنی: کتاب یا اعمال نوشته شده است.
تفسیر: اعمال نوشته شده که مجازات اعمال بد انسان است. ما همیشه تصور می کنیم که هیچ موجودی نیست که ما را ببیند و یا این را هرگز تصور نه می کنیم که ذره ذره اعمال ما نوشته میشود و از ما بازخواست می شود.

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

معنی: وای در آنروز بر تکذیب کنندگان.
تفسیر: آنانیکه در روز موعود، آیات کلام الله را تکذیب می کنند وای به حال شان که نه یار دارند و نه یاور. در آن روز هیچ کس به داد شان نمیرسد به جز ایمان به خدا و قبول حقانیت خداوند.

الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِبُيُوتِهِمْ (۱۱)

معنی: همان ها که روز جزا را دروغ می پنداشتند.
تفسیر: قسمیکه می دانیم یکی از اساسات عمده ایمان داری اعتقاد به روز معاد است و کسی که به این مسله اعتقاد ندارد نه تنها که کافر بالله است روز خوش نخواهد داشت.

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

معنی: و تنها کسانی آنها انکار میکنند که متجاوز و گنهکار اند.
تفسیر: تفاوت میان اهل ایمان و غیر آن همین است که متجاوزین و گنهکاران انکار می کنند و به عذاب بزرگ گرفتار خواهند شد. معتدین آنان هستند که از حد خود می گذرند و به حدود الهی تجاوز میکنند و

گناه کردن برای شان آسان است.

إِذَا تَتَلَوْا عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالِ أَسْطِيزُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

معنی: هنگامیکه آیات ما بر او خوانده میشود، میگوید اینها افسانه های گذشتگان است.

تفسیر: آنانیکه ایمان نه می آورند وقتی آیات خدا بر آنها خوانده شود تصور میکنند که افسانه است یعنی حقیقت ندارد و یا افسانه گذشتگان است. نمیخواهند حقیقت را درک کنند و یا بدانند. در یک خواب غفلت عجیب به سر می برند.

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

معنی: چنین نیست بلکه [در اثر] اعمال شان دل های شانرا زنگ زده است.

تفسیر: دین اسلام در زندگی روزمره به اساس سه «ع» است یعنی عقل، عقیده و عمل. اساس کار هر انسان عقیده اوست که در عمل پیاده میکند. اگر عقیده ضعیف باشد و یا عقیده نادرست باشد نتیجه آن این است که دلها را زنگ میزند و انسان به بیراهه کشانده می شود. پس این اعمال بد ماست که از عقیده غلط سرچشمه میگیرد و دل های ما دیگر نوای خدا پرستی ندارد و همان است که به دست خود بیچاره می شویم.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵)

معنی: چنین نیست، همانا در آن روز از رحمت پروردگار محروم اند.

تفسیر: درین آیه مفسرین گرانقدر محجوبون را یا حجاب معنی کرده اند و یا همان واژه عربی را به کار بردند و محجوب گفتند و یا پرده که از نگاه لغوی درست است و اما معنی تحت الفظی است که درست مفهوم را افاده نه می کند. آیه در رابطه به آیه قبلی است یعنی آنانیکه دل های زنگ زده دارند از دیدار و رحمت پروردگار در آن روز پنهان می باشند یا در پرده می باشند یعنی محروم می شوند.

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶)

معنی: پس اینها در آتش جهنم می سوزند.

تفسیر: بعضی مفسرین محترم داخل شدن در دوزخ معنی کرده اند. اما وقتی به ریشه واژه لصالوا رجوع می کنیم سوختاندن است. کسانیکه

آیات خدا را تکذیب می کنند در آتش جهنم می سوزند و راه گریز ندارند.

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

معنی: سپس به آنها گفته میشود: این همان چیزی است که شما دروغ می پنداشتید.

تفسیر: حقیقت زندگی واقعی انسان در روز جزا و باز پرس آشکار می شود. نه تنها روز بازخواست است روز عدل الهی است و نباید غافل بود. روز است که حق به حق داد می رسد.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ (۱۸)

معنی: نه! چنین نیست، بدون شک کارنامه اعمال نیکوکاران در [جایگاه] علیین است.

تفسیر: وعده خداوند حق است و آنانیکه کارهای نیک انجام میدهند کارنامه اعمال شان بدون شک و تردید در اعلی علیین قرار دارد و ازین بابت باید مطمئن باشند. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که علیین آسمان هفتم و زیر عرش خداست.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيُونَ (۱۹)

معنی: و تو چه درک آنرا داری که علیون چیست؟
تفسیر: علیون جایگاه بلند مرتبه است که اعمال صالحین ثبت است.

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۲۰)

معنی: نوشته شده خوانا و روشن.

تفسیر: یعنی درین کارنامه اعمال که در جایگاه بلند به خاطر کارهای نیک و ایمانداری و خدمت به خلق است بسیار واضح و روشن بدون هیچگونه بی عدالتی و غلطی نوشته شده است. اطمینان خاطر است برای اهل ایمان و صالحان و نیکوکاران.

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

معنی: که مقربان به آن شهادت میدهند.

تفسیر: کارنامه اعمال اشخاص صالح را مقربان دربار الهی شهادت میدهند. مقربان دربار الهی همانا فرشتگان و همچنان اصحاب یمین هستند. اشخاص

با منزلت هستند که نزد خداوند بسیار منزلت بالا دارند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

معنی: نیکوکاران که در رحمت پروردگار قرار دارند.

تفسیر: اینها کسانی هستند که در ناز و نعمت پروردگار هستند و در تخت های عزت تکیه زده اند و از راحتی بی نظیر برخوردار هستند.

عَلَى الْأَرْبَابِ يَنْظُرُونَ (۲۳)

معنی: بر تخت ها عزتمند تکیه زده اند و تماشا می کنند.

تفسیر: اینها از مناظر بهشت لذت می برند.

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

معنی: در چهره های شان طراوت و شادابی نعمت را می بینی.

تفسیر: آنانیکه از نعمت های پروردگار برخوردارند در بهشت اند و شاداب و با طراوت. غم و غصه دنیایی دیگر وجود ندارد و این است زندگی جاودان برای مومنان و اهل ایمان به خداوند.

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ (۲۵)

معنی: تشنگی شان با می صاف و سر بسته رفع می شود.

تفسیر: شراب ناب بهشتی است که زلال و دست نخورده است. این مشروب مانند مشروبات که انسان می سازد نیست بلکه شراب است که حکمت آن در محبت و عشق و صداقت و راستی تجلای عقل و هوش است.

خِتْمُهُ^۱ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

معنی: که مهر آن از مشک است بگذار آنانی را که استشمام می کنند استشمام کنند.

تفسیر: شراب زلال طهور بهشت سر آن با مشک بسته شده است و عطر خاص و خوشبو دارد. بدین ترتیب اهل بهشت به یک نعمت دیگر برخوردار می شوند و وقتی که به آن دست می زنند که باز شود عطر مشک پراکنده میشود. مفسرین به جز یوسف علی به جای استشمام واژه رقابت را به کار برده اند که درست نیست. در دنیای جاودان جای رقابت و پیشدستی چنانچه در دنیا مروج است نیست.

وَمِزَاجُهُ ۙ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷)

معنی: و طبیعت آن از چشمهٔ تسنیم است.
تفسیر: شراب طهور بهشتی به مانند چشمهٔ تسنیم است که نهایت گواراست.

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

معنی: چشمه ی که مقربان از آن می نوشند.
تفسیر: مفسرین گویند که چشمه ی تسنیم در طبقات بالای بهشت قرار دارد و از بالا به پایین سرازیر می شود. ترکیب شراب طهور بهشتی که در بالا ذکر کردیم به مانند همین چشمه است. مقربان دربار الهی در بهشت از همین چشمه می نوشند.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

معنی: همانا گنهکاران به کسانی که ایمان آورده بودند میخندیدند.
تفسیر: از آنجایی که ایمان یک مسله فکری، اعتقادی و دل است و مسایل دارد که با ساینس و دید بشری ثابت نمیشود بدکاران و گنهکاران قرآن را رد می کنند و همین امروز به اهل ایمان میخندند و ایمان شانرا زیر سوال می برند. تلویزیون های افغانی یکی دو تا قصداً به کفار زیر عنوان آزادی بیان اجازه میدهند تا یکی دو گنهکار و جاهل در برنامه ها حضور پیدا کنند و اسلام و قرآن را مسخره کنند و به مسلمانان بخندند.

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ (۳۰)

معنی: و چون از [کنار] آنها میگذشتند از روی تمسخر به همدیگر چشمک می زدند.

تفسیر: خدا ناباوران، گنهکاران و بدکاران وقتی از کنار مومنین می گذشتند به همدیگر چشمک می کردند که این بی عقلان را ببین. امروز هم کم زدن های مسلمانان در فیسبوک و تویتر و انستوگرام است. جای تعجب نیست و اما برای ما مسلمان ها بسیار آموزنده است که خداوند ما را ازین اعمال کفار آگاهی داده است که متاثر نشویم. آزار و اذیت کار خدا ناباوران همیشه است. شما به ایمان خود استوار باشید.

وَإِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ آهْلِهِمْ أَنْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

معنی: و وقتی به مردم خود برگشتند از عمل ناسزای خود خرسند بودند.

تفسیر: بلی! وقتی مسلمانان را ریشخند می کنند و بعد طرف گروه نادان خود برمیگردند بسیار به خرسندی و افتخار خود را نشان میدهند که ما ایشان را کم زدیم و یا جواب این ابلهه را دادیم، یعنی مسلمانان را، در حالیکه نمیدانند که نادان و ابلهه خود شان هستند.

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲)

معنی: و هر وقت آنها را می دیدند می گفتند اینان بدون شک گمراه هستند.

تفسیر: جالب این بود و امروز هم همینطور است که خدا ناباوران، مسلمانان را گمراه میخواندند. امروز به مسلمانان متعصب و نادان خطاب میکنند در حالیکه مسلمانان راستین از پیشرفته ترین انسانهای روی زمین هستند زیرا توحید را میدانند.

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ (۳۳)

معنی: در حالیکه آنها برای حفاظت مومنان فرستاده نشده بودند.

تفسیر: کفار تصور میکردند که چون مومنان از گروه فقیر جامعه بودند پس در تفکر و اندیشه هم کم هستند. و از همین سبب مسلمانان را تمسخر میکردند. در حالیکه با اینکه مسلمانان از نگاه ثروت کم و اما از نگاه ذهنیت بسیار پیشرفته بودند. خداوند می گوید که ایشان برای نگهبانی مسلمانان نیستند برای چه مشکل تراشی میکنند.

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

معنی: اما امروز آنانیکه ایمان آورده اند به کفار می خندند.

تفسیر: بلی خداوند حق نام دارد و روزی آمد که مسلمانان بزرگترین مدنیت را بنیانگذاری کردند و باعث به وجود آوردن دراز ترین امپراطوری ها شدند و برآستی به کفار می خندیدند و امروز هم کفار نه می تواند از نگاه مسایل معنوی و دین شناسی با مسلمانان هم چشمی کند.

عَلَىٰ الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)

معنی: بر تخت‌ها تکیه زده تماشا می‌کنند.
تفسیر: مومنان در بهشت به کفار نظاره‌گر هستند و ایشان را با بدبختی‌شان تماشا می‌کنند.

هَلْ تُؤْتِيهِمُ الْكَفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

معنی: آیا کفار پاداش اعمال خود را گرفتند؟
تفسیر: بلی! هر کس به ناسزا بیوندد جزای اعمال خود را می‌بیند. کفار هم به سزای کردار و پندار غلط خود رسیدند و این نتیجه کبر و غرورشان است که حق را قبول نکردند.

سُورَةُ الْاِنْشِقَاقِ

مقدمه

سوره انشقاق از سوره های مکی است و بیست و پنج آیه می باشد. انشقاق معانی مختلف دارد مانند شکافتن، دو تکه شدن، پاره شدن، ترکیدن، باز شدن شکاف چیزی و پراکنده شدن. این سوره مانند همه آیات کلام الله مجید دارای فضیلت است و خواندن آن ثواب زیاد دارد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که « کسی که سوره انشقاق را بخواند خداوند او را در روز قیامت به خاطر اعمال نیک او در امان میدارد. » امام غزالی طوسی علیه الرحمه این سوره را « مروارید عمل » نام نهاده است. این سوره از روز معاد سخن دارد و مردم را به اعمال شان متوجه می سازد و آنانیکه مرتکب گناه شده اند هشدار میدهد و آنانیکه عمل نیک انجام داده اند مژده بهشت میدهد. سوره گویای این حقیقت است که روز قیامت آمدنی است و نظم جهانی به هم میخورد. در کتب تعبیر خواب اسلامی میخوانیم که اگر کسی در خواب بیند که سوره انشقاق میخواند معنی آن این است که حساب روز قیامت بر او آسان میگردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

معنی: آنگاه که کرات آسمانی بشکافتد.

تفسیر: علم فزیک و ستاره شناسی گویای این حقیقت است که هدف از السماء تنها آسمان نیست بلکه کرات سماوی و سیارات است که میشود منهدم شود. آسمان که ما با رنگ آبی در صورتیکه هوا صاف باشد به چشم می بینیم هدف آیه نیست.

وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)

معنی: به فرمان پروردگارش گوش فرا میدهد که حق همین است.

تفسیر: همه اجسام سماوی تسلیم پروردگار هستند زیرا مخلوق هستند و آنها به امر پروردگار گوش فرا میدهند و تسلیم می شوند. از خود اراده ندارند و تایید میکنند که حق همین است و روز قیامت آمدنی است.

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

معنی: و آنگاه که زمین هموار شود.

تفسیر: از نگاه علم زمین شناسی این آیه نهایت با ارزش است زیرا به انسان یک حقیقت مهم را بر ملامی کند و آن اینکه کره زمین در روز قیامت هموار میشود یعنی که اساساً زمین پهن و هموار نیست و این مطلب کروی بودن یا مدور بودن زمین را اشاره میکند. امروز در امریکا در حدود دو در صد مردم هنوز هم اعتقاد دارند که زمین هموار است یعنی زیاد تر از شش میلیون نفر. اما این مطلب را ساینس و قرآن رد میکند و این آیه مصداق حقیقت است که زمین کروی است و در در روز قیامت زمین کروی هموار می شود و خصوصیات را که دارد از دست میدهد.

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)

معنی: و آنچه در داخل خود دارد بیرون افکنده میشود و تخلیه می شود.

تفسیر: کره زمین یک کره فوق العاده غنی است و دارای معدنیات گوناگون و سنگ های قیمتی و جواهرات و نفت و گاز و غیره می باشد که در روز قیامت همه منهدم می شود و از بین می رود.

وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (۵)

معنی: به فرمان پروردگارش گوش فرا میدهد که حق همین است.

تفسیر: در آیه دوم همین سوره نگاشته شد. تکرار احسن است.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

معنی: ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد.

تفسیر: درین جا همه انسان ها خطاب شده است نه تنها مسلمانان. در هر کار زندگی باید زحمت کشید و بدون زحمت کسی به جایی نمیرسد. همچنین است به خدا رسیدن که باید اعتقاد خاص داشت و اعمال نیکو برای بشریت انجام داد. یعنی راه به خدا رسیدن دشوار است و اما نه برای آنان که خاص برای خدا کار میکنند و زحمت می کشند. همین ها هستند که خداوند را ملاقات می کنند.

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)

معنی: پس آنگاه که کارنامه اعمالش به دست راستش داده شود.
تفسیر: یکی از اعتقادات مهم مسلمانان اعتقاد به روز آخرت و جواب دهی از اعمال و کردار اوست. درین آیه خاطر نشان میگردد که اعمال خوب و بد انسان در روز آخرت به دست راست او داده می شود.

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)

معنی: اما کسی که کارنامه اعمالش به دست راستش داده شود.
تفسیر: کسان پاداش داده می شوند که کارنامه پاک و صاف داشته باشند. این اشخاص کارنامه اعمال شان به دست راست شان داده میشود. دست راست موضوع است که در تمدن های قدیم هم بوده است. همه ادیان دست راست را سمبول خدایی و راستی میدانند و دست چپ را سمبول غیر خدایی و شیطانی می دانند. در اسلام هم کار نیک به دست راست انجام می شود و کار های ناپاک مانند پاک کردن بعد از قضای حاجت با دست چپ.

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

معنی: و به خوشحالی نزد کسان خود برگردد.
تفسیر: آنانیکه که کار های نیک انجام داده اند به خوشحالی با کسان خود برگردند یعنی وصل می شوند. این وصل روحی و معنوی است که در روز آخرت اتفاق می افتد. کسان هم می توانند اهل ایمان باشد زیرا وجه مشترک مردم خدا پرست ایمان است و هم اقارب که با ایمان هستند.

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

معنی: و اما آنکه کارنامه اعمالش از پشت سرش داده می شود.
تفسیر: کسان که کار های نیکو انجام ندادند و مرتکب ظلم و فساد و تجاوز و حق تلفی و خیانت به دین و خدا می شوند کار نامه اعمال شان متاسفانه گوارانه می باشد و از پشت سر شان داده می شود. یعنی که باید به جزای اعمالشان برسد.

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا (۱۱)

معنی: به زودی به خاطر نابودی اش فریاد می کشد.
تفسیر: انسانها بسیار غافل هستند و در حقیقت زندگی تعمق نه می کنند و تصور نه می کنند که روز بازخواست آمدنی است. وقتی کارنامه اعمال شان از پشت سر داده می شود فریاد می کنند که وای بر من که تباه شدم.

وَيَصَلِّي سَعِيرًا (۱۲)

معنی: و در آتش شعله ور داخل میشود.
تفسیر: کسان در آتش شعله ور داخل می شوند که خداوند و آیات او را و پیامبران را انکار میکنند.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳)

معنی: واقعاً او در [دنیا] میان کسان خود شادمان بود.
تفسیر: انسان اکثراً یک موجود غافل است و حکمت زندگی را درک نه می کند. همینکه خداوند به او عقل و استعداد و شعور داده است فکر می کند که خودش همه چیز را می داند و مغرور میشود. این غرور باعث میشود که گناه کند. گناه خود را توجیه درست می کند و به همین دلیل در بین کسان خود شادمان است. امروز بسیار مردم نادان را می بینید که قرآن مجید را زیر سوال می برند و یا انکار میکنند و آیات را به غلط تفسیر می کنند و در بین طرفداران خود بسیار مسرور هستند. این شادمانی های کاذبی است و نباید فریب خورد.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴)

معنی: چنین تصور میکرد که بازگشتی [به سوی خدا] نخواهد داشت.
تفسیر: آنانیکه غافل هستند و یکی از زوال انسان غفلت است، و اولین غفلت شان ندانستن و کوشش نکردن حقیقت وجود خداوند است که انکار میکنند. چون به این حقیقت خدا شناسی نه میرسند هرگز به فکر شان نمیرسد که روزی به سوی خدا برگشت می کنند و از اعمال بد خود حساب دهنده هستند.

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

معنی: آری، برآستی که پروردگارش به او بینا بود.
تفسیر: یکی از رازهای مهم زندگی انسان این است که اعمال و کردارش هرگز از دید خداوند پوشیده نیست. خداوند بیناست و همه چیز را می بیند. این مطلب را کسی درک میکند که اول خدا را بشناسد در غیر آن خودش کور است که حقیقت را ندانسته است.

فَلَا أَقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

معنی: پس سوگند به سُرخ‌ی شام.
تفسیر: خداوند به مطالب سوگند یاد می کند که انسان را به تَحْیِر و میدارد و انسان کوشش میکند که رازهای خلقت را بداند و اما در عین زمان، انسان قادر به وجود آوردن آن نیست. یکی آن شفق یا سرخی آفتاب نشست است که از حکمت های خداوند است. از نگاه ساینس رنگ آبی نظر به دیگر رنگ ها زیاد تر تیت و پراکنده می شود به خاطر که جریانات کوتاه و کوچک را می پیماید. اما در زمان آفتاب نشست، نور مسافه ی دراز تر را در فضا می پیماید. یعنی وقتی نور آفتاب یک مسافه بزرگتر را گذر می کند ما جریانات دراز تر زرد و سرخ را در شفق می بینیم. و این از حکمت های خداوند است که انسان قادر به وجود آوردن آن نیست. آفتاب پرستان با دیدن شفق سر به سجده می نهادند و با ظهور اسلام توصیه شد که در وقت شفق نباید مانند آفتاب پرستان سجده کرد.

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷)

معنی: سوگند به شب و آنچه در بر دارد.
تفسیر: شب هم از حکمت های خداوند است که از آفتاب نشست تا آفتاب برآمد که قسمتی از جهان در تاریکی می باشد و قسمت دیگر در روشنایی. شب وقتی است که آفتاب بین هژده تا نود درجه پایین تر از اُفق می باشد و آسمان را روشنایی نمیدهد. این از حکمت های خداوند است.

وَالْقَمَرَ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

معنی: سوگند به ماه آنگاه که کامل گردد.

تفسیر: ماه کامل را بدر گویند. این وقتی است که مهتاب از زمین مطلق روشن دیده می شود و از نگاه علم نجوم مهتاب مکمل وقتی اتفاق می افتد که زمین بین مهتاب و آفتاب قرار میگیرد. به عبارت دیگر هنگامی که مهتاب به نقطه مقابل زمین نسبت به آفتاب می رسد یا زاویه مهتاب و آفتاب صد و هشتاد درجه می شود همه قرص مهتاب از دید ما روشن به نظر می رسد. ماه مکمل را شب چهارده هم گویند زیرا در نیمه ماه قمری اتفاق می افتد. حکمت هلال و بدر و در مجموع ماه قمری یک تقویم طبیعی است که زندگی انسان را نظم می بخشد.

لَتَرَكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (۱۹)

معنی: بدون شک شما از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر سفر می کنید.

تفسیر: زندگی این جهان جاودانی نیست و به آخرت مرحله بعدی است که ما سفر می کنیم. اساساً درین دنیا مسافر هستیم. زندگی آخرت را اساساً زندگی با عزت و با ایمان این دنیا می سازد و برای آن دنیا یعنی مرحله بعدی باید بسیار کوشش کنیم.

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

معنی: پس آنها را چه شده است که ایمان نه می آورند؟

تفسیر: خداوند بزرگی و توانایی و عظمت خود را در آیات نشان میدهد تا مردم تعمق کنند و ایمان بیاورند. همه نشانه های مهتاب و آفتاب که سوگند یاد می کند برای این است که انسان از خواب غفلت بیدار شود. در آیه سوال می کند که چه شده آنها را که ایمان نه می آورند. یعنی با این همه علایم آشکار چرا عمیق فکر نه می کنند.

وَإِذَا فُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿۲۱﴾

معنی: و هنگامیکه قرآن بر آنها خوانده میشود سجده نه می کنند.

تفسیر: اهل ایمان آنان هستند که به قرآن حرمت دارند و وقتی آیات برای شان خوانده میشود به حرمت خدا و قرآن سر به سجد می نهند.

در قرآن مجید جا های که در وقت تلاوت باید سجده شود نشانی شده است. آیه سجده دارد، فراموش نکنید.

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكذِّبُونَ (۲۲)

معنی: نه، بلکه کفار همیشه تکذیب می کنند.

تفسیر: خداوند به انسان عقل داده است و آزادی عقل و تفکر. خودش را مسول ساخته است. مشکل کفار این است که تعمق نه می کنند تعقل نه می کنند تفکر نه می کنند و از روی ضدیت عجولانه تصمیم میگیرند و آیات را تکذیب می کنند و این خصومت با خداست و جزای سنگین دارد.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

معنی: و [اما] خداوند میداند که در ذهن خود چه دارند.

تفسیر: کفار نه می دانند که خداوند از راز دل ها آگاه است. ازهر اسرار نهانی شان آگاه است و هیچ قدرت در مقابل خدا ندارند.

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

معنی: پس [آنها را] به عذاب دردناک بشارت ده.

تفسیر: و کفار فکر میکنند که می توانند ازین خیانت بزرگ که خالق هستی و کلام او را نهی کنند نجات پیدا می کنند. این تصور باطل شان، ایشان را به عذاب دردناک گرفتار می کند. نباید غافل بود.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

معنی: مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند که ایشان را پاداشی بی پایان است.

تفسیر: عدالت خداوندی همین است که آنانیکه خداوند را پرستش می کنند و آیات او را قبول دارند و اعمال نیک در جامعه انجام میدهند و مصروف خدمت به بشریت هستند و عدالت را تامین می کنند و در دین غلونه می کنند پاداش بی پایان نصیب شان می شود.

سُورَةُ الْبُرُوجِ

مقدمه

سوره بروج از سوره های مکی است و شامل بیست و دو آیه می باشد. بروج به معنی ستارگان نجومی. این سوره از ظلم و ستم سخن دارد که مومنان در شروع متقبل شده بودند و کفار آنها را شکنجه می کردند. فضیلت سوره بزرگ است و حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که هر کس این سوره را بخواند خداوند به تعداد کسان که در نماز جمعه اجتماع می کنند و تمام کسانی که در عرفات جمع می شوند، ده حسنه به او می دهد و تلاوت آن انسان را از ترس رهایی میبخشد. امام غزالی این سوره را گوهر علم نامیده است. کسی که در خواب بیند که سوره بروج میخواند از غمها نجات پیدا می کند و در آخرت درجه و مقام دارد و به ثواب و پاداش الهی نایل میشود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

معنی: سوگند به آسمان که دارای ستارگان [نجومی] است.
تفسیر: درین آیه خداوند به آسمان سوگند یاد می کند که ستارگان نجومی یعنی دوازده ماه سال را دارد که هر کدام دارای خواص خاص است. همین ستارگان چهار فصل را که بهار، تابستان، خزان و زمستان باشد مشخص می کند. دوازده ستاره نجومی نماد خود را دارند مانند ماهی، عقرب، شیر و غیره. در دیگر ادیان نماد ماه نجومی یک نقش در شخصیت انسان دارد و اما در اسلام قابل قبول نیست. به هر صورت مسلمانان با استفاده از مسایل نجومی جهت قبله، ماه رمضان و تاویل سال را مشخص می کنند.

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

معنی: و سوگند به روزیکه وعده داده شده است.
تفسیر: روز که وعده شده است همانا وعده خداوند برای روز بازپرس است که مردمان صالح و مومن پاداش خواهند داشت و مردمان بدکار و ظالم جزا خواهند دید.

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

معنی: سوگند به شهادت دهنده و شهادت شنونده.

تفسیر: اینجا توجه کنید که تنها شهادت می‌دهد و شنونده انسانها مانند انبیا علیه السلام نیستند بلکه به حکمت خداوند حتی زمین که شما بالای آن قدم می‌گذارید برای اعمال خوب و بد شما شهادت می‌دهند. فرشتگان شهادت می‌دهند. اعضای بدن شما شهادت می‌دهند و ما نباید خالی ذهن باشیم.

قُلِّ الْأَصْحَابُ الْأَخْذُودِ (۴)

معنی: هلاک شد [شکنجه گران] گودال بزرگ آتش.

تفسیر: در تاریخ می‌خوانیم که کفار مومنان را شکنجه می‌کردند که چرا به اسلام گرویده‌اند. خداوند این کفار را به جزای آتش در یک گودال یا خندق بزرگ محکوم می‌کند. حدود جمع خداست که گودال وسیع آتش معنی می‌دهد. این گودال در پنج کیلومتری جنوب شهر نجران در عربستان امروزی موقعیت دارد.

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (۵)

معنی: آتش با [هیزم‌های] شعله‌ور.

تفسیر: بزرگترین منبع عذاب، آتش است. آتش خانمانسوز است. همه چیز خاکستر میشود یعنی نیست و نابود می‌شود. درد آن کشنده است.

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

معنی: وقتی کنار آن [خندق آتش] نشسته بودند.

تفسیر: قربانیان آتش را نظاره می‌کردند. آتش که شکنجه آن به مراتب سنگین‌تر است از چیزی که ما تصور می‌کنیم. و اهل ظلم باید همچو شکنجه شود زیرا ظلم را که مرتکب شده‌اند و بالای مردم تطبیق کردند و به مقام انسانیت اهانت کردند این آتش هم کم است.

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

معنی: و شاهد بودند چیزی را که بر علیه مومنان کرده بودند.

تفسیر: کسان که مرتکب ظلم می‌شوند بالاخره، روز آن فرا می‌رسد که نظاره‌گر اعمال خود باشند که در مقابل مردم مظلوم و بی‌گناه چه

کند جزاء می بیند. یعنی از نگاه جامعه شناسی اسلامی حقوق مردم را پایمال کردن و به مردم آسیب رساندن چنانچه طالبان در افغانستان کردند نابخوشدنی است.

**إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
ذَلِكَ أَفْوَزُ الْكَبِيرِ (۱۱)**

معنی: آنانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند برای شان باغ های است که نهر ها از زیر درختان آن جاری است و این است کامیابی بزرگ.

تفسیر: در گذشته گفتیم که مسله باغ ها و نهر آب به طبیعت انسان سازش دارد و برایش بسیار گواراست. ازین رو خداوند به همان چیزی پاداش میدهد که برای انسان بسیار خوشایند و لطیف است.

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)

معنی: به یقین گرفت پروردگارت بسیار شدید است.
تفسیر: بطور ساده که این آیه را تفسیر کنیم این است که خداوند به همان اندازه که غفور و رحیم است در جزا دادن مجرمان، ظالمین و گنهکاران هم بسیار شدید یا سختگیر است یعنی خداوند با قهر و غضب گرفت دارد نه به خوشرویی. خداوند همه ای ما را از غضب خود نجات دهد.

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (۱۳)

معنی: او موجودی است که از اول آفرینش را آغاز میکند و باز میگرداند.
تفسیر: خداوند آغازگر آفرینش انسان و جهان هستی است و همه چیز دوباره به او باز میگردد. این آیه تیوری های که جهان هستی با تیوری انفجار بزرگ خلق شده است و انسان از نسل شادی است مطلق رد می کند.

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)

معنی: و اوست بخشاینده و دوستدار.
تفسیر: خداوند غفور است یعنی آمرزگار یا بخشاینده انسان هاست در صورتیکه از گناه خود پشیمان شوند و توبه کنند و دوستدار مومنان است و همچنان جهان هستی خودش است. یعنی چیزی که خلق کرده دوست

دارد و ما باید به خلقت او تجاوز نکنیم و متوجه محیط زیست باشیم که آلوده نکنیم.

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)

معنی: پروردگاریا تخت با شکوه و جلال.

تفسیر: عرش در زبان ما همانا تخت پادشاهی است. اما عرش بزرگتر از تخت پادشاهی است که ما می شناسیم. عرش خداوند شکوه و جلال خودش را دارد که در تصور انسان نه می گنجد. اما چون قرآن به زبان مردم است و عرش را مردم می دانستند این واژه استعمال شده است. فراموش نکنیم که خداوند مالک جهان هستی است. یعنی پادشاه جهان هستی است. پادشاه از خود یک تخت دارد و اما نام تخت پادشاهی خداوند عرش است که بر همه مخلوق حاکم است و قادر است که همه مخلوق را نظاره گر باشد.

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۶)

معنی: کننده ای هر چه بخواهد، می باشد.

تفسیر: خداوند هر کار که بخواهد قادر است انجام دهد و متکی به موجودی دیگری نیست. و همه چیز در حیطه قدرت اوست و قادر توانا ست.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷)

معنی: آیا داستان لشکرهای نظامی به تو رسیده است؟

تفسیر: اینجا اشاره به دو قدرت پادشاهی، نظامی و مادی بزرگ است که عبارت بودند از فرعون که امکانات بزرگ مادی و عسکری زیاد برخوردار بود و ثمود که بنیانگزار تمدن شهری و ساختمانی بود. هر دو به خاطر نفيه خدا و پیامبر نابود شدند.

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸)

معنی: [قدرت] فرعون و ثمود.

تفسیر: در بالا گفتیم که خداوند و پیامبر را رد کردند و به عذاب بزرگ گرفتار شدند.

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

معنی: و هنوز هم کفار در رد و تکذیب حق اصرار می ورزند.
تفسیر: اینجا خاطر نشان میکند که با اینکه از داستان فرعون و ثمود و آنانیکه خداوند را رد میکنند اطلاع دارند به کفر خود اصرار می ورزند. این جهل مرکب است که هرگز به راه حق فکر نمیکنند.

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (۲۰)

معنی: و خداوند از هر سوء به ایشان احاطه دارد.
تفسیر: کفار نمیدانند که خداوند دانا توانا و قادر هر کار است و به همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز از او پنهان مانده نه می تواند.

بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَجِيدٌ (۲۱)

معنی: بلی! این قرآن با عظمت است.
تفسیر: عظمت قرآن و زیبایی آن درین است که کتاب علم، حکمت، معرفت، هدایت و عدالت است. همه موضوعات انسانی در آن نهفته است و هیچ چیز درین کتاب فرو گذاشت نشده است. کتاب است که برای همه اعصار است و همه نیازمندی های بشری را احتوا می کند و تا امروز مثل آن دیده نشده است و نخواهد شد.

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)

معنی: در لوح محفوظ است.
تفسیر: یکی از معجزه های قرآن مجید این است که از در حفظ الهی است و کسی قادر نیست آن را تغییر دهد. بسیار کوشش کردند که قرآن را تحریف کنند نتوانستند. در همه جهان اسلام یک قرآن است نه اینکه متن های مختلف باشد. خواه مخواه قرآن تفسیر می شود و تفاسیر گوناگون دارد و اما متن قرآن یکی است و کسی نه می تواند آن را تغییر دهد و این از بزرگی قرآن است.

سُورَةُ الطَّارِقِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای هفده آیه می باشد. طارق معانی مختلف شده است و اما نزدیک ترین معنی طارق یعنی ستاره صبح است. این سوره در باره معاد و رستاخیز، اهمیت قرآن مجید در زندگی انسان و حمایت و صیانت انسان پرهیزگار از جانب خداوند است. مقام انسانیت و فضیلت او در داشتن عقل و نفس است که هر دو در صورتیکه مطیع پروردگار باشد برایش سعادت نصیب می کند. حضرت رسول کریم (ص) در باره فضیلت این سوره فرموده است که هر کس آنرا تلاوت کند خداوند به تعداد هر ستاره که در آسمان وجود دارد ده حسنه به او می بخشد. امام غزالی این سوره را گوهر علم نامیده است. کسی که در خواب بیند که سوره طارق را تلاوت می کند صاحب فرزند نیکو می شود و کارهای مشکل برایش آسان میگردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

معنی: سوگند به آسمان و ستاره طارق.

تفسیر: خداوند برای اینکه عظمت خودش را به بنده نشان دهد به آسمان و ستاره صبح سوگند یاد می کند. طارق همان ستاره است که در قسمت شرقی آسمان در اوایل صبح دیده می شود.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

معنی: و تو چه درک میکنی که طارق چه است.

تفسیر: درین جا قرآن با علم نجوم تماس میگیرد و سوال می کند که تو حکمت این ستاره را چه میدانی.

النَّجْمِ الثَّاقِبِ (۳)

معنی: آن ستاره درخشان.

تفسیر: در آن صبح درخشش خاص دارد و ستاره زهره است که روشن ترین ستاره می باشد و نزدیکترین ستاره به زمین است. ابرهای ضخیم این ستاره انعکاس دهنده زیاد تر روشنی آفتاب است که در حدود هفتاد

در صد دوباره به فضا پخش می شود.

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

معنی: کسی نیست که نگهبانی بر او نباشد.

تفسیر: موضوع نهایت مهم یادآوری شده است که انسان با عقل سلیم خود مختار است و اما آنانیکه ایمان می آورند خداوند نگهبان شان است و تنها نیستند.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

معنی: پس انسان بنگرد که از چه خلق شده است.

تفسیر: درین آیه خداوند یک موضوع بسیار علمی و جنجال برانگیز را در ساینس حل کرده است و از انسان خواسته است که خودش درست تحقیق کند که از چه خلق شده است. انسان را وادار به یک تحقیق علمی کرده است و او را متوجه خلقتش نموده است. و اما در آیه بعدی جواب می گوید و دلیل که خداوند در آیه بعدی جواب می گوید، تصور ما این است که چون خداوند از اول و آخر میدانند و از ظاهر و باطن میدانند؛ همینکه بنی آدم در موضوع خلقت انسان کج روی میکنند و میخواهند به نام ساینس مردم را بیراه کنند فوراً اصل جواب خلقت را ارایه می کند تا مردم را ازین تشویش و کج بحثی ها رهایی بخشد.

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

معنی: از قطره آبی که بیرون می شود.

تفسیر: هدف از قطره آب، آب منی مرد است که القاح صورت میگیرد.

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

معنی: که از میان ستون فقرات [مرد] و استخوان سینه بیرون می آید.

تفسیر: در معنی صُلْب و التَّرَائِبِ تفاسیر متعدد وجود دارد. این آیه یکی از آیه های علمی قرآن است که فوق العاده شگفت انگیز است. مخالفین قرآن بخش علمی آیه را نادیده گرفته اند و ادعا دارند که امکان ندارد که آب منی از ستون فقرات باشد. اساساً غدوات بدوی که باعث تولید اسپرم می شود در لگن خاصره موقعیت گرفته که در دو جانب قسمت پشت قرار دارد. همچنان، مغز استخوان در استخوان های طویل پیدا شده است مانند ستون فقرات و قبرغه/دنده که شامل سلول های بنیادی می

باشد که باعث تولید دیگر سلول های اختصاصی میشود و این اعمال و حرکات انسانی را منسجم می سازد، مخصوصاً حجرات خونی و استخوانی را.

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

معنی: بدون شک، خداوند بر گرداندن [دوباره زنده کردن] او تواناست.
تفسیر: خداوند که این قدرت را دارد که قوه های فیزیکی و روحی را در خلقت انسان با هم یکجا کند چنانچه در آیه هفتم تشریح شد پس این قدرت را هم دارد که انسان را در آخرت دوباره زنده کند.

يَوْمَ تُبْلَىٰ السَّرَائِرُ (۹)

معنی: روزی که راز ها فاش گردد.
تفسیر: انسان غافل این فهم و درک را ندارد که از دید پرور دگار عالمیان، خالق کون و مکان هیچ چیز پوشیده نیست و نه تنها همه چیز را می بیند بلکه از راز دلها آگاه است و همه راز های پنهان را هم میداند و در سرای آخرت این راز های کفر و الحاد و خیانت به مردم و حق مردم را تلف کردن همه و همه فاش می شود.

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

معنی: [انسان] نه قدرتی دارد و نه مددگاری.
تفسیر: انسان یک موجود بسیار خودخواه و مغرور است. این خودخواهی و غرور باعث می شود که خود را فراموش کند که مخلوق است و خدای خالق وجود دارد. به مسایل دنیوی مغرور می شود و فراموش می کند که با همه نیروی مغزی که برایش اعطا گردیده است قدرت خداوند را ندارد و یآوری به جزء خداوند موجودی دیگری نیست که نجاتش دهد.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

معنی: و سوگند به آسمان که باران [از آن] بر میگردد.
تفسیر: رجوع از رجوع آمده است یعنی برگشت. مردم عرب به باران هم رجوع می گویند. درین جا بعضی مفسرین معنی کرده اند که سوگند به آسمان پُر باران که درست نیست. سوگند به آسمان که باران از آن برگشت می کند. موضوع علمی موضوع این است که ابرها از قطرات آب تشکیل شده است. در داخل ابرها قطرات آب یه یکدیگر می پیوندند.

وقتی قطرات آب سنگین می شوند و قدرت معلق بودن را در آسمان نه میداشته باشد به صورت باران به زمین رجعت می کند. همچنان قرآن مجید یک موضوع مهم علمی دیگر را با این آیه خاطر نشان میکند و آن عبارت است از «چرخه آب» یعنی با تبخیر آب از زمین قطرات ساخته می شود و دوباره برمیگردد که در زیست شناسی نهایت ارزشمند است.

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدَعِ (۱۲)

معنی: و قسم به زمین که طبیعت گیاه پرور دارد.
تفسیر: زمین در اثر آبیاری که از قطرات باران بارور میشود و نباتات و گیاهان می روید که دو موضع را احتوی می کند. مسایل غذایی و مسئله ایکولوژی یا زیست با همی در خلقت را که باعث سرسبزی و شادابی زمین و محیط زیست میگردد.

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳)

معنی: بیان است که خوب و بد را تفکیک می کند.
تفسیر: هدف آیه از قرآن مجید است که سخن قاطع است و خوب و بد را برای رهنمایی انسان تفکیک کرده است.

وَمَا هُوَ بِالْهَزَلِ (۱۴)

معنی: و آن بیهوده و تفریحی نیست.
تفسیر: کسان که ایمان می آورند قرآن را جدی میگیرند. درین جا خداوند خاطر نشان میکند که این قرآن بیهوده و برای تفریح شما نیست بلکه برای رهنمایی شماست تا شما رستگار شوید.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)

معنی: براستی آنها مداوم طرح ریزی می کنند.
تفسیر: کسان که به خداوند ایمان ندارند و کوشش نه میکنند تا حقیقت را درک کنند آرام نه می نیشینند و همیشه بر علیه قرآن و اسلام حيله و دسیسه می کنند و شما شاهد این موضوع در رسانه ها هستید.

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۶)

معنی: و من هم طرح ریزی می کنم.
تفسیر: مخالفان اسلام همیشه در همین کوشش هستند تا قرآن مجید را

نهی کنند و آیات را تکذیب کنند و پیامبر (ص) را دروغگو بشمارند. برای این کار برنامه های طرح ریزی میکنند و از طریق رسانه ها پخش می شود و مردم را اغفال میکنند و کوشش شان همین است تا مردم بیراه شوند. اما خداوند برای شان میگوید که او هم طرح ریزی میکند تا چگونه برنامه های مخالفان را خنثی سازد.

فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمَّهُمْ رُؤْيَا (۱۷)

معنی: پس بر کفار مهلت بده و آنان را اندکی به خود شان بگذار.
تفسیر: خداوند موجود بسیار غفور و رحیم است. برای آنانیکه تخریب می کنند و به کفر گرایده اند مهلت میدهد تا اگر خود را اصلاح کنند.

سُورَةُ الْأَعْلَى

مقدمه

سوره مکی است و دارای نوزده آیه است. اعلی بلند ترین معنی میدهد. هدف اساسی سوره این است که خداوند انسان را موزون آفریده است و اگر انسان با رهنمود های قرآن مجید زیست کند به معراج تعالی می رسد. انسان مسئول اعمال و کردار خود است. می تواند انسان فاضل باشد و می تواند انسان نادان باشد. این سوره حقانیت سلسله پیامبران از ابراهیم (ع) تا موسی (ع) و رسالت محمد (ص) بیان میدارد. در مورد فضیلت آن حضرت محمد (ص) فرموده است هر کسی که سوره اعلی را بخواند خداوند به عدد هر حرفی که به ابراهیم (ع) و موسی (ع) و محمد (ص) نازل کرده ده حسنه به او اعطا میفرماید. امام غزالی علیه الرحمه این سوره را گوهر علم نام نهاده است. کسی اگر خواب بیند که سوره اعلی میخواند بسیار تسبیح گو می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

معنی: نام پروردگار بلند مرتبت را به پاکی یاد کن.
تفسیر: پیام فوق العاده مهم درین آیه نهفته است. نه تنها که پیامبر با یاد خداوند بلند مرتبت به معراج می رسد هر انسان خداپرست که به جزء از خداپرستی هدفی نداشته باشد به معراج تعالی و خوشبختی می رسد. وقتی این آیه نازل شد رسول اکرم فرمود که این را در سجده بگویند و همین است که در سجده سبحان ربی الاعلی گفته می شود.

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

معنی: اویکه خلق کرد و نظم و تناسب بخشید.
تفسیر: دلایل متعدد است که انسان خداوند را به بلندی و شکوه یاد کند. اول خداوند انسان را به بهترین صورت و توازن خلق کرد و به او زندگی بخشید. صفات و اوصاف انسانی را به او اعطا کرد. محیط زیست را برای آسایش انسان فراهم کرد و به انسان علم آموخت. این است که انسان باید بسیار سپاسگزار باشد.

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ (۳)

معنی: اویکه سرنوشت انسانی را [مطابق شریعت و طبیعت] مقدر کرد و رهنمایی نمود.

تفسیر: خداوند برای آسانی زندگانی راه و اصول زندگی را به اساس شریعت خودش که با طبیعت انسان سازگار است وضع نمود تا انسان هرگز بیچاره نشود و راه سعادت و خوشبختی را به پیش گیرد.

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ (۴)

معنی: اویکه سرسبزی و چراگاه را پدید آورد.

تفسیر: انسان به محیط زیست سالم نیازمند است. ازینرو خداوند سرسبزی و شادابی را برای انسان و چراگاه را برای حیوانات پدید آورد تا انسان به آرامش روحی با محیط زیست وفق کند و زندگی آرام داشته باشد.

فَجَعَلَهُ ۖ غُثَاءً أَحْوَىٰ (۵)

معنی: باز آنرا خشک و تیره گردانید.

تفسیر: یک موضوع علمی دیگر در قرآن مجید که زمین را برای بارور شدن خشک و تیره می سازد. بدین ترتیب زمین برای حاصل خوبتر آماده می شود. در ایالات متحده زمین ها را برای اینکه مواد کیمیای خوب تر تولید کند آتش سوزی میکنند.

سَأْفِرُنَّكَ فَلَا تَنْسَىٰ (۶)

معنی: به زودی [مرحله به مرحله]، [قرآن] را به تو می آموزانیم تا فراموش نکنی .

تفسیر: هدف آیه آموزش و پرورش قرآنی است که با مراحل مختلف خداوند به پیامبر اکرم (ص) نازل میکند تا به خاطر بسپارد تا فراموش نکند.

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ ۖ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ (۷)

معنی: مگر آنچه خداوند خواهد که بی گمان او آشکار و پنهان را میداند.

تفسیر: انسان به اراده خداوند می آموزد. همه علم برای خداوند آشکار و پنهان است، اما برای انسان همه چیز آشکار نیست. بعضی مسایل است

که انسان فهمیده نه می تواند با اینکه کوشش می کند بدانند. اما خداوند برای انسان حدود تعیین کرده است و تا خداوند نخواهد انسان فهمیده نه می تواند.

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ (۸)

معنی: و ما برای تو طریقه را آسان می سازیم که تعقیب کنی.
تفسیر: اینجا هدف از شریعت خداوند است که برای پیامبر (ص) طریقه آسان را می آموزاند که تعقیب کند و متعاقباً مردم از پیامبر بیاموزند. این آیه به ما می رساند که در دین سختی و غلو نیست و دین با طبیعت مردم سازگار است و تعصب و تنگ نظری درین دین جا ندارد.

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ (۹)

معنی: پس تذکر ده اگر تذکر سودمند افتد.
تفسیر: یکی از نعمت های خداوند به انسان فکر و تعقل آزاد است. پیام الهی برای همه بشریت است و اما هستند مردمان که گوش شنوا ندارند و کوشش نه می کنند تا درک حقیقت کنند. برای آنها اگر پیام رسانده شود سودمند نخواهد بود زیرا خود در غفلت به سر می برند. این پیام برای کسانی است که خداوند را به واقعیت شناخته اند و درک خدا شناسی دارند.

سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَىٰ (۱۰)

معنی: پند و اندرز را کسانی دریافت می کنند که از خدا پروا دارند.
تفسیر: واقعاً کسانی می توانند که راه اصولی و اساسی زندگی را به پیش گیرند که خداوند را در رگ و قلب خود حس می کنند. پند را کسانی حصول میکنند که در راه خداشناسی و معرفت قدم بر میدارند. و ترس خدا در قلب شان است لذا کارخلاف نه می کنند که خلاف موازین انسانی باشد. هستند مردمان که ادعای خدا پرستی میکنند و اما در راه خدا نیستند مانند طالبان. و یا غریبان در علم و فنون پیشرفته هستند و اما همه برای مفاد خود شان است و از همین سبب از عدالت به دور هستند.

وَيَنْجِبُهَا الْأَشْقَىٰ (۱۱)

معنی: و بدبخت ترین مردم آنانی هستند که از [پند] جلوگیری میکنند.
تفسیر: بلی آنانیکه از پند و اندرز خداوند دوری میکنند و یا جلوگیری

میکنند از مردمان بدبخت هستند زیرا راز و حکمت زندگی را نمیدانند. فقط مسایل دنیایی را میدانند و این برای خوشبخت بودن و حتی انسان بودن کافی نیست.

الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَىٰ (۱۲)

معنی: همان است که در بزرگترین آتش داخل می شود.

تفسیر: کفار و آنانی که خداوند را نهی میکنند سوال میکنند که پس خداوند ظالم است که مردم را به آتش می سوزاند برای اینکه به او (خدا) باور ندارند. استغفرالله. نه اینطور نیست. خداوند عادل مطلق است. کسانی که راه آتش سوزان می شوند برای این است که جهان هستی را که خالق آن خداوند است انکار میکنند. این انکار بدبختی های بی شمار را به بار می آورد. خداوند مالک همه جهان هستی است و او محافظ خلقت خود است. اگر آنان که خلاف رفتاری میکنند و به خلقت او تجاوز میکنند جزا ندهد جهان تباه می شود.

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (۱۳)

معنی: بگونه ای که در آن آتش نه میمیرد و نه زنده میماند.

تفسیر: انسان ها با اعمال خراب خود آینده خود را تباه می کنند و اکثراً از اعمال خود توجیه نادرست دارند. بدینصورت در یک حالت قرار میگیرند که نه واقعاً زندگی میکنند و اما زنده هستند. آنانی که واقعاً میخواهند زنده مانند توبه میکنند و به سوی خالق برمیگردند و آنانی که نه می کنند با گفتار و کردار خود باعث بدبختی خود می شوند.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ (۱۴)

معنی: و کسی رستگار میشود که پاکیزه زیست کند.

تفسیر: هدف از پاکیزگی دوری از شرک است و خداوند واحد را شناختن. اما شرک تنها این نیست که مردم به خداوند شریک قایل نشوند. شرک از نگاه توحید نه شناختن جهان هستی است که یک خالق دارد و همه نظام هستی از آن اوست. هر کسی که نه تواند تشخیص کند که خالق یکی است، جهان هستی یکی است؛ انسان یکی است و علم هم یکی است و همه با هم یک بافت دارد مشرک میشود. زیرا نظام را دو گانه و سه گانه می بیند.

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

معنی: و نام پروردگار را ذکر کرد و نماز گزارد.

تفسیر: وقتی انسان قادر می شود که خدایش بشناسد نام او را بار بار ذکر میکند زیرا خالق خود را می شناسد. میداند که از کجا آمده است و به کجا می رود. میداند که روزی دهنده او و عزت دهند ی او و قانون دهنده ی او خداوند است. اینجاست که برای شکرانگی نعمات خداوند سر به سجده میگزارد و نماز ادا می کند.

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

معنی: بلکه شما زندگی دنیا را ترجیح میدهید.

تفسیر: اساساً زندگی دنیا برای ساختن زندگی آخرت است در صورتیکه ما غافل باشیم. هدف این آیه این است که با مصروفیت های دنیایی ما نباید آخرت را فراموش کنیم و یا خداوند را فراموش کنیم. ما باید در چهارچوب شریعت خداوند از زندگی دنیا لذت ببریم و اما متوجه باشیم که زندگی دنیا ما را فریب ندهد که چنان مشغول کند که آخرت فراموش شود. ما باید خوب بخوریم و بنوشیم و بیوشیم و اما اسراف نکنیم. ما باید عبادت خداوند را فراموش نکنیم و همیشه به یاد داشته باشیم که این دنیا بقا ندارد و کاری کنیم که آخرت ما اسوده شود. دست فقیر و بیچاره را بگیریم. خدمات کنیم که، آینده ما را که آخرت است بسازد.

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

معنی: اما آخرت بهتر و پایدار تر است.

تفسیر: این دنیا، دنیای است که بقا ندارد و جاودانی نیست. آخرت دنیای جاودانی است. ما همه ازین دنیا رفتنی هستیم. و زندگی واقعی یک مومن دنیای آخرت است اگر درست تعقل کند.

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

معنی: و این [پند ها] در کتب پیشین آمده است.

تفسیر: پیام خدا پرستی از اول خلقت توسط پیامبران گوناگون به مردم ابلاغ شده است. درین جا اشاره می کند که این سخنان و اندرزها در کتب پیشین آسمانی آمده است و یعنی نو نیست. درین آیه قرآن مجید دو موضوع را واضح می سازد. اول اینکه قرآن تداوم کتب پیشین است نه

اینکه یک دین نو باشد که مردم با پیام هایش آشنایی نداشته باشند. دوم که در آیه بعدی می بینیم پیامبران ماقبل را رسمیت می بخشید و احترام شان به ما مسلمانان واجب می سازد.

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ (۱۹)

معنی: در کتب ابراهیم و موسی.

تفسیر: این دو پیامبر که از پیامبران بزرگ اسلام و وحدانیت هستند درین آیه مستقیم تذکر یافته است. دلیل عمده این است که حضرت ابراهیم (ع) بنیادگزار توحید است و حضرت موسی (ع) برایش ده فرمان برای رهنمایی قوم یهود نازل شد. همچنان در تورات بعضی مطالب از خلقت و جهان هستی و داستان های افسانوی می بینیم که توسط پیروان وضع شده و نوشته شده است. به هر حال اینکه قرآن می گوید در کتب پیشین تذکر یافته بعضی موضوعات است که با یهودان مسلمانان شریک هستند. طور مثال نخوردن گوشت خوک.

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

مقدمه

سوره غاشیه از سوره های مکی است و دارای بیست و شش آیه است. غاشیه معانی مختلف دارد. در لغت معنی آن رویداد خرد کننده و پوشاندن است. منظور در این سوره قیامت و رستاخیز است زیرا حوادث وحشتناک را زیر پوشش قرار میدهد. این سوره سه بحث مهم دارد. معاد و کیفهای دردناک مجرمان، توحید یعنی یگانگی جهان هستی که خداوند خالق آن است و نبوت که نقش پیامبر را در جامعه بشری ترسیم می کند. همچنان واضحاً روز بد را از خوب تفکیک می کند و مومنان و دوزخیان را از سرنوشت شان آگاه می سازد. مانند همه سوره ها فضیلت دارد. حضرت محمد (ص) فرموده است که اگر کسی این سوره را بخواند خداوند حساب او را در قیامت آسان میکند. امام غزالی این سوره را گوهر علم خوانده است. کسی که در خواب بیند که سوره غاشیه میخواند از هول و وحشت قیامت هراسان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيَّةِ (۱)

معنی: آیا داستان رویداد خرد کننده به تو رسیده است؟
تفسیر: یکی از اساسات عمده دین ما اعتقاد به روز آخرت است که همه پاسخگو می باشند. اینجا به شکل استفهامیه سوال میشود که از روز مصیبت بزرگ خبر داری که چه اتفاق می افتد.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَشِيعَةٌ (۲)

معنی: چهره های در آنروز خوار و ذلیل هستند.
تفسیر: کسانی خوار و ذلیل هستند که بدون تعمق خداوند و آیات او را رد کردند، ریشخند کردن و تصور کردند که روز آخرت و رستاخیز همه دروغ است. آنوقت است که بیدار می شوند که حقیقت چیزی دیگری است.

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۳)

معنی: با اعمال ناشایسته در آخرت رنج می برند.
تفسیر: خداوند به انسان عقل و شعور داده است و اما متاسفانه در راه غلط

استفاده میکند. حکمت های خداوند را نا دیده میگیرد و این در آخرت باعث رنج و عذاب او می شود.

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (۴)

معنی: [خود شان به دست خود] در آتش سوزان می سوزند.

تفسیر: این تصمیم انسان هاست که در مورد دنیا و آخرت تصمیم بگیرند و از عقل سلیم کار گیرند. اگر در آتش سوزان می افتند خود شان این حالت را برای خود به وجود آورده اند نه اینکه خدا خواسته باشد. انسان آزاد و خود مختار است. همانطوریکه در دیگر مسایل خود تصمیم گیرنده هستند، در مسئله ایمان هم انسان آزاد است. انسان ها در مسایل زندگی یک ریسک (خطر) را میگیرند و این هم ریسک است که با اینکه برای شان بار بار تاکید شده است که این ریسک را نگیرید اما باور ندارند. مردم ملحد و دهری سایت ها دارند به نام آزادی فکری. میگویند ما آزاد اندیش هستیم و نه میخواهیم مطلب را که دین می گوید قبول کنیم. دین هم به شما همین آزادی را میدهد که خود تصمیم بگیرید و مثل اینکه در تجارت و امور زندگی ریسک میگیرید درین مورد هم خود مختار هستید. هر کار زندگی نتیجه خوب و بد دارد. خداوند به ملحد، کافر و دهری می گوید که به راه غلط نروید و ریسک را نگیرید.

تُسْفَى مِنْ عَيْنٍ عَائِيَةٍ (۵)

معنی: از چشمه داغ و جوشان نوشانیده می شوند.

تفسیر: جزای آنانیکه آیات خدا و پیامبران رد میکنند همین است. این آیه خاص برای کفار، ملحدین و دهریان و آنانیکه آیات را رد می کنند گفته شده است. در بالا مفصل توضیح شد.

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ (۶)

معنی: طعامی جز از الجی های نسواری ندارند.

تفسیر: در مورد نبات ضریع معانی گوناگون وجود دارد که به حقیقت علمی نزدیک نیست. در همه تفاسیر گذشته بدون اینکه تحقیقات علمی صورت گرفته باشد ضریع را خار و یا خار تلخ و یا خار خشک، گیاه خار دار و درخت آتشین ترجمه کرده اند که غلط است. تنها خلیل بن احمد فراهیدی که از علمای مشهور علم لغت بود (۱۷۰-۱۷۵ هجری قمری) می گوید «ضریع گیاه سبز بد بویی است که از دریا [بحر] بیرون

می افتد» و این صحیح ترین ترجمه است زیرا این ترجمه با مطالعات جدید نبات شناسی همخوانست. مطالعات عصری نبات شناسی ضریح را چنین می گوید: الجی های سبز، نضواری و سرخی دار است که در اثنای مد و جزر در ساحل پرتاب میشود. نبات آب دار است و در سواحل بحیره سرخ (بحیره احمر) به کثرت می روید. همچنان در دیگر سواحل که آب شور دارند دیده می شوند.

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ (۷)

معنی: نه فربه می کند و نه گرسنگی را فرو می نشاند.

تفسیر: این غذای که برای بدکاران تهیه شده نه سیر می کند و نه گشنگی را فرومی نشاند و برعکس خوردن آن انسان را عذاب میدهد.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (۸)

معنی: چهره های که در آن روز شاداب اند.

تفسیر: مومنان و خدا پرستان در روز آخرت بسیار شاداب و مرفه می باشند زیرا اجر اعمال نیکوی خود را می بینند.

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۹)

معنی: از تلاش های [که در زندگی کردند] خشنود هستند.

تفسیر: اساسا اعمال و کردار و گفتار نیک درین دنیا، زندگی آخرت را می سازد. آنانیکه درین دنیا خدا پرست بودند و اعمال نیک انجام دادند نتیجه کوشش های که در راه خداپرستی کردند می بینند و از همین سبب شاداب هستند.

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

معنی: در بهشت برین هستند.

تفسیر: مکان اهل ایمان و راستی و خدا پرستی بهشت برین است و این چیزی است که از طرف خداوند وعده داده شده است و وعده خدا حق است.

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً (۱۱)

معنی: [در آنجا] بیهوده نه می شنوند.

تفسیر: بهشت مکان منزه و دور از همه بیهودگی های انسانی است. درین

جا سخنان که روح را آزار دهد وجود ندارد و اهل بهشت آن سخنان بیهوده مانند دروغ، فحش، نفاق آمیز و غیره را نه می شنوند.

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)

معنی: در آن چشمه های روان است.

تفسیر: یکی از زیبایی های بهشت چشمه ها و نهر هاست. تعبیر های گوناگون از چشمه نگاشته شده است. چشمه ممثل جلای روح است. مسلمانان فواره های زیبا در حیاط عمارات بنا کرده اند و ابتکار مسلمانان در قصر ها و عمارات مجلل است و نمایندگی از صیقل قلب می کند.

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)

معنی: در آنجا تخت های بلند عزت است.

تفسیر: در دنیا صاحبان قدرت و جلال دوست دارند تا در تخت های بلند بنشینند و لذت برند. در بهشت همین شکوه برای مومنان و اهل ایمان است به تفاوت اینکه در بهشت مسئله قدرت نیست بلکه عزت است که از طرف خداوند به ایشان داده می شود. عزت به خاطر اعمال نیک و اطاعت و ایمانداری. در بهشت تنها رستگاران ازین مزایا مستفید می شوند.

وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ (۱۴)

معنی: و جام های نهاده شده.

تفسیر: جام ها در کنار چشمه ها قرار دارد. و از چشمه های روحانی سیراب میشوند. موضوع نوشیدن خمر یا مشروب نشه آور نیست.

وَنَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ (۱۵)

معنی: و بالش های که [در یک صف] چیده شده است.

تفسیر: قرآن کتاب است که برای مردم است و برای نیازمندی های مردم. خداوند بهشت را طوری برای مومنان مجسم می سازد که در دنیا به همان اثاثیه و طرز زندگی آشنایی دارد. اما مسایل که در بهشت است با اینکه با فهم انسان برابری دارد و اما بالا تر و بلند تر و زیبا تر از چیزی است که ما تصور می کنیم. اینجا بالش ها برای مومنان ردیف شده تا روح و روان شان آسوده باشد.

وَزَرَابِيٌّ مَبْنُوثةٌ (۱۶)

معنی: و فرش های فاخر گسترده شده است.

تفسیر: قسمیکه در بالا گفتیم اینجا هم انسان به فرش احتیاج دارد تا روی آن بنشیند. اما در بهشت فرش های فاخر و دور از تصور ماست. از دید انتروپولوژی کلتوری یا بشر شناسی فرهنگی خداوند با این آیات رسم یک زندگی را هم آموخته است. ببینید ما همه قالین داریم و بالش ها به دیوار ها تکیه زده برای زیست داخل خانه است و تقریباً در همه خاور زمین همین یک سبک است. مردم روی فرش می نشینند و بالش ها دارند که به آن تکیه می کنند.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

معنی: آیا به شتر نه می نگرند که چگونه آفریده شده است؟

تفسیر: برای اینکه خداوند به بندگان نشان دهد که موارد را که در مورد بهشت بیان داشت دروغ نیست، درین آیه، به تعقیب آیات قبلی، خلقت شتر را برای حقانیت قرآن بیان میدارد. شتر یکی از مخلوقات عجیب است که مطالعه آن انسان را به شگفت و میدارد. خداوند می گوید آیا به شتر نه می نگرند که چگونه آفریده شده است؟ واقعاً شگفت انگیز است. اول اینکه شتر که یکی از مواشی بسیار مهم اقوام عرب و در خاور میانه و آسیای مرکزی است و در محیط خشک و بی علف سازگار است. شتر بسیار به آسانی بی آبی و بی خوراکی را تحمل میکند و از بوته های صحرائی و دشتی و بوته های که مزه تلخ دارد می تواند تغذیه کند. شتر یک کوهانه می تواند در هر ده روز یک بار آب بنوشد. در فضای نهایت گرم طاقت می آورند و به ندرت عرق می کنند. شتر دارای پوشش بسیار ضخیم است که هوای داغ و سوزان صحرائی را طاقت می آورد. دهن شتر دارای پوشش ضخیم چرمی است که می تواند علف های خار دار را بجود. پا های بلند شتر با دور نگه داشتن بدنش از زمین بدنش را سرد نگه میدارد. کف پای شتر پهن است و به آسانی می تواند در ریگزار قدم بر دارد و در ریگ گور نمی رود. شتر مژه های بزرگ دارد که چشم ها را در مقابل طوفان های صحرائی محافظت میکند. در مورد شتر می توانید زیاد تر از طریق سایت ها مطالعه کنید.

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

معنی: و به آسمان که چگونه برافراشته شده است.
تفسیر: آسمان عظمت خود را دارد و امروز تا جایکه مطالعات نشان میدهد، آسمان از نگاه ساینس یک حکمت خداوند است. کرات که با نظم حرکت میکنند. رنگ آبی و زیبای آسمان و ستارگان از حکمت های پروردگار است. آسمان اساساً بی رنگ است و اما به دلیل مولیکول های که درون جو زمین منتشر می شوند ما آسمان را آبی می بینیم. از نگاه ساینس پدیده انتشار نور است. یعنی اینکه رنگ آبی با طول موج کوتاه بیشتر از رنگ سرخ منتشر می شود و این باعث می شود که ما آسمان را آبی می بینیم. ابرها باران همه و همه مسایل ساینس امروز را تشکیل میدهد که قرآن با یک آیه اشاره دارد. انسان با ایمان درک این حکمت ها را دارد که خالق و گرداننده آن کیست.

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

معنی: و به کوه ها که چگونه [در زمین] میخکوب شده اند.
تفسیر: لطفاً سوره نبا آیه چهارم را ببینید.

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

معنی: و به زمین که چگونه گسترده شده است.
تفسیر: لطفاً سوره نازعات آیه سی ام را ببینید.

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

معنی: پس پند ده که تو تنها پند دهنده ای.
تفسیر: وظیفه پیشوای اسلام تنها رساندن کلام الهی من حیث یک پند و اندرز بزرگ بود نه تحمیل دین بالای مردم.

أَسْنَتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ (۲۲)

معنی: تو بر ایشان مسلط و مراقب نیستی.
تفسیر: معنی این آیه این است که قسمیکه گفتیم وظیفه محمد (ص) تنها پیام رساندن بود نه اینکه بالای مردم مراقب باشد و یا تسلط داشته باشد. مردم دین را باید به تشبث خود و تفکر خود قبول کنند.

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (۲۳)

معنی: مگر کسی که روی گرداند و کافر شود.
تفسیر: کسی که از خدا روی میگرداند و خودش میخواهد کافر شود گزینه خود اوست نه اینکه خدا و پیامبر خواسته باشد. خودش مسئول خود است.

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

معنی: پس خداوند او را به عذاب بزرگ، عذاب میکند.
تفسیر: کسانی که ایمان نه می آورند خود شان مسئول هستند و ریسک عذاب بزرگ را میگیرند. خواهش خود شان و راه انتخاب خود شان است. مردم نباید مداخله کنند. خود شخص جوابگو است.

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

معنی: همانا بازگشت شان به سوی ماست.
تفسیر: همه بالاخره به خداوند برمیگردند و هیچ کس ازین اصول برگشت به خدا مستثنی نیست.

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

معنی: و آنگاه حساب شان برماست.
تفسیر: هر کس مسئول خود است. این آیه اخیر این سوره در مسایل اجتماعی ما نهایت ارزنده است که حساب مردم که ایمان نه می آورند با خداست نه مردم.

سُورَةُ الْفَجْرِ

مقدمه

سوره فجر مکی است و دارای سی آیه است. فجا اصلا شگافتن و وسیع معنی میدهد. چون نور تاریکی شب را می شگافد، تعبیر به فجر شده است یعنی سپیده دم یا بامداد. نام این سوره از آیه اول گرفته شده است. وقتی آیات را دقیقاً عمیق مطالعه کنیم تکرار به مردم ظالم و بی خرد تهدید های دارد و همچنان آنانیکه طغیان میکنند سرنوشت شان را قلم می زند. فضیلت سوره را حضرت رسول اکرم چنین بیان می کند: کسی که سوره فجر را در شبهای دهگانه یعنی ده شب اول ذی الحجه بخواند خداوند گناهان او را میبخشد و کسی که در ایام دیگر بخواند، برایش روشنائی در روز قیامت است. امام غزالی علیه الرحمه این سوره را «مرورید عمل» نام نهاده است. اگر کسی در خواب بیند که سوره فجر میخواند به کار های خیر مشغول میشود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ (۱)

معنی: سوگند به سپیده دم.

تفسیر: خداوند به سپیده دم سوگند یاد می کند. اما باید بدانیم که فجر که ما صبح یاد می کنیم به دو نوع است که مشهور است به نام های صبح کاذب و صبح صادق. صبح کاذب همان سپیدی طولانی است که تشبیه به دم روباه می کنند که نقطه باریک آن طرف افق است و قاعده مخروط آن در وسط آسمان قرار دارد. صبح صادق از همان ابتدا در افق گسترش پیدا می کند و نور همه افق مشرق را فرا میگیرد و در همه آسمان گسترده می شود. چرا فجر با اهمیت است برای اینکه نور بر ظلمت چیره می شود و این از نشانه های پروردگار عالمیان است که نور و عظمت خداوند را بیان میکند. نماز فجر در بین نماز های پنجگانه اهمیت خاص دارد زیرا فرشتگان در نماز فجر شهادت میدهند. (ان قرآن الفجر مشهودا)

وَالْيَالِ عَشْرِ (۲)

معنی: و به شب های ده گانه.

تفسیر: مقصد از شب های ده گانه ذی الحجه است. اهمیت ذی الحجه درین است که با آمدن اسلام دامن خرافات برچیده شد و مراسم حج

به اساس توحید و خدا پرستی پاکیزه شد. زیرا مردم عرب قبل از اسلام زیارت خانه خدا را میکردند و اما آلوده با شرک و خرافات. وحدانیت خداوند محور اصلی قرار گرفت و ظهور امت واحد که به جز از خدای واحد موجودی را پرستش نه میکنند.

وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ (۳)

معنی: و به [جوره] جفت و طاق.

تفسیر: درین آیه کوتاه قرآن به یک مسئله ریاضی تماس گرفته است که به جهان انسانیت رابطه دارد. باید بگوییم که دانشمندان زبانشناسی می نویسند که زبان عربی یگانه زبان سیمیتیک یا سامی است که به اساس اصول ریاضی استوار است و قرآن به همین زبان نازل شده است. به جفت و طاق سوگند یاد شده زیرا راز همه خلقت در آن نهفته است. جفت و طاق همواره در جانشینی همدیگر را تعقیب می کنند. با اینکه هر دو مستقل هستند اما به تنهایی خود-اکتفا نیستند. به عبارت دیگر هر عدد طاق عاقبت الامر یک جفت را تشکیل میدهد. در جهان حیوانات و نباتات و انسانیت، همه با جوره هستند. و بدین اساس همدیگر را تعارف می کند. و راز خلقت در همین اصول ریاضی است. در معنویت هم، چون انسان جزء همین خلقت بیکران است نمازها جفت و طاق است. نماز صبح جفت است و نماز شام طاق. این حکمت های الهی است که روح و روان انسان هم جزء خلقت است و در همان اصول ریاضی استوار می باشد.

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِر (۴)

معنی: و به شب سوگند وقتی سپری شود.

تفسیر: وقتی شب سپری می شود و صبح می شود و روشنایی پدید می آید، تاریکی به روشنایی تبدیل می شود. این صبح که با انرژی و روشنایی است تاریکی و ظلمت را به عقب می راند. در معنویات خجسته هم ایمان آوردن از تاریکی برآمدن و به روشنایی گام برداشتن است برای یک زندگی سعادت مند.

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ (۵)

معنی: آیا درین برای خردمند سوگندی است.

تفسیر: چهار سوگند که تذکر داده شد اشاره به اسرار کاینات دارد و انسان

را متوجه می سازد که باید خود را از تاریکی نجات دهد و خردمندان می توانند درک حقیقت کنند و بصورت استفهامیه آمده است تا توجه ما را به عمق موضوع جلب کند.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (٦)

معنی: آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد.

تفسیر: قوم عاد از نژاد عرب بود و در جنوب جزیره العرب زندگی میکردند. آنها از نسل سام بن نوح بودند. این قوم از نعمت های فراوان برخوردار بودند و یک مدینت بسیار پیشرفته داشتند. خداوند حضرت هود (ع) را برای ابلاغ توحید به این قوم فرستاد و اکثر شان رد کردند و به عذاب الهی دچار شدند.

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (٧)

معنی: با [شهر] اِرم که دارای [کاخ ها] و ستون ها بود چه کرد؟

تفسیر: قسمیکه گفتیم مردم شهر اِرم در اثر بی اطاعتی حضرت هود (ع) با طوفان شدید نابود شد. در طول تاریخ مردم فکر میکردند که این شهر یک افسانه بود نه اینکه حقیقت داشته باشد. شهر اِرم دارای ساختمان های مجلل، بلند و با شکوه بوده است. در سال ۱۹۹۸ میلادی بود که این شهر افسانوی در اثر کاوش های باستانشناسی کشف گردید و افسانه به حقیقت مبدل گشت. این شهر تاریخی در منطقه «شصرفی» در صحرای «ظفاره» در کشور عمان کشف شد. این شهر در ۱۵۰ کیلومتری شمال شهر «صلاله» و ۸۰ کیلومتری شهر «ثمریت» قرار دارد.

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ (٨)

معنی: که نظیرش در شهر های دیگر ساخته نشده بود.

تفسیر: گفتیم که شهر اِرم در آن زمان با تعمیرات مجلل و سبک ساختمانی خاص بنا یافته بود و نمایانگر یک تمدن با شکوه بود و اما در اثر بی اطاعتی خداوند نابود شد. کشفیات باستانشناسی می رساند که این شهر واقعا در آن زمان بی نظیر بوده است. این داستان به ما می رساند که زندگی مجلل و پیشرفته و مدرن بدون اطاعت از خدای واحد نابود شدنی است.

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹)

معنی: و با قوم تمود که در آن وادی سنگ تراشی میکردند.
تفسیر: قوم تمود هم مانند قوم عاد در اثر رد کردن پیامبر شان حضرت صالح (ع) نابود شدند. این قوم در سنگ تراشی و اعمار تعمیرات از سنگ مهارت خاص داشتند. مطالعات باستانشناسی در مناطق شمالی شبه جزیره عربستان موجودیت شان را تایید میکند.

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

معنی: و با فرعون صاحب میخ های [شکنجه].
تفسیر: درین آیه نشان میدهد که فرعون یک شخص ظالم بود و مردم را شکنجه میکرد. عاقبت فرعون چه شد؟ منظور از میخ ها در آیه شکنجه مردم است. زمامداران که از شکنجه مردم خواستند تا قدرت را حفظ کنند به سرنوشت فرعون در تاریخ گرفتار شدند و مثال ها در تاریخ زیاد است. این آیه درس است برای آنانیکه در قدرت هستند.

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱)

معنی: آنانیکه در شهر ها طغیان کردند.
تفسیر: طغیان معانی مختلف دارد و منظور آیه، طغیان در مقابل خداوند است که خداوند و پیامبران را نهی کردند. همچنان طغیان اجتماعی است که مردم به فساد آمیخته می شوند و اعمال غیر اخلاقی خود را در زندگانی امروز توجیه می کنند.

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲)

معنی: و به کثرت فساد افزودند.
تفسیر: فساد یعنی بی عفتی، تبهکاری، هرزگی، فسق، ناشایستگی و دیگر معانی دارد. آنانیکه از راه خدا بیرون می شوند به فساد گوناگون دچار می شوند و اما آنقدر در فساد غرق هستند که خود درک نه میکنند. یکی از دلایل فساد موجودیت سطح رهبری فاسد است.

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳)

معنی: پس پروردگارت عذاب را به ایشان فرو آورد.

تفسیر: هر عمل از خود عکس العمل دارد. آنانیکه فساد می کنند باید به جزای اعمال شان برسند و این عدالت خداوندی است.

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

معنی: به یقین پروردگار تو مراقب [احوال] است.

تفسیر: خداوند ناظر همه اعمال بندگان است و هیچ چیز از او پوشیده نیست و مراقب احوال و اوضاع است تا عدالت تام حکمفرما باشد و مردم اجر اعمال خوب و جزای اعمال بد شانرا ببینند.. اکثر آیه «مرصاد» کمین معنی شده است که از نگاه ادب فارسی درست نیست.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵)

معنی: اما چون انسان را خداوند امتحان کند به او عزت و نعمت اعطا کند [با غرور] می گوید پروردگارم من را عزت داد.

تفسیر: خداوند انسان را در دو حالت امتحان می کند. یکی حالت خوشی و یکی مصیبت. انسان باید در هر دو حالت متواضع باشد و نه در حالات خوشی مغرور شود و نه در حالات مصیبت مایوس شود. انسان در هر حالت باید اعتدال روحی و معنوی خودش را حفظ کند.

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ (۱۶)

معنی: و او را چون در حالت تنگدستی امتحان کند [آنانیکه ایمان ندارند] می گویند خداوند من را اهانت کرد.

تفسیر: اهل ایمان در هر حالت به خداوند پناه می برند. اگر به تنگدستی دچار می شوند شکایه نه می کنند و اما به خداوند توکل میکنند و کارهای که برای از بین بردن تنگدستی است انجام میدهند. یعنی سعی لازم را می کنند و به خداوند توکل میکنند. تنها آنانیکه ایمان ندارند مایوس می شوند و فکر میکنند که تنگدستی شان یک اهانت و تحقیر از طرف خداست. خداوند هرگز بنده مومن را خوار و تحقیر نه می کند. برعکس دست او را میگیرد و از تنگدستی وقتی می بیند که به او و حکمت او اعتقاد دارد، نجات میدهد.

كَأَلْبَلٍ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)

معنی: چنین نیست. بلکه شما یتیمان را گرامی نه می شمارید.

تفسیر: یکی از وظایف عمده مومنین غمخورشی کودکان یتیم است که

در نظام اجتماعی فوق العاده مهم است. آنها باید عزت و احترام شوند و همه وسایل زندگی برای شان مهیا شود و به حق شان خیانت صورت نگیرد که گناه بزرگ و نابخشودنی است.

وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۱۸)

معنی: و یکدیگر را برای طعام دادن بینویان تشویق نه می کنید.
تفسیر: اسلام انسان ها را به مادیات، مقام اجتماعی و سیاسی نه می شناسد مگر تقوی. یک رکن تقوی این است که با مردم فقیر و بیچاره نسبت خوب داشت و ایشان را دعوت کرد نه اینکه تنها ثروتمندان را دعوت کنیم. می شود که همان فقیر در دیانت خود از ثروتمند پیش قدم تر باشد. انسان را به کرامت انسانی او بشناسید. اسلام نظام طبقاتی را شدید محکوم می کند.

وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمَّا (۱۹)

معنی: و میراث [مردمان] را با حرص تماماً میخورید.
تفسیر: آنانیکه خداوند را در قلب خود نه می شناسند حقوق مردمان و ضعیفان را در بخش میراث با حرص میخورند و این گناه بزرگ است.

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

معنی: و مال [دنیا را] بسیار دوست دارید.
تفسیر: یکی از مسایل که اسلام توجه مردم را جلب می کند دوستی مال دنیا و مادی پرستی است. مادی پرستی انسان را از راه اطاعت خدا بیرون می کند. این بدین معنی نیست که مردم مال نداشته باشند و یا زندگی خوب نداشته باشند و اما اگر مال دنیا جای خدا پرستی را میگیرد همان است که انسان زوال می شود. بسیار محتاط باید بود.

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱)

معنی: چه تصور می کنید وقتی زمین در هم کوبیده شود.
تفسیر: اشاره به حوادث طبیعی مانند زلزله است که همه زمین هموار می شود و انسان تصورش را کرده نه می تواند. انسان نباید غافل باشد و ازین حوادث پند گیرد.

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

معنی: و [فرمان] پروردگارت در رسد و فرشتگان صف صف حاضر شوند.
تفسیر: اشاره به روز رستاخیز است که فرمان عدل الهی آمدنی است و فرشتگان در خدمت اند.

وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

معنی: و در آن روز جهنم آماده شود و آن وقتی است که انسان [از خواب غفلت] بیدار میشود. اما این بیداری ناوقت است.

تفسیر: قبلا هم گفتیم که یکی از اساسات دین اعتقاد به روز آخرت و بازپرس است. آن روزی است که حق به حقداد میرسد و جهنم برای آنانیکه کوشش نکردند تا حقیقت خدا و جهان هستی را بدانند آماده می شود و این خواه مخواه ناوقت خواهد بود. چه خوب است که در زندگی ما بالای مسایل عمیق تر شویم و بدانیم که چرا آمده ایم و به کجا می رویم و یاد رک این را پیدا کنیم که آیا زندگی ما یک عبث است و بیهوده است و یا ثمره کار و زحمت خود را می بینیم.

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)

معنی: گوید: ای کاش برای زندگی [آخرت] پیش از پیش کاری انجام میدادم.

تفسیر: گویند پشیمانی سود ندارد. ما باید درک حقیقت آخرت را بکنیم و قبل ازینکه دنیای فانی را وداع گوئیم و به دنیای جاودانی برسیم خدمتی به خود کنیم و آمادگی لازم را برای رفتن داشته باشیم. اکثراً یَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ چنین معنی شده است که ای کاش من پیش میفرستادم و این ترجمه تحت الفظ است و مفهوم آیه را نه می رساند. هدف از آیه این است که قبل از مرگ باید اعمال نیکو انجام دهیم که توشه آخرت ما همان است.

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

معنی: پس در آن روز هیچ موجودی مانند عذاب خداوند عذاب نه می کند.

تفسیر: همانطوریکه نعمت های خداوند بی حد است و هیچ کسی نه می تواند آنرا تهیه کند به همان ترتیب عذاب که خداوند به بندگان

فرو میریزد هم مانند ندارد و باید بدانیم که خداوند عادل است و بدون موجب بنده را عذاب نه می کند. این ما هستیم که عذاب خود را با اعمال ناشایسته فراهم می کنیم.

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

معنی: و هیچ موجودی مانند به بند کشیدن او به بند نه می کشد.
تفسیر: قرآن به زبان مردم و تجارب زندگانی مردم سخن می گوید. در زندگی دنیا یک مجرم را دست و پایش را بسته می کنند تا همه آزادی او سلب شود و حتی در دست و پای مجرم زنجیر و زولانه بسته می کنند. اینجا خداوند هشدار میدهد که به بند کشیدن آنانیکه مرتکب گناه شده اند مانند به بند کشیدن دنیایی نیست و به مراتب بد تر است و مانند ندارد.

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

معنی: (به انسان رستگار گفته میشود) ای تو نفس آرام یافته، آرام بگیر.
تفسیر: خداوند به انسان های پاک طینت و با وجدان و صادق و شاکر و مومن اطمینان میدهد که تو آرام باش و به تو ضرری نمی رسد.

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)

معنی: بسوی پروردگارت باز گرد که تو از او خشنودی و او از تو خشنود است.

تفسیر: عاقبت ما به سوی پروردگار بر میگردیم و ما از پروردگار راضی هستیم که با نعمت هایش ما را درین دنیا سرفراز ساخت و او از ما خشنود خواهد بود که از یاد و اطاعت و عبادت او غافل نبودیم.

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

معنی: پس در جمع بندگان [فداکارم] داخل شو.
تفسیر: اجر و ثواب فداکاری در راه حق همانا بهشت برین است که تنها مخلصان و فداکاران راه حق نصیب می شوند و در آیه آخری این سوره می گوید.

وَأَدْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

معنی: و در بهشت من داخل شو!

تفسیر: حق را شناختن، در راه حق پاماندن و خود را فدای راه حق کردن پاداش آن بهشت برین است.

سُورَةُ الْبَلَدِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای بیست آیه می باشد. البلد یعنی شهر. موضوعات مهم درین سوره نهفته است. اول اهمیت شهر مکه که زادگاه پیامبر بود. پیامبر (ص) در شهر تولد یافته است نه ده و قریه و این از نگاه مدنی مهم است و تاثیرات مهم حیاتی دارد. سوره نشان دهنده این حقیقت است که زندگی انسان توأم با چالش ها روبرو است و این چالش ها وقتی سهل و ساده می شود که انسان نه تنها سعی و تلاش برای زندگی کند توکل به خداوند را فراموش نکند. در غیر آن چالش ها بسیار مشکل خواهد بود. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که کسی که سوره بلد را بخواند در روز قیامت از خشم خداوند در امان می ماند. امام غزالی علیه الرحمه این سوره را مروراید عمل نام نهاده است. اگر کسی خواب بیند که سوره بلد را می خواند صدقه دادن را دوست دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

معنی: سوگند به این شهر [مکه].

تفسیر: شهر مکه نه تنها زادگاه پیامبر اسلام است در عین زمان کعبه درین شهر منحیث سمبول و حدانیت بنا یافته است و مرکز تجارت بوده است که از نگاه مدنی بسیار مهم است. زندگی شهری از زندگی قریه یی و دهاتی تفاوت دارد و شهر بنیانگذار یک تمدن می باشد. تحول و توسعه اقتصادی در شهر است. سازمان های اجتماعی شهر برای نمو و خلاقیت و تفکر انسانی نقش بارز بازی می کند. مطالعات نشان میدهد که شهر باعث هشتاد درصد نمو اقتصادی است. شهر مکه زادگاه توحید است که حضرت ابراهیم (ع) با پسرش حضرت اسماعیل (ع) کعبه را بنا کرد.

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

معنی: شهری که تو در آن اقامت داری.

تفسیر: یعنی درین شهر که تو ساکن هستی پیام توحید دوباره احیا

میشود و انقلاب فرهنگی آغاز می‌یابد و پیام حق و راستی به مردم جهان رسانده میشود.

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ (۳)

معنی: و سوگند به رابطه [معنوی] که بین والدین و فرزند است.
تفسیر: بین والدین و اولاد همیشه یک رابطه خاص معنوی، عرفانی و عشق و محبت وجود دارد که بی نظیر است.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

معنی: که ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.
تفسیر: از نگاه علم حیه یا بیولوژی وضع زایمان یکی از درد آور ترین تجربه های است که یک زن متقبل میشود و واقعاً رنج آور است. این آیه معنی فلسفی هم دارد که انسان با درد و رنج خلق میشود و در دنیا درد ها و رنج ها را می بیند و زندگی انسانی آسان نیست. همیشه در جدال و کوشش و تشخیص حق از باطل و چالش های نفسانی قرار میگیرد. به مال و اولاد و ثروت و مقام امتحان میشود. در مسایل دو دله می باشد. اشتباه می کند. به خطا می رود. توبه می کند. و صد ها تجربه دیگر که همه در مقام انسانیت است.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

معنی: چنین فکر میکند که هیچ کس بالای او قدرت ندارد.
تفسیر: انسان آزاد خلق شده است و برایش قدرت فکری خاص داده شده است. همین باعث می شود فکر کند که خودش همه چیز است و موجودی دیگری نیست که به او حساب دهنده باشد و یا بالای او قدرت داشته باشد.

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶)

معنی: [مغرورانه] می گوید که ثروت هنگفتی را نابود کردم.
تفسیر: در باره این آیه تفاسیر متعدد وجود دارد. نزدیکترین تفسیر این است که یکی از سران قریش، حارث بن عامر مرتکب گناه شد و راه چاره را از پیامبر (ص) سوال کرد. پیامبر (ص) دستور کفاره را به او داد. او گفت: اموال من از آن روزی که وارد دین اسلام شدم در کفارات و نفقات نابود شد.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

معنی: آیا گمان می کند که او را کسی ندیده است.
تفسیر: انسان که به خدا ایمان ندارد هر کاری را که میکند فکر میکند کسی او را نه می بیند در حالیکه خداوند ناظر اعمال همه انسانهاست و انسان مسلمان و غیر مسلمان بلاخره جواب دادنی است و هیچ چیز پوشیده نه می ماند.

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸)

معنی: آیا برای او دو چشم نیافریدیم؟
تفسیر: اینجا انسان را متوجه نعمت های که خداوند به او داده متوجه می سازد که یکی آن یک جوهره چشم است. چشم انسان از عجایب خلقت است. اول اینکه بیدرنگ و بدون تامل تمرکز یا «فوکس» می کند و دوم مغز جریان دید را به سریع ترین صورت آن انتقال میدهد و انسان می بیند و این سرعت انتقال سرسام آور است. یعنی در ظرف ۱۳ میلی ثانیه.

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹)

معنی: و یک زبان و دو لب؟
تفسیر: زبان و لبان انسان یکی دیگر از عجایبات خلقت است. اول زبان که از مفصل ساخته شده است و برای حمایه یک قشر با رنگ گلابی دارد و پنج عمل را انجام میدهد. مزه کردن، نفس کشیدن، بلع کردن، سخن گفتن و لیسیدن. لبان هم در صورت انسان و عملکردهای انسانی نقش بارز دارد. و شش تابع دارد: حالت چهره، در آوردن صدا، احساس، جویدن، جذب جسمی و صمیمیت.

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

معنی: و او را دو راه نشان دادیم.
تفسیر: دو راه حق و باطل است که خود انسان انتخاب میکند. این آیه آزادی را تضمین می کند که دین تحمیلی نیست و اما تو ای انسان عمیق شو و راه درست را انتخاب کن. راه حق که زندگی دنیوی و اخروی تو را تضمین میکند و یا باطل که تو به دست خود، خودت را به بیراهه میکشانی.

فَلَا أَفْتَحَمَّ الْعَقَبَةَ (۱۱)

معنی: اما او تلاش به خرج نداد تا به گذرگاه دشوار [معراج سعادت] برسد.

تفسیر: دین اساساً برای آسانی انسان نازل شده است تا مردم به معراج سعادت برسد. در دین غلو، تعصب و تنگ نظری نیست. اما انسان ناسپاس کوشش نه می کند تا خود را به بلندی برساند. در مسایل عمیق نمیشود. در راه دین باید سعی به خرج داد مثلیکه در دیگر کارها ما شدید تلاش می کنیم. انسان خود مختار است که به اعلیٰ علین خودش را برساند و یا اسفل سافلین.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲)

معنی: و تو چه درک می کنی که آن گذرگاه دشوار چیست؟

تفسیر: گذرگاه سخت و دشوار به خدا رسیدن است که باید انسان خودش را به خدمت خلق قرار دهد و مهمتر اینکه برای آزادی انسان و انسانیت تلاش کند. درین راه باید از سرمایه، وقت و همه انرژی انسانی کار گرفت. همچنان رسیدن به معراج سعادت است که همانا ایمان است.

فَأَكْرَبِيَّةً (۱۳)

معنی: آزاد کردن برده است.

تفسیر: اسلام آمد تا انسان از هرگونه بردگی نجات یابد. چه بردگی اقتصادی باشد و چه فکری باشد و چه بردگی به اساس ظلم باشد که همه را اسلام تقیح می کند. اینجا یک اشاره بزرگ است که انسان باید به آزادی فکر کند یعنی کرامت انسان اول در آزادی او در قبال ایمان است.

أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ (۱۴)

معنی: یا طعام دادن در روز گرسنگی.

تفسیر: یکی از مهمترین و اساسی ترین راه به خدا رسیدن دستگیری از فقرا و مساکین و طعام دادن ایشان است. ما باید برای زدودن فقر مبارزه کنیم و نگذاریم تا یک انسان به فقر زندگی کند و نان خوردن نداشته باشد. می تواند دیانت ما زیر سوال رود.

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵)

معنی: یتیمی از خویشاوندان را.

تفسیر: یکی دیگر از مسولیت های دیگر اجتماعی ما دست یتیم را گرفتن است و باید این کار اول از خانواده شروع شود. نه تنها خوراک و پوشاک شان بلکه امور درسی شان باید توجه خاص صورت گیرد.

أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

معنی: یا مستمندی بیخانه.

تفسیر: در این آیه «متربه» اساساً به خاک افتاده معنی میدهد اما مسکین است که خانه رهایش ندارد و در روی خاک نشسته است. ما باید در مورد مساکین و رهایش شان توجه خاص مبذول داریم.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَّصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

معنی: پس باید از کسانی باشد که ایمان آورده اند و همدیگر را به صبر و مهربانی توصیه کرده اند.

تفسیر: انسانهای با ایمان برای کار خیر همدیگر را راهنمایی میکنند. با همدیگر همکاری میکنند و همدیگر را در مصیبت به صبر دعوت میکنند و از دلسوزی و مهربانی کار میگیرند.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸)

معنی: آنها اهل سعادت اند.

تفسیر: یمین دست راست معنی میدهد. اصحاب یمین آنان هستند که سعادت شان درین است که نامه اعمال شان به دست راست شان داده می شود.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹)

معنی: و آنانیکه آیات ما را انکار کردند اهل شوم و شقاوتند.

تفسیر: واژه متضاد یمین، شقاوت و بدبختی و سیه روزی است. کسان که به تشبث خود آیات را رد میکنند اهل شقاوت هستند و شوم و بد بخت هستند که خود کمایی کرده اند.

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّوَصَّدَةٌ (۲۰)

معنی: بر آنها آتش سرپوشیده است.

تفسیر: برای گنهکاران آتش سرپوشیده یعنی راه گریز ندارد و نفس کشیده نه می توانند.

سُورَةُ الشَّمْسِ

مقدمه

سوره مکی است و شامل پانزده آیه می باشد. سوره از جهان هستی سخن دارد و انسان را متوجه مسئولیت هایش می سازد و به آنانیکه آخرت را انکار میکنند هشدار میدهد. همچنان سوره اشاره به تهذیب نفس و پاکی قلب از مفسدات دارد. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که هر کسی این سوره را تلاوت کند گویی به تعداد تمام اشیایی که آفتاب و مهتاب بر آنها می تابد در راه خدا صدقه داده است. این سوره را امام غزالی مروارید عمل نام نهاده است. در کتب تعبیر خواب آمده است که اگر کسی خواب ببیند که سوره شمس میخواند از بلاها به در امان می ماند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

معنی: سوگند به آفتاب و روشنایی آن.

تفسیر: می توان گفت که یکی از مهم ترین مخلوقات خداوند آفتاب است. و خداوند به خاطر اهمیت و عظمت این مخلوق در نظام شمسی سوگند یاد می کند. فواید خورشید در جهان خلقت اثرات شگفت انگیز دارد که امروز ساینس به ما بازگو میکند. نور آفتاب برای پوست بدن به صورت معتدل آن ضروری است. همچنان ویتامین دی که از نور آفتاب میگیریم برای سلامتی استخوان ها، سلول های خونی و ایمنی بدن اهمیت حیاتی است. نور آفتاب در رشد موها کمک می کند. همچنان برای سلامتی قلب و شریان ها تاثیر بارز دارد. جهان هستی بدون آفتاب نه می تواند وجود داشته باشد. همچنان درمان افسردگی است و برای درمان فشارخون موثر است. همه زندگی جهان هستی به خاطر نور آفتاب است. یعنی نور آفتاب به جهان هستی و نمو و انکشاف آن حیات می بخشد.

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)

معنی: و به ماه که به دنبال آن می برآید.

تفسیر: ماه هم نقش حیاتی در حیات زمین و جهان هستی دارد. یکی از مهمترین تاثیرات ماه روی زمین تنظیم و تثبیت زاویه انحراف محوری زمین می باشد. همچنان ماه در تنظیم حرکت وضعی زمین نقش بارز دارد.

این نیروهای کَشندی ماه است که یک شبانه روز را به بیست و چهار ساعت رسانده است. گردش ماه در مد و جزر کمک می کند که تنظیم دهنده دیگر حیات در زمین است. این مسایل علمی را قرآن مجید به صورت آیه گفته است و بر ماست که کشف کنیم که چرا خداوند به این مخلوقات خود سوگند یاد کرده است.

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)

معنی: و سوگند به روز که آنرا آشکار سازد.

تفسیر: با طلوع آفتاب روز میشود و نور برای حیات جهان هستی پخش میشود.

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

معنی: و سوگند به شب وقتی آنرا بپوشد.

تفسیر: زمین در حال چرخش به دور خودش است. زمین از محور به دور خودش می چرخد. حرکت زمین را به دور خودش حرکت وضعی گویند. هر وقت که زمین میچرخد روز به شب و شب به روز تبدیل می شود. این چرخش زمین و روز و شب شدن از موضوعات علمی خلقت و حکمت خداوند است.

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵)

معنی: به فلک و اوپکه آنرا بنا کرد.

تفسیر: یکی از عجایب خلقت کهکشان و نظام شمسی است که شگفت انگیز است. همه نظام بدون جزیی ترین اشتباه در گردش است و ایستادگی ندارد. و این از حکمت های پروردگار است.

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶)

معنی: به زمین و اوپکه آنرا گسترش داد.

تفسیر: با اینکه میدانیم که زمین کروی است و اما از دید انسانی گسترش عجیب دارد و هموار دیده می شود در حالیکه هموار نیست. این هم از عجایب دیگر خلقت و حکمت خداوند است که به آن سوگند یاد می کند.

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

معنی: و به نفس انسان و اویکه آنرا [اعطا] کرد.
تفسیر: نفس آدمی یکی از موضوعات بسیار شگفت انگیز انسانی است که به انسان داده شده و اداره آن به دست انسان است. «سَوَّاهَا»، اکثرا نظم بخشیدن، سر سامان دادن معنی شده است و اما این معنی تحت الفظی است و مفهوم را افاده نه می کند. یک معنی دیگر آنست که مساویانه به همه این پدیده نفس را داد. خداوند نفس را به انسان اعطا کرد تا خودش منحیث یک انسان آزاد تصمیم گیرنده باشد و این ودیعه الهی برای زن و مرد داده شده است زیرا زن و مرد از نفس واحد خلق شده است.

فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

معنی: پس بدکاری و رستگاری را به او تفهیم کرد.
تفسیر: خداوند به انسان آموخت که چه بد است و او را به بیراهه میکشاند و چه خوب است و او را رستگار میسازد. مثلا خداوند به انسان گفت که دزدی نکنید و یا دروغ نگوئید پس انسان با ایمان برای اینکه در گناه نشود دروغ نه می گوید. شنیده ایم که فلان شخص ایمان ندارد و اما راستکار است. این درست است و اما منشا اینکه او آموخته که دروغ نگوید و دروغ بد است از کجاست؟ دین الهی است که خوب و بد را در همه ادیان واضح ساخته است نه تنها اسلام.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

معنی: بدون شک آنکسیکه تزکیه [نفس] کرد رستگار شد.
تفسیر: وقتی انسان یک موجود است که اشتباه می کند، خطا می کند و گناه می کند و اما اویکه ایمان دارد از اشتباه خود می آموزد و تکرار نمی کند؛ از خطای خود از مردم معذرت میخواهد و از گناه خود توبه می کند.

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

معنی: و زیانکار شد کسی که [نفس] خود را آلوده ساخت.
تفسیر: تضاد پاکیزگی، آلودگی است. خواه معواه کسی که در کوشش پاکیزگی نیست از نعمت پروردگار محروم میشود و در زیان است و وای بر اویکه آلوده این دنیا را ترک کند.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

معنی: ثمود با سرکشی خود [پیامبر] را تکذیب کردند.
تفسیر: درین آیه تکرار از سرکشی قوم ثمود یاد آور میشود که از پیامبر شان حضرت صالح (ع) را بی اطاعتی کردند و شتر حضرت پیامبر را که مشهور به ناقه صالح بود کشتند و به عذاب الهی گرفتار شدند. شتر به درخواست مشرکان و اعجاز الهی از دل کوه بیرون آمد. به اساس روایات، خداوند با ناقه صالح قوم ثمود را آزمود و آب نهر یک روز برای این ناقه اختصاص داده شده بود. اما مشرکان ناقه را از بین بردند و نابود شدند.

إِذْ أَنْبَعَتْ أَشَقَّيْهَا (۱۲)

معنی: آنگاه که شقی ترین شان به پا خاست.
تفسیر: در بین مشرکین قوم ثمود یک نفر به نام قذار بن سالف که مرد فوق العاده قسی القب بود گماشته شد تا ناقه را از بین ببرد. همان بود که قوم ثمود دچار عذاب الهی شد.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

معنی: پیامبر خدا به آنها گفت که ناقه خدا را با آب خورش آزاد کنید.
تفسیر: گفتیم که آب نهر برای یک روز برای ناقه صالح اختصاص داده شده بود. برای مشرکان گفته شد که ناقه را با آب اختصاصی او آزاد کنید و بازهم بی اطاعتی کردند.

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

معنی: و اما او را تکذیب کردند و ناقه را کشتند پس خداوند آنها را به جرم گناهان بگرفت و با خاک یکسان کرد.
تفسیر: قصص قرآن بسیار آموزنده است برای اینکه نشان دهنده حق از باطل است و کسانی که سرکشی میکنند و یا آیات را رد می کنند و یا اعتقاد به خداوند ندارند جزای خود را می بینند. قصص قرآن به ما تاریخ اطاعت را می آموزاند. اطاعت موجودی که همه جهان هستی از آن اوست.

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

معنی: و خداوند از عاقبت کار هراس نداشت.
تفسیر: خداوند برای مردم فرصت ها را میسر می سازد که اگر تفکر

کنند. به ایشان موقع می‌دهد که خود را اصلاح کنند. مثال‌های بی‌اطاعتی را می‌دهد و اما انسان سرکش هنوز هم سرکشی میکند و خداوند از جزای که می‌دهد هراس و ترس و بیم ندارد زیرا هر کسی که سرپیچی کند به جزای اعمالش میرسد و جای تعجب نیست. توجه کنید که اگر شما یک کار داشته باشید و به کارتان خیانت کنید جزا داده نمی‌شود؟ یا ملکیت داشته باشید و ملکیت شما را تصاحب کنند برای حق و حقوقتان مبارزه نمی‌کنند؟

سُورَةُ اللَّيْلِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای یست و یک آیه است. نام سوره از آیه اول گرفته شده است. به استناد علامه یوسف علی این سوره نزدیکی دارد به سوره های «مطففین» و «ضحی». درین سوره ها به تضاد شب و روز اشاره شده است تا انسان ها در معنویات خجسته تاریکی و روشنایی را تشخیص کنند و به راه حق روند. این سوره ما را به خدا پرستی تشویق میکند که پشیمانی ندارد. همچنان این سوره مردم را به دو گروه تقسیم می کند. اهل تقوی و اهل انکار که سرنوشت هر دو بیان شده است. در فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که «هر کسی که این سوره را تلاوت کند خداوند آنقدر به او می بخشد که راضی شود و او را از بدبختی ها نجات میدهد. مسیر زندگی را برای او آسان می سازد.» امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. کسی که در خواب بیند سوره لیل را میخواند خداوند به او توفیق میدهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ (۱)

معنی: سوگند به شب که چون می پوشاند.

تفسیر: شب نه تنها جهان هستی را همان قسمت که آفتاب نه می درخشد برای استراحت آماده می کند که این استراحت و پوشش برای نظام از نگاه ایکولوژی فوق العاده موثر است. انسان هم به استراحت نیازمند است تا انرژی لازم را برای روز کار اخذ نماید. همچنان تاریکی می تواند اساس یک زندگی نا سالم باشد و اما انسان ها توجه نه میکنند که خداوند شب باشد یا روز باشد ناظر اعمال آنهاست. در تاریکی مردم فکر میکنند کسی ایشان را نه می بیند و دزدی می کنند در حالیکه از خداوند پوشیده نیست. بعضی صفت های دیگر انسانی است مانند بخیل بودن، حسادت، هم چشمی، غیبت و سخن چینی، دروغ و یا هر چه که به مقام با کرامت انسانی در تضاد است تاریکی شمرده می شود.

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ (۲)

معنی: و قسم به روز که هویدا سازد.

تفسیر: شب که برای استراحت و اما روز برای کار و اعاشه است و همچنان با روز مسایل که در شب اتفاق افتیده آشکار می شود. از نظر خداوند هیچ چیز شب باشد یا روز باشد پوشیده نیست. روز یک شروع امید هاست. بعد از هر تاریکی یک روشنایی است. این مسئله به انسان امید میدهد که در امور نا امید نشوند. هر روز برای یک انسان روز جدید است و باید با برنامه های کاری و مفید و مثمر به زندگی در قبال عبادت خداوند ادامه داد.

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۳)

معنی: و به آنکه نر و ماده را خلق کرد.

تفسیر: هدف آیه تنها انسان و حیوانات نیست. همه جهان هستی با جوهره های نر و ماده آفریده شده است به شمول نباتات به جزء بعضی نباتات که در آب است که می تواند بدون ماده تکثیر کند مانند الجی ها. در مورد انسان این آیه میسرساند که در خلقت زن و مرد تبعیض نیست و هر دو برای تکامل همدیگر خلق شده اند. هیچ مردی بدون یک زن و هیچ زنی بدون یک مرد نه می تواند در تکثیر انسانی سهم گیرد و چون نقش مساوی در خلقت بازی می کنند در خانواده حقوق مساوی دارند.

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ (۴)

معنی: سعی و کوشش شما متفاوت است.

تفسیر: انسان ها متفاوت خلق شده اند و اما خداوند به انسان عقل، استعداد، شعور، ذکاوت، و فطرت اسلامی داده است زیرا انسان با فطرت اسلام خلق شده است. حالا این به کوشش خود ما مربوط است که در راه یافتن حقیقت، آموختن علم و دانش و دیگر امور چقدر کوشش می کنیم. و خود را می رسانیم.

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ (۵)

معنی: و آنکه بخشید و رستگاری پیشه کرد.

تفسیر: ما وقتی رستگار یا با تقوی می شویم که در راه خیر و فلاح مردم خدمت کنیم. یعنی رستگاری بستگی دارد به اینکه ما چطور و چگونه به مردم می رسیم. دست فقیر را می گیریم. دست یتیم را می گیریم. مردم را باسواد می سازیم. در عدل و راستی خدمت می کنیم و هر کار نیک که می توانیم باید کوشش کنیم.

وَصَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ (۶)

معنی: و با صداقت ایمان داشته باشد.

تفسیر: در همه امور ما اول باید نیت نیک داشته باشیم. در امور مردم وقتی معامله می کنیم باید با صداقت باشیم و با ایمان و اعتقاد کامل به خداوند خدمت کنیم. اگر نیت ما پاک نه می باشد و یا اعتقاد کامل نداریم خدمت ما بیهوده خواهد بود. یعنی خدمت به مردم باید با اعتقاد به خداوند باشد نه غیر آن.

فَسَنِّيئِرُهُ ۖ لِلْيُسْرَىٰ (۷)

معنی: ما به یقین راه را برای او آسان می سازیم.

تفسیر: وقتی نیت ما برای خدمت مردم در راه خدا باشد. توقعات بیجا از مردم نداشته باشیم. در کار خود صادق باشیم خداوند راه را برای کارهای ما آسان می سازد و مشکلات را برطرف می سازد. اصلاً متوجه نه می شویم که چگونه کارهای ما عملی شد و صورت گرفت.

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ (۸)

معنی: و او بیکه بخیلی کرد و تصور کرد و خود را [از دین] بی نیاز دانست.

تفسیر: مردمان که از عقل کار نمیگیرند و مخصوصاً سرمایه دارند، فکر میکنند که به خدا نیاز ندارند. این بخیلی در مقابل خدا باعث سرنگونی شان هم درین دنیا می شود و هم در آن دنیا. به مشکلات گوناگون دچار می شوند و اما حس نه می کنند که این شرایط که برای شان به بار آمده از بی دینی است و از انکار خداوند در زندگی است. بی دینی یک افتخار نیست. یک مصیبت است.

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ (۹)

معنی: و سخن حق را انکار کرد.

تفسیر: کسانی که سخن حق را نه می شنوند و انکار میکنند نباید توقع رحمت خداوند را داشته باشند.

فَسَنِّيئِرُهُ ۖ لِلْعُسْرَىٰ (۱۰)

معنی: پس راه دشوار را فراهم می کنیم.

تفسیر: آنانی که خدا را انکار میکنند خوب در جوش و خروش هستند تا

که به مصیبت می‌رسند. این مصیبت و دشواری را درک نه می‌کند که چه سرکشی‌های کرده و این همه مصیبت به خاطر انکار آیات خداوند است که تجربه می‌کند.

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)

معنی: و آنگاه که به سقوط مواجه می‌شود مال و ثروتش او را نجات داده نه می‌تواند.

تفسیر: واقعا جالب است که مردم بی‌ایمان بلاهای که سرشان می‌آید از بی‌دینی و بی‌اعتقادی خود معترف نیستند که این همه مصیبت وارده به خاطر سرکشی از خداوند بوده است. طور مثال به امتحانات زندگی‌های روبرو میشود و هنوز هم فکر میکند که این مربوط به بی‌خدایی نیست. فکر میکند اگر پول مصرف کند وضع درست می‌شود و اما می‌بیند که سرمایه و ثروت هم به درد اش نمیخورد.

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ (۱۲)

معنی: بدون شک هدایت از جانب ماست.

تفسیر: درین آیه نکات مهم نهفته است. اول هدایت از طرف خداوند است نه کسی دیگر و آنهم مربوط است به تشبث شخص که خودش میخواهد هدایت شود یا خیر. انسانها آزاد خلق شده‌اند و خود در امور خود تصمیم گیرنده هستند. نکته دوم واضح می‌سازد که دین تحمیل نمیشود و انسان قسمیکه گفتیم خود تصمیم گیرنده است. سوم وظیفه پیامبر تنها رساندن پیام است، هدایت کننده نیست.

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ (۱۳)

معنی: و آخرت و دنیا هم متعلق به ماست.

تفسیر: همه جهان هستی ملکیت خداوند است و همچنان مالک روز جزاست. و این دنیا نزد ما یک امانت است نه اینکه متعلق به ما باشد چنانچه قدرت‌های بزرگ از طریق امور فضایی آرزو دارند جهان را تصاحب کنند.

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ (۱۴)

معنی: پس شما را از آتش شعله‌ور بیم دادم.

تفسیر: خداوند عادل است و نمیخواهد که انسان به خاطر نادانی به رنج

و عذاب گرفتار شود. اما انسان از عقل و شعور باید کار گیرد. خداوند هشدار میدهد که از حدود خود پیشروی نکنید. حق را بشناسید و از باطل پرهیز کنید. از آتش شعله مردم را بیم میدهد که بیدار شوند و تصمیم قاطع برای خود اتخاذ کنند.

لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵)

معنی: که به جزء مردم بدبخت کسی دیگر داخل آن نشود.
تفسیر: مردم تیره بخت از دید قرآن آنان هستند که سخن حق را رد میکنند و اینها هستند که سیه روزی خود راه خود می سازند نه اینکه خدا خواسته باشد. آنانیکه سخن حق را رد میکنند داخل جهنم می شوند نه دیگران. به عبارت دیگر این خود مردم است که خوشبختی و بدبختی خود را رقم می زند با تصمیم درست و صادقانه.

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۶)

معنی: همان که [آیات] را تکذیب کرد و روی گشتاند.
تفسیر: آنانیکه سخن حق را نه می شنوند و آیات خدا را تکذیب میکنند پیامبران را توهین میکنند و دروغگو خطاب می کنند که امروز شما در تلویزیون ها شاهد هستید و در همین کوشش هستند که مردم را از راه حق بیرون کنند اینها هستند که درین دنیا و آخرت عذاب می بینند و باید گله نداشته باشند.

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتَقَى (۱۷)

معنی: و به زودی مردم پرهیزگار از آن دور ساخته شوند.
تفسیر: مژده میدهد به پرهیزگاران که اینها از آتش شعله ور جهنم به دور می باشند و در عذاب نخواهند بود. دنیا، دنیای مجازات و مکافات است. حق پرستان پاداش نیک دارند و گنهکاران عذاب می بینند و این است عدالت خداوندی.

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

معنی: همان که مال خود را [در راه خدا] میدهد تا پاک شود.
تفسیر: زکات از تزکیه آمده است. وقتی ما زکات می دهیم نه تنها فقرا و مساکین را کمک می کنیم و با فقر مبارزه می کنیم در عین زمان همه چیزی را که استفاده می کنیم برای استفاده ما پاک میشود. اساساً خداوند

به صدقه و زکات ما نیازمند نیست. وقتی ما می گوییم در راه خدا یعنی مردم. هر قدر به مردم برسیم به خدا می رسیم.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ ۖ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ (۱۹)

معنی: در [ذهن] احدی نباید توقع نعمت باشد که او را عوض آن دهد.
تفسیر: ما هر کاری که می کنیم باید خاص برای خدا باشد و نباید توقع پاداش داشته باشیم اگر نیت ما برای خدمت به خلق خدا نباشد زحمات و صدقات ما همه بی سود است. وقتی ما پاداش میگیریم که خدمات ما خالصانه باشد و خاص برای مردم بدون توقع باشد.

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ (۲۰)

معنی: جز طلب رضای خداوند والا مقام.
تفسیر: گفتیم که همه خدمات ما، صدقات ما، و خدمات اجتماعی ما باید در راه حق و برای مردم بدون توقع و ریا باشد در غیر آن هیچ کاری نکردیم.

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ (۲۱)

معنی: و به زودی از [پاداش] الهی خشنود میگردد.
تفسیر: کسانی که تنها برای خدا و مردم کار میکنند درینصورت است که از نعمت های پروردگار و پاداش او مستفید می شوند.

سُورَةُ الضُّحَىٰ

مقدمه

سوره مکی است دارای یازده آیه می باشد. ضحی به معنی روشنایی روز معنی میدهد. به صورت معنوی آیه حکایت گر تضاد شب و روز است که در عقب هر تاریکی زندگی انسانی یک روز است. ایمان به خالق دانا و توانا انسان را از تاریکی کشیده و به روشنایی می رساند. از نگاه تاریخی این سوره ارتباط میگیرد به زندگی پیامبر (ص) که برای یک مدت وحی قطع شده بود و باز جاری میشود و به پیامبر روز های روشن را بشارت میدهد. برای مردم آمی امید میدهد که شما از رحمت خداوند نا امید نشوید. سوره به ما دستور می دهد که یتیمان و مستمندان را فراموش نکنیم. فضیلت سوره درین است که حضرت رسول کریم فرمود کسانی که این سوره را تلاوت میکنند خداوند از او راضی می شود و شایسته است که محمد (ص) برای او شفاعت کند و به هر یتیم و سوال کننده ده حسنه برای او خواهد بود. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. کسی که در خواب بیند که این سوره را میخواند به مردم نیکی و احسان میکند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ (۱)

معنی: سوگند به روشنایی روز.

تفسیر: وقتی روز می شود کار و فعالیت آغاز می یابد. این کار و فعالیت باید در راستای خدا پرستی باشد تا روشنایی واقعی عاید حال ما شود. کار، خود عبادت است. همانطوریکه در عقب هر تاریکی روشنایی است؛ کار و فعالیت برای انسان روشنایی زندگی می آورد. این روشنایی که برای ما اعطا شده است باید توام به خدمت مردم مخصوصاً مستمندان و یتیمان باشد و این سوره به همین موضوع تاکید دارد.

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۲)

معنی: و به شب که آرام گیرد.

تفسیر: شب زمان استراحت همه جهان هستی است. همه آرام می شوند و از کار و فعالیت دست می کشند. قانون طبیعت اساساً همین است. آرامش شب به انسان انرژی لازم میدهد تا برای روز آماده شود. شب در نموی

نباتات تاثیر بارز دارد. شب باعث می شود که «فایتو کروم» تولید شود که در نموی نباتات نقش دارد.

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳)

معنی: و پروردگارت نه تو را ترک کرده و نه خشمگین است.
تفسیر: در مقدمه گفتیم که وحی برای مدتی قطع شده بود. حضرت رسول کریم (ص) متاثر بود و این سوره نازل شد که نه او را خداوند ترک کرده و نه بالای او خشمگین است. باید بدانیم که آیات نظر به صوابدید جامعه نازل می شد. این آیه به ما می گوید که در امور انسانی هم، ما باید با حوصله باشیم و خداوند می داند که کار ما چه وقت و به کدام صورت انجام گیرد. اما ما باید کار خود را خوب انجام دهیم و توکل کنیم. و هرگز امید خود را از خداوند قطع نکنیم.

وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ (۴)

معنی: و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است.
تفسیر: اساساً زندگی دنیا، آخرت ما را می سازد. درین دنیا ما باید با ایمان زندگی کنیم. کار صادقانه کنیم به مردم کمک کنیم تا آینده که آخرت است تضمین کرده باشیم. این آیه به پیامبر (ص) و مردم بشارت میدهد که آخرت برایشان بهتر است. پیامبر رسالت بزرگ داشت و رسالت او رساندن پیام الهی به مردم بود و این امانت بزرگ او بود. با پایان رساندن رسالت بزرگ تاریخی برایش مژده میدهد که آخرت برایش بهتر است. حالا، برای مردم امی هم، این زندگی یک امانت است و ما باید در راستای خدا پرستی امانت زندگی را که خدا پرستی است و خدمت به مردم است به وجه احسن به پایان برسانیم و آخرت خود را که برای ما بهتر است تضمین کنیم.

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (۵)

معنی: و به زودی آنقدر [برایت اعطا کند] که خوشنود شوی.
تفسیر: بزرگترین عنایت پروردگار به رسول اکرم (ص) قرآن مجید بود که جهان را روشن ساخت. به پیامبر (ص) علم آموخت و او را پیشوا ساخت. توحید را به جهان بشریت معرفی کرد. او را بر دشمنان غالب ساخت. و شفاعت پیامبر (ص) در مورد بندگان پذیرفته میشود و این یک عنایت بزرگ است.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (۶)

معنی: مگر تو را یتیم نیافت و پناه داد.

تفسیر: پدر حضرت محمد (ص) عبدالله نام داشت و قبل از تولد پیامبر (ص) فوت کرده بود. و پیامبر خود یتیم بود. اما اشخاص مهربان در اطراف او بودند که پیامبر (ص) را پرورش دادند و از او حمایت کردند. مانند پدر بزرگ آنحضرت عبدالمطلب و بعداً عموی آنحضرت ابو طالب سرپرستی پیامبر (ص) را به عهده گرفتند. وظیفه ایمانی و اخلاقی مسلمانان است تا از یتیم به وجه احسن سرپرستی کنند.

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۷)

معنی: و تو را سراسیمه یافت و رهنمود کرد.

تفسیر: حضرت محمد (ص) همیشه در مورد اوضاع و شرایط محیط آن زمان تشویش داشت. سراسیمه بود که چه می شود. به تفکر می پرداخت تا راه حق را پیدا کند و همان بود که خداوند او را رهنمایی کرد و راه حق را برایش نشان داد. این آیه به ما می رساند که بدون تفکر و تعمق انسان به منزل مقصود نه می رسد و باید در راه خداشناسی بسیار تلاش باید به خرج داد.

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ (۸)

معنی: و محتاجت یافت و بی نیاز ساخت.

تفسیر: اساساً این محتاجی معنوی بود که باید انسان بی نیاز شود. در رابطه به آیه قبله نیازمندی حضرت رسول کریم (ص) یافتن حقیقت بود که حقیقت جهان هستی را درک کند و با روشنایی قرآن او را بی نیاز ساخت. انسان طبیعتاً همیشه در جستجوی حقیقت است و بزرگترین کمبودی همانا کمبودی معنوی و شناخت خداوند باشد.

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

معنی: پس یتیم را خوار نشمار.

تفسیر: شخص حضرت رسول کریم (ص) یتیم بود. خداوند او را کمک کرد تا آبرومندانه بزرگ شود و او را محتاج نکرد. قرآن را به او آموخت و او را از سراسیمگی فکری نجات داد. اینجاست که خداوند برایش می گوید که همچنان که شرایط خوب را برایش مساعد ساخت او هم باید

دست یتیم را بگیرد. پس برای مسلمانان رسیدگی به یتیم و سرپرستی شان به شکل موزون از وظایف عمده ای اجتماعی است.

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

معنی: و با طلب کننده خشونت مکن.

تفسیر: در تفاسیر متعدد واژه السَّائِلَ یا معنی نشده است و یا معنی درست نشده است. درین جا خداوند به پیامبر (ص) می گوید که با آنانیکه از تو طلب میکنند، درخواست میکنند و یا گدایی میکنند خشمگین نشو. در آن زمان مردم فقیر بودند و تصور میکردند که پیامبر (ص) ثروتمند است که پیامبر شده است. نه تنها سوالات میداشتند درعین زمان آنهاییکه بی بضاعت بودند درخواست کمک میکردند. خداوند به پیامبر می گوید که با این طبقه خشونت نکند. معنی سوال کننده هم در آیه درست نیست.

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

معنی: و نعمت های پروردگارت را بیان کن.

تفسیر: می بینیم که معنی طلب کننده در آیه قبلی شایسته تر و درست است زیرا به طلب کننده از نعمت های پروردگار مژده بده. یعنی که به جای خشونت از نعمت های پروردگار برای شان بازگو کن. نعمت های پروردگار گوناگون است و اما یکی از نعمت های پروردگار کار کردن است که به طلب کننده بازگو شود. شکر گزاری برای بدن سالم است که می تواند کار کند.

سُورَةُ الشَّرْحِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای هشت آیه می باشد. این سوره به نام های الانشراح (تفسیر کابلی)، الم نشرح (تفسیر نمونه) و الشرح (تفسیر یوسف علی) نامگذاری شده است که همه یکی است. معنی این سوره گشاده شدن دل است. گفته می شود که این سوره به تعقیب سوره ضحی می باشد. سوره به مومن در ایام مشکلات امید می بخشد. علما در مورد اینکه سوره ضحی والشرح یکجا در نماز خوانده شود اختلاف نظر دارند. بعضی معتقد هستند که محتوی هر دو سوره یکی است و بعضی گفته اند که یکی نیست. در مورد فضیلت سوره حضرت رسول کریم فرموده است کسی که این سوره را تلاوت کند پاداش کسی را دارد که محمد (ص) را غمگین دیده و اندوه را از قلب او زدوده است. اگر کسی در خواب بیند که انشراح میخواند مشکلات بر او آسان می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

معنی: آیا ما دل تو را گشاده نکردیم؟

تفسیر: اکثراً واژه صدرک سینه معنی شده است. و معنی تحت اللفظ کلمه همین سینه است اما سینه نه می تواند گشاده شود زیرا جسم است. هدف درین جا دل است که گشاده شده است. خداوند دل پیامبر را در مقابل مشکلات، بردباری و توسعه و انکشاف فکر پیامبر (ص) با نور الهی وسعت داد تا خوبتر به تبلیغ رسالت پردازد.

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ (۲)

معنی: و بار سنگین را از تو برداشتیم؟

تفسیر: این بار گران یا سنگین چه بود؟ مجادله با کفر بود که همه جا مملو از کفر و شرک و نابسامانی بود. آهسته آهسته راه را برایش هموار ساخت تا رسالت خود را به پیش برد.

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳)

معنی: همان باری که بر پشت تو سنگینی میکرد.

تفسیر: بلی این بار راه مبارزه در راه حق و تبلیغ خدا پرستی بود که

مشرکان و کفار همیشه سنگ اندازی میکردند. این مبارزه توسط امت راستین و پیروان آنحضرت (ص) دوام دارد زیرا دهریان، کفار، ملحدین آرام نه می‌نشینند و اسلام ستیزی دوام دارد.

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴)

معنی: و آوازه ات را بلند کردیم.

تفسیر: نام پیامبر (ص) به حد بلند شد که هر روز نام او در کنار نام خداوند در آذان گفته می‌شود. سر و صدای محمد (ص) جهانی شد و پیام اش جاودانی.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

معنی: پس بی تردید با هر دشواری آسانی است.

تفسیر: برای هر کار باید زحمت را متقبل شد. وقتی انسان به کار تعهد می‌کند و در آن راه زحمت می‌کشد نتیجه کار خود را می‌بیند و به آسانی می‌انجامد. رسالت محمد (ص) در شروع بسیار دشوار بود اما اراده محکم و تعهد در رسالت و حمایت خداوند همه امور آسان گردید و مکه از شرک و کفر پاک شد.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

معنی: مسلماً با هر دشواری آسانی است.

تفسیر: مطلب را تکرار می‌کند که خوب در ذهن ما جا گیرد که در راه که گام بر می‌داریم نا امید نشویم و دشواری‌ها را قبول کنیم و در راه تبلیغ دین حتی توهین و تهمت و طعنه زدن‌ها را قبول کنیم و اما بلاخره ما برنده خواهیم بود.

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

معنی: پس چون [از امور محوله] فارغ شدی به عبادت بکوش.

تفسیر: ما باید دقیق درک کنیم و بدانیم که خداوند در زندگی ما نقش دارد. عبادت نه تنها ما را آرام می‌کند در عین زمان از حمایت خداوند برخوردار می‌باشیم. کارهای ما وقتی آسان می‌شود که عمل و عبادت یکجا باشد.

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَأَرْغَبْ (۸)

معنی: و به سوی پروردگارت روی آور.

تفسیر: ما مخلوق هستیم و هدف از خلقت ما عبادت خداوند است و از همه اعمال خود جواب گفتنی هستیم. و به خداوند بر میگیردیم. پس زندگی ما از آن اوست و باید همیشه خداوند را به یاد داشته باشیم و از او در امور یاری بخواهیم.

سُورَةُ التِّينِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای هشت آیه می باشد. نام سوره از آیه اول گرفته شده است یعنی تین که انجیر معنی میدهد. خداوند خالق همه جهان هستی به شمول انسان است. این سوره می رساند که انسان را به بهترین صورت آفریده است و برایش فرصت داده شده است که از طریق ایمان به بلند ترین درجه برسد و اما انسان به خاطر ناسپاسی خودش را خوار و ذلیل می سازد. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که هر کس این سوره را بخواند خداوند دو نعمت به او می بخشد: سلامتی و یقین؛ و هنگامی که از دنیا برود به تعداد تمام کسانی که این سوره را خوانده اند ثواب یک روز روزه به عنوان پاداش به او می بخشد. اگر کسی در خواب بیند که سوره تین میخواند تعبیر آن این است که خوش نهاد و درست کردار است و مال و نعمت فراوان پیدا می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالزَّيْتُونَ (۱)

معنی: سوگند به انجیر و زیتون.

تفسیر: سخنان گوناگون در مورد تفسیر این آیه است مانند دو کوه که در آن انجیر و زیتون می روید. خداوند خالق طبیعت و انسان است. به میوه های فوق العاده با ارزش سوگند یاد می کند که کسی آنرا خلق کرده نه می تواند. این میوه ها مانند انجیر و زیتون میوه های بهشتی یاد می شود و فواید زیاد دارد. انجیر از قند ها مخصوصاً فروکتوز بسیار غنی است و این باعث میشود که به بدن انرژی زیاد دهد. زیتون از نگاه روغن بسیار غنی است و دارای ویتامین های اساسی می باشد. خاصیت انتی اوکسیدنت دارد و مانع عوارض قلبی می شود و در قوه دید را تقویه میکند. زیتون برای رفع درد های عضلانی، عوارض کلیه ها و سنگهای صفراوی بسیار مفید است. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که روغن زیتون را بخورید و بدن را با آن چرب کنید که از درخت مبارکی است.

وَطُورِ سَيْنٍ (۲)

معنی: و کوه سینا.

تفسیر: هدف از کوهی است که تورات به حضرت موسی (ع) نازل شد.

مفسرین گویند که سینین و سینا هر دو یکی است و معنی آن پر برکت است. دلیل پر برکت بودن آن این است که درختان زیتون در آنجا زیاد می روید که مشهور است به نام شجره مبارکه.

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

معنی: و سوگند به این شهر امن (مکه).

تفسیر: مکه معظمه از ایام قدیم، چون زیارتگاه بوده است مرکز امن بود. در دوران جاهلیه هم مردم به این شهر به خاطر مقام بزرگ آن حرمت داشتند و قتل و قتال نمیکردند. اما تندگرایان اسلامی در سال ۱۹۷۹ بدون رعایت و حرمت به حرم شریف حمله کردند و این اشغال از بیستم نوامبر تا چهارم دسامبر دوام پیدا کرد.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

معنی: و برآستی که ما انسان را به بهترین شکل و صورت آفریدیم.

تفسیر: انسان از دید قرآن مجید، زن و مرد، به بهترین شکل و صورت از نگاه توازن جسمی، عقلی و روحی خلق شده است. به خاطر عقل آدمی انسان اشرف مخلوقات است. و از نگاه جسمی موزون آفریده شده است. به انسان این فرصت داده شده تا به اعلیٰ علیین برسد و به معراج کمال رسد مشروط بر اینکه با ایمان باشد. زیرا در مقام آدمی از دیدگاه قرآن اول ایمان آدمی به خالق که او را با بهترین صورت آفریده است مطرح است نه دانش اکتسابی انسان که آنرا هم به اذن پروردگار آموخته است.

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

معنی: سپس او را [به سبب کفرش] به پایین ترین مرحله رسانیدیم.

تفسیر: بلی! انسان به خاطر کفرش به اسفل سافلین به تشبث خودش خود را می رساند. از دید قرآن مجید تنها ایمان به خداوند است که انسان را نجات میدهد و بس.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

معنی: مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال نیکو انجام دادند که برای آنها پاداش بی پایان است.

تفسیر: درین جا تنها مسلمان که ما هستیم مطرح نیست. هر کسی که به خدا ایمان داشته باشد و عمل نیکو انجام دهد مورد رحمت خداوند قرار

میگیرد. مهم این است که عمل نیکو وقتی پاداش داده می شود که ما ایمان داشته باشیم یعنی وقتی مورد پاداش قرار میگیریم و کار ما و ایمان ما یکجا باشد.

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّينِ (۷)

معنی: پس چه چیز تو را به تکذیب روز جزا وا میدارد؟

تفسیر: بعد از این همه دلایل، خلقت انسان و جهان هستی چه چیز باعث می شود که تو هنوز هم خداوند و آیات او را تکذیب کنی. آیا این حماقت نیست؟ روز آخرت را نفی کنی و همه را دورغ پنداری؟. انسان یک موجود بسیار ناسپاس است و همین ناسپاسی و ناشکری او باعث بربادی او می شود.

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ (۸)

معنی: آیا خداوند بهترین داوران نیست؟

تفسیر: درین جا خداوند از بنده سوال میکند که با اینهمه نعمت های که برای انسان تهیه داشته است، انسان را اشرف مخلوقات آفریده و همه جهان هستی را برای استفاده انسان در اختیارش گذاشته است و بار بار به انسان هشدار داده است که از عقل کار گیرد و سرکشی نکند پس آیا بهترین داوران نیست. دیگر چه میخواهید ای انسان سرکش و مغرور.

سُورَةُ الْعَلَقِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای نوزده آیه می باشد. معنی علق نموی نطفه است نه خون بسته یا خون لخته یا خون بی ارزش زیرا این معانی در لقاح نقش ندارد. برای لقاح باید یک ماده محرک و زنده باشد نه مُرده. در ایام قدیم علم امبریالوژی یا جنین شناسی و همچنان کمره های مخصوص که از داخل رحم عکس گیری می کند، نبود. در نتیجه «علق» غلط معنی شده است. این سوره از چندین نگاه در دین شناسی و مطالعات قرآنی فوق العاده مهم است. اولین سوره بود که به رسول اکرم (ص) در غار حرا در کوه نور در سه قسمت نازل شد نه یکجایی. این سوره از نگاه تاریخ جهان بشریت را تغییر داد. چون با اقرا آغاز می یابد زیر بنای شناخت خدا و جهان هستی را علم قرار داد. از نگاه ساینس نشان داد که انسان چگونه در نطفه نمو می کند. در فضیلت این سوره حدیثی از رسول اکرم (ص) در دست نیست اما امام جعفر صادق علیه الرحمه که یکی از بزرگان دین بود در تعبیر گفته است که کسی که این سوره را بخواند و همان شب جهان را ترک کند شهید میمیرد. امام غزالی علیه الرحمه این سوره را گوهر علم و مروارید عمل گفته است. در تعبیر خواب میخوانیم که کسی در خواب بیند که سوره علق میخواند خدای متعال به او علم قرآن اعطا می کند. این سوره در کنار علق، اقرا و قلم هم نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

معنی: بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

تفسیر: اولین آیه که برای بشریت نازل می شود اقرا است یعنی بخوان. پسان حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که اولین شی را که خداوند خلق کرد قلم بود. همین است که زیر بنای دین اسلام علم و معرفت است. شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری چه زیبا گفت.

چو شمع از پی علم باید گذاخت

که بی علم توان خدا را شناخت

حضرت خالق سبحان و تعالی با این آیه می رساند که خالق همه جهان هستی و انسان اوست. آیه به بشریت از طریق پیامبر (ص) که برای پیامبری برگزیده شده بود مردمان را به آموختن علم می خواند.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

معنی: انسان را در اثر تعامل نموی نطفه خلق نمود.

تفسیر: تحقیقات علم جنین شناسی حاکی برین حقیقت است که علق ماده چسبنده است. علق اساساً یک شی که بچسپد و نطفه در رحم نمو کند، معنی میدهد. علق « آن مرحله نطفه را افاده میکند که در جدار داخل رحم نصب شده به آشیانه گیری آغاز میکند و خود را مانند جوکی در جدار رحم می چسپاند تا مواد غذایی مورد ضرورتش را از طریق جریان خون مادر تدارک دیده بتواند» (گرفته شده از کتاب توافق قرآن کریم با علوم امروزی اثر پروفیسور محمد شفیق یونس ۲۰۲۰ صفحه ۸۴).

أَفْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

معنی: بخوان که پروردگارت از همه سخاوتمند تر است.

تفسیر: باز انسان را از طریق پیامبر به خواندن تشویق می کند و اطمینان میدهد که خداوند کریم است. کریم یعنی بخشنده و سخاوتمند. سخاوتمندی خداوند در اعطا و بخشش قرآن به بندگان است که هیچ کس دیگر قادر به همچو سخاوت نیست.

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

معنی: همان موجودی که به وسیله قلم آموزش داد.

تفسیر: خداوند از اقرا می رود به قلم. از طریق قلم علوم را به انسان آموخت همچنان وحی از طریق قلم عارفانه نوشته میشود و بشریت رهنمایی و هدایت می شود.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

معنی: به انسان آنچه را نمیدانست آموخت.

تفسیر: خداوند به انسان مغز خارق العاده بخشیده است. اما این مغز در آغاز یک تخته سفید است و انسان هیچ چیزی نمیداند. پروردگار عالمیان او را می آموزاند. و حدود آموختن انسان هم نزد خداوند است تا نشود که مغرور و سرکش نشود. انسان را قادر می سازد تا از طبیعت بیاموزد.

مثال، هواپیما از پرندگان تقلید شده است. و انسان از تجربه می آموزد و اما باز هم همه چیز را نمیداند و این راز را خداوند نزد خود نگه داشته است تا انسان همواره در تلاش آموختن باشد. حدیث رسول کریم (ص) است که از گهواره تا گور دانش بجوی.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (۶)

معنی: نه چنین نیست، بدون شك انسان سرکشی میکند.
تفسیر: انسان موجود بسیار سرکش و ناسپاس است. زود مغرور می شود و فکر می کند که خود اکتفا است و به خدا نیاز ندارد. نمیداند مطالب را که آموخته است به اذن خداوند بوده است و بدون اراده خداوند انسان قادر نیست به مسایل دسترسی پیدا کند. چون همین مطلب را درک نه می کند هر چه آموخت طغیان می کند و خود را همه چیز میداند. اما وقتی میرسد که همه چیز را فراموش میکند زیرا در زیان است و زوال میشود.

أَنْ رَّعَاهُ أَسْتَعْنَى (۷)

معنی: همین که خود را خود اکتفا می بیند.
تفسیر: وقتی انسان به علوم به اذن خداوند دسترسی پیدا کرد قسمیکه در بالا گفتیم خود را خود اکتفا می بیند و چنین فکر میکند که خدایی دیگر در کار نیست. غرب زمین اکثراً همینطوری زندگی را می بینند و اما متوجه می شوند که صلاحیت طبیعت را ندارند. خوب میدانند که یک موجود هست که همه را اداره می کند چنانچه انشتاین اعتراف به خدایی خدا کرد. اما اکثراً اعتراف نه می کنند.

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ أَلْرُّجَىٰ (۸)

معنی: به یقین بازگشت به سوی پروردگار توست.
تفسیر: انسان با همه خود اکتفایی از مرگ خود جلوگیری کرده نه می تواند. درک نه می کند که دوباره برمیگردد به خالقش. انسان سرکش فراموش میکند که میمیرد. با اینکه راز مرگ را نه می داند حقیقت رفتنش را نادیده میگیرد زیرا این را هم درک نه میکند که جهان دیگری در انتظارش است.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ (۹)

معنی: آیا دیدی آن را که جلوگیری میکند.

تفسیر: آنانیکه درك حقیقت را ندارند دیگران از راه خداپرستی جلوگیری میکنند. شما شاهد این همه اجراآت از طریق تیلویزیون ها هستید که میخواهند مردم را گمراه کنند. آنهم زیر عنوان آزادی فکر و آزادی بیان دو چیزیکه خدا برایش اعطا کرده و اما امروز خود رابه بیراهه می کشاند.

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)

معنی: وقتی بنده ای نماز گزارد.

تفسیر: اولین مسولیت اهل ایمان نماز است و آنانیکه ضد دین هستند در نماز مردم و اهل ایمان سنگ اندازی می کنند. نماز را بی اساس نشان میدهد. شما را متعصب خطاب میکنند اما نمیدانند که اویکه خدا پرست است فریب شانرا نمیخورد.

أَرَعَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ (۱۱)

معنی: چه مینداری اگر به راه راست باشد.

تفسیر: چون اویکه از خدا غافل است نه می بیند و به فکرش هم نه می رسد که بنده ای که میخواهد گمراه کند خدا پرست است و فریب نمیخورد. کسانی فریب میخورند که در عقیده خود ضعیف باشند.

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ (۱۲)

معنی: یا به رستگاری سفارش کند.

تفسیر: می شود که شخص مورد نظر مردم را امر به تقوی کند. اما اویکه اعتقاد ندارد برایش مشکل تمام میشود ببیند که هر چه تلاش میکند تا او را گمراه کند و اما شخص خدا پرست پشت گوش می کند و به کار خود ادامه میدهد.

أَرَعَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۳)

معنی: اگر تکذیب حق کند و روی برگرداند.

تفسیر: اینجاست که به سرنوشت بد که خودش برایش طرح کرده دچار میشود. توجه کنید که انسان خود مختار است. خدا نمیخواهد که انسان به بدبختی باشد و اما این را خود انسان انتخاب می کند تا خوشبخت باشد و یا بدبخت.

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

معنی: آیا او نه میداند که خداوند همه اعمالش را می بیند؟
تفسیر: انسان بی ایمان این درک را ندارد که خداوند سمع و بصیر است. هم او را می شنود و هم می بیند. اصلاً به این پدیده اعتقاد ندارد. چون انسان بی اعتقاد به حکمت اعتقاد ندارد و این بزرگترین کمبودی اوست.

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

معنی: بگزار با خبر باشد که اگر دست از نابکاری نکشد ما کاکل (موی بالای پیشانی) او را به آتش میکشیم.
تفسیر: خداوند همیشه مردم را هشدار میدهد که کاری نکنند که باز آرد پشیمانی. و اگر اصلاح نمی شوند خداوند از موی پیشانی شان گرفته و به عذاب آتش دچار شان می کند. می بینیم که قرآن بسیار به زبان ساده با مردم سخن می گوید تا مردم پند پذیر شوند.

نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶)

معنی: همان کاکلی دروغگوی خطا کار.
تفسیر: تفاسیر متعدد درین مورد وجود دارد و اما گل سخن این است که درین جا نشان میدهد که قوه های نابکار با همه شکوه و جلال به زنجیر عدالت خداوند قرار میگیرند. درین جا هدف از دروغگو و خطا کار که موها بر پیشانی دارد هر کسی است که به افتخارات دنیایی می نازد و عاقبت اش جهنم است و به سزای اعمال خود می رسند.

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷)

معنی: بگزار گروه [حامیان] خود را بخوانند.
تفسیر: مردمان که اعتقاد به خداوند ندارند همیشه به گروه که به پشت شان است تکیه می کنند. اینجا خداوند می گوید که بگزار تا حامیان خود را و کسانی که اینها را حمایه می کنند بخوانند و نتیجه اش در مقابل تصمیم و اراده خداوند برای تنبیه شان سودی ندارد.

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)

معنی: ما فرشتگان جزا را میخوانیم.
تفسیر: آنها حامیان خود را بخوانند و ما فرشتگان جزا را میخوانیم تا به

داد شان برسند. آنها به قدرت الهی اعتقاد ندارند که چگونه جزا میدهد. حتی تصورش را هم نه می کنند.

كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

معنی: هرگز از او اطاعت مکن و به خداوند سجده کن و تقرب بجوی.
تفسیر: انسان با تقوی هرگز از طاغوت پیروی نه می کند. و از روی تواضع به خداوند سجده می کند و به او نزدیکی حاصل میکند. آینه آیه سجده دارد فراموش نکنید.

سُورَةُ الْقَدْرِ

مقدمه

سوره مکی است و اما بعضی گفته اند که در مدینه نازل شده است و دارای پنج آیه می باشد. قدر یعنی شب قدرت و عظمت. اهمیت و ارزش هم گفته اند و اما ارزش یک واژه سوسیولوژیک است و اصل مفهوم را افاده نه می کند. خداوند درین شب قدرت و عظمت خود را به بنده نمایان می کند. این سوره حاکی از یک خبر مهم است که قرآن در شب قدر نازل شده است. در مورد اینکه قرآن مجید دوبار نازل شده است در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم در شروع تفسیر یونس گفتیم. اکثر مردم مسلمان این سوره کوتاه را از بر دارند. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که هر کسی این سوره را تلاوت کند مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیا داشته است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

معنی: همانا ما [قرآن] در شب قدر نازل کردیم.
تفسیر: در آیه کلمه قرآن نیامده است و اما ضمیر آیه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** به قرآن مجید نسبت داده می شود و همه مفسرین درین مسله اتفاق نظر دارند. وقتی ما در سوره بقره میخوانیم که قرآن مجید در ماه مبارک رمضان نازل شده است (بقره آیه ۱۸۵) پس نتیجه گرفته می شود که قرآن در شب قدر در ماه مبارک رمضان نازل شده است. این موضوع این شب را با عظمت می سازد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

معنی: و تو چه میدانی [درک می کنی] که شب قدر چیست؟
تفسیر: نه تنها که درین شب قرآن مجید نازل شده است به روایت روایات میخوانیم که شب قدر همان شب است که مقدرات و سرنوشت انسانها تعیین می شود. در این مقدرات و سرنوشت سازی دو نکته وجود دارد. یکی اینکه اساساً یعنی قرآن جامعه بشری را تغییر میدهد، توحید را معرفی میکند و جامعه بشری را از خرافات و موهومات هشدار میدهد و انسان را مسئول اعمال و کردارش می سازد و علم را زیربنای همه پیشرفت انسانی قرار میدهد و دوم در آن شب فرشتگان و روح برای تقدیر هر کاری

نازل می شوند. و این از راز های الهی و حکمت است که خدا نابوران اعتقاد ندارند.

لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

معنی: شب قدر از هزار ماه بهتر است.

تفسیر: قرآن همیشه به زبان مردم سخن می گوید. اینجا برای اینکه عظمت شب قدر را نشان دهد اشاره به هزار ماه می کند که زیاد تر از هشتاد سال است و تقریباً حد اوسط سن یک انسان است. در عین زمان هزار ماه نشان دهنده این حقیقت است که ای مردم شما نزول قرآن و عظمت قرآن را نادیده نگیرید.

تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أُمَّةٍ (۴)

معنی: در آن شب فرشتگان و روح به اذن خداوند [آموزگار] از برای هر کاری نازل می شوند.

تفسیر: این شبی است که فرشتگان الهی و روح برای مقدرات نازل می شوند. توجه کنید که درین آیه از «رب» سخن آمده یعنی خداوند آموزگار. موجودی که به بشریت موضوعات را می آموزاند. در مورد روح تفاسیر متعدد وجود دارد و اما چون قرآن می گوید که روح از پروردگار است ما صلاحیت تفسیر را نداریم. خیال پردازی درست نیست.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ (۵)

معنی: شبی است تا طلوع [نماز] فجر مملو از برکت و سلامت.

تفسیر: عظمت این شب را درین آیه می بینیم. کسانی که استعداد دارند همه شب را قرآن میخوانند. کدام شب است دقیق معلوم نیست و شب های زیادی گفته شده است و اما اکثراً به این باور هستند که در شب های اخیر رمضان است مانند بیست و یکم، بیست و سوم، و بیست و هفتم باید باشد.

سُورَةُ الْبَيِّنَاتِ

مقدمه

این سوره شامل هشت آیه است. در مورد اینکه این سوره مدنی است و یا مکی علامه یوسف علی می نویسد که اوایل مدینه باشد و یا اواخر مکه. بعضی مفسرین دیگر می نویسند که احتمال زیاد است که مدنی باشد زیرا مخاطب اهل کتاب زیاد تر است و اهل کتاب در مدینه تعدادشان نظر به مکه زیاد تر بود. بینه یعنی مدارک روشن معنی میدهد. بعضی ها دلیل روشن معنی کرده اند که درست نیست زیرا دلیل ثبوت میخواهد و قرآن ثبوت کار ندارد. یا قبول میکنی یا نه میکنی. علامه یوسف علی می نویسد که این سوره از نگاه متن سوره قدر را دنبال می کند. مشرکین و اهل کتاب که قرآن را رد کردند به خاطر منافع خودشان بود در غیر آن پیام خداوند بیانگر مدارک روشن حق و راستی و خدا پرستی و خدمت به خلق است. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که اگر مردم میدانستند چه برکاتی این سوره دارد خانواده و اموال را رها کرده به فرا گرفتن آن می پرداختند. اگر کسی به خواب بیند که بینه را میخواند مردم را به راه راست ارشاد می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ
الْبَيِّنَةُ (۱)

معنی: کافران اهل کتاب و مشرکان [می گفتند] ما از آیین خود دست بردار نیستیم تا مدرک روشن برای ما نیاید.
تفسیر: اهل کتاب و مشرکان با ظهور پیامبر اسلام در اختلاف افتادند و او را قبول نمیکردند مگر اینکه مدرک واضح و روشن برای شان داده شود.

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (۲)

معنی: پیامبری از طرف خدا که صحیفه های منزله را بر ما بخواند.
تفسیر: پیامبر اکرم (ص) با صحیفه یی پاک و منزله فرستاده شد که ادیان گذشته را تایید میکرد و اما مخالفین سرباز زدند و سر ستیزه را گرفتند. نمیخواستند قبول کنند که دین برحق اشتباهات و غلطی های شانرا اصلاح میکند و متوجه می سازد که به بیراهه رفته اند.

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳)

معنی: که در آن فرمان های درست و سر راست باشد.
تفسیر: چون یهودان مدینه کتاب خود را داشتند و همچنان نصرانیان آن زمان کتاب خود را داشتند پس به فرمان های قانونی و سر راست اعتقاد داشتند و توقع داشتند که همان را محمد (ص) هم پیشکش شان کند.

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)

معنی: و اما اهل کتاب در کتاب الهی اختلاف نکردند مگر پس از آنکه مدارک روشن برای شان آمد [که قرآن و پیامبر بود].
تفسیر: چرا اختلاف کردند برای اینکه قرآن بدعت های شانرا به رخ شان کشید. خرافات را که به نام دین الله به وجود آورده بودند. اینجا بود که به جای راه راست و قبول حق مقاومت نشان دادند که تا امروز جریان دارد.

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (۵)

معنی: و به آنها کدام امر خاص نشده بود به جز اینکه خدای [واحد] را مخلصانه پرستش کنند نماز را بر پا دارند و زکات دهند و این است دین صحیح و استوار.
تفسیر: دین حق تعالی از اول تا ظهور پیامبر اسلام، پیام آن یکی بوده و آن عبارت است از خدا پرستی مخلصانه از طریق نماز تادیه زکات برای دستگیری مساکین و فقرا. این سه اصل اساسی دین خداست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

معنی: کسانی که حقیقت را از اهل کتاب و مشرکین انکار میکنند در آتش جهنم می باشند و آنها بدترین مخلوقات هستند.
تفسیر: اینجا دو مطلب مهم است و آن اینکه آن عده اهل کتاب و مشرکین که قرآن را رد میکنند در آتش جهنم خواهند بود و دوم نکته اینکه آنانیکه حق را نه می شنوند از بدترین مخلوقات روی زمین هستند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

معنی: و خواه مخواه آنانیکه ایمان می آورند و اعمال نیک انجام میدهند از بهترین مخلوقات هستند.

تفسیر: نکته مهم درین آیه این است که عمل نیکو بستگی دارد به ایمان به خداوند. معنی این سخن بسیار عمیق است. هستند کسانیکه به مردم کمک می کنند و اما ایمان ندارند. عمل شان بیهوده است و نباید امیدوار بود و اما آنانیکه ایمان آورده اند و اعمال نیک انجام میدهند بهترین مخلوقات هستند.

جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۙ (۸)

معنی: اجر و پاداش شان نزد خداوند آموزگار بهشت جاویدان است که در پای درختان آن نهرها جاری است و در آن جاوادنه خواهند ماند. هم خدا از آنها خشنود است و هم آنها از خداوند راضی هستند.. این جایگاه برای کسی است که از خداوند آموزگار پروا نماید.

تفسیر: خداوند، بدون شک و تردید اجر نیکوکاران را میدهد. درین آیه «رب» یعنی خداوند که از او می آموزیم آمده است. خداوند آموزگار به بنده حق را آموخت و اما آنانیکه او را به واقعیت شناخته بودند درک کردند و مدرک واضح و روشن را قبول کردند و تعمق کردند جایگاه خود بهشت را قرار دادند و اویکه نتوانست سخن آموزنده ای پروردگار را درک کند، مدرک واضح و روشن را رد کرد و خودش به دست خود جایگاه خود را جهنم قرارداد. از ماست که برماست!

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

مقدمه

سوره مدنی است و هشت آیه می باشد. زلزله می تواند دو تفسیر داشته باشد. یکی بیداری مردم درین جهان زیرا زلزله رانه می تواند کنترل کند. زلزله به نصیب و قسمت راجع می شود و از حیطة انسان خارج است. دوم زلزله اشاره به روز قیامت است که همه جهان هستی زیر و رو می شود و معنویات خجسته در نظام هستی با عدالت جایگزین می شود. این آیه می رساند که اگر انسان ذره کار خیر کند پاداش آنرا می گیرد و اگر ذره کار نادرست کند جزای عمل خود را خواهد دید. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که « هر کس که آنرا تلاوت کند گویی سوره بقره را خوانده است. پاداش او به اندازه کسی است که یک چهارم قرآن را تلاوت کرده باشد. امام غزالی ای سوره را مروارید عمل نام نهاده است. اگر کسی خواب بیند که این سوره را میخواند با کسی کاری پیدا می کند و با او به عدالت و انصاف رفتار می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

معنی: هنگامی که زمین با تشنج خاص به لرزه می آید.
تفسیر: زمین لرزه یکی از قدرت های خداوند است که خارج از حیطة انسانی است. تلفات زیاد دارد و شدید بیدار کننده است اگر کسی عمیق دقت کند.

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

معنی: و زمین بار هایش را بیرون می افکند.
تفسیر: وقتی زمین لرزه اتفاق می افتد امواج سیزمیک (لرزه یی) زمین را تکان میدهد مثلیکه در داخل ان در حرکت است. و وقتیکه این امواج یا جریانات به سطح زمین می رسد روی زمین را شدید تکان میدهد و هر چیز که در روی آن است.

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

معنی: و انسان فریاد می کشد که زمین را چه شده است؟

تفسیر: انسان غافل از نادانی و بیخبری فریاد می کشد که چه گپ شد و چرا زمین به این حال افتیده است. اعتقاد ندارد که این امواج که به اذن خداوند در حرکت می افتد برای بیداری انسانهاست تا از خواب غفلت بیدار شوند.

يَوْمَئِذٍ نُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

معنی: در آن روز زمین خبر هایش را بازگو می کند.

تفسیر: درین جا ما دو تفسیر داریم. در اثر لرزش بزرگ زمین مواد معدنی را بیرون می کند و خبر میدهد که درین کره چه راز های نهفته است و همچنان تفسیر ازین آیه از زبان پیامبر اکرم (ص) داریم که فرموده است، اعمال انسان ها مرد و زن درین روز بر ملا می شود و اما این در زلزله روز رستاخیز است.

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵)

معنی: مسلماً از آن روست که پروردگارت به آن الهام کرده است.

تفسیر: اینجا می بینیم که زلزله از کار های طبیعت است که بدست پروردگار است و پروردگا در جهان هستی که خلق کرده است و مالک آن است یک نقش براننده دارد. همه طبیعت از آن اوست و اختیار مطلق آن به دست خداوند است.

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶)

معنی: در آن روز مردم دسته دسته باز گردند تا اعمال شان برای شان نمایان گردد.

تفسیر: هدف از زلزله رستاخیز است که مردم جوقه جوقه باز می آیند تا کارنامه اعمال شان خوب و بد برای شان داده شود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

معنی: پس هر کس به وزن ذره ای کار خیر انجام داده باشد آن را می بیند.

تفسیر: از دید خداوند هیچ چیز پوشیده نیست. همه اعمال و گفتار و کردار ما هر قدر که کوچک باشد حساب شده است به ما نشان داده می شود. لذا کوشش آدمی این باشد که هر قدر خوب باشد و خیر اش به دیگران برسد.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۙ (۸)

معنی: و هر کی به وزن ذره ای کار بدی انجام داده باشد آنرا می بیند
تفسیر: متقابلا هر کس به وزن ذره ای کار بدی انجام داده باشد به رُخ او کشیده می شود.

سُورَةُ الْعَادِيَّاتِ

مقدمه

سورهٔ مکی است و دارای یازده آیه است. بعضی مفسرین این سوره را مدنی هم گفته اند. عادیات معانی مختلف دارد. آنهایکه اجرا می کنند، مهاجمان هم معنی شده است. همچنان اسم دختر هم است. صفت مونث است عادی، جمع آن عادیات. همچنان واژه شناسان گویند که عادیات جمع عادیه از ماده عدو به معنی گذشتن و جدا شدن است. این سوره در بارهٔ قدرت آسمانی و قدرت علم بحث می کند. مبارزه در مقابل قدرت الهی ناممکن است. نشان می دهد که انسان برای خدای خویش ناسپاس است. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است «هر کس آنرا تلاوت کند به عدد هر یک از حاجانی که در مزدلفه توقف می کنند و در آنجا حضور دارند ده حسنه به او داده می شود. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. در تعبیر خواب می خوانیم که اگر کسی خواب بیند که عادیات میخواند خاندان پیامبر را دوست دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱)

معنی: سوگند به [اسپان] مهاجم که نفس زنان به پیش می روند.

تفسیر: اسپان که در راه جهاد نفس زنان و به سرعت به پیش می روند.

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)

معنی: و آنها که با سُم های خود جرقه تولید می کنند.

تفسیر: در بعضی تفاسیر این آیه گرد و غبار معنی شده است. اساساً وقتی اسپان به سرعت می دوند سُم های شان جرقه تولید میکند.

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)

معنی: و سوگند به هجوم آوران در صبحگاهی.

تفسیر: درین جا عادیات دقیقاً هجوم آوران معنی میدهد در صبح هنگام. این حملات است که بیخبر هجوم می آورند. در جنگ عمومی دوم آلمان بدون خبر به پولند حمله کرد که در آلمانی «بلیتز کغی» می گویند. پس این تکتیک جنگی قبلاً استفاده شده است.

فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا (۴)

معنی: که در اثر تماس سُم ها گرد و خاک تولید می کنند.
تفسیر: وقتی اسپان به سرعت می دوند خواه مخواه هم سُم های شان جرقه تولید می کند و هم گرد و خاک بالا می شود.

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵)

معنی: و ناگهانی در وسط دشمن داخل شدند.
تفسیر: حملات سریع و بدون درنگ به قلب دشمن می زند که راه از پیش شان گم می شود و نه میدانند چه کنند برای اینکه غافلگیر می شوند.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

معنی: به یقین که انسان به پروردگارش ناسپاس است.
تفسیر: خداوند همه چیز را به شمول به انسان آموزش داده است و اما انسان به خود نمیگیرد و ناسپاسی می کند.

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

معنی: و برین حقیقت [انسان] خودش شاهد اعمال خود است.
تفسیر: بلی انسان به اعمال که انجام میدهد مشروط بر اینکه خلل دماغ نداشته باشد خوب میدانند که چه می کند و خودش شاهد اعمال و کردار خود است و اما از دید خداوند پنهان نیست.

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

معنی: و برآستی که [انسان] دوستی شدید به مال [دنیا] دارد.
تفسیر: مطلب مهم را که اکثرا مردم ندانسته اند این است که مال دنیا ایشان را نجات نمیدهد مگر ایمان. این بدین معنی نیست که مردم مال و زندگی نداشته باشند و اما بستگی به مال دنیا درد سر خلق کردن است. همانقدر ما داشته باشیم که به اصطلاح گزاره کنیم. اما مردم به خاطر دوستی به مال دنیا دروغ می گویند خیانت می کنند و ده ها غلطی دیگر می کنند و به ایمان خود صدمه می رسانند.

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

معنی: مگر نمیدانند که آنچه در قبرهاست بر انگیزته می شوند.
تفسیر: یکی از قدرت های خداوند این است که خفتگان قبور را بر می انگیزد تا حساب شان بدست شان داده شود. خداوند بر هر کاری قادر است.

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

معنی: و آنچه [از کفر و ایمان] در سینه هاست آشکار گردد.
تفسیر: انسان مسئول اعمال و کردار خود است و در روز رستاخیز همه چیز فاش می شود و حق داده می شود و عدالت بین کفر و ایمان تامین میگردد.

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

معنی: آن روزی است که پروردگار شان از همه اعمال شان آگاهی مطلق دارد.
تفسیر: بلی! روز حساب و کتاب و اینک ما درین دنیا چه کردیم و چه نکردیم همه را خداوند آگاهی کامل دارد و عادل واقعی خداوند است و مردمان نظر به عملکرد شان با ایشان برخورد می شود.

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

مقدمه

در مکه نازل شده و یازده آیه است. سوره از روز قیامت سخن دارد و اینکه دنیا دیگر از بین می رود و انسانها تیت و پراگنده می شوند و اعمال خوب و بد مردم در ترازوی عدالت خداوندی قرار میگیرد. در باره فضیلت این سوره رسول اکرم (ص) فرموده است « کسی که قارعه را بخواند در هاویه ای دوزخ جای نخواهد داشت.» اگر کسی در خواب بیند سوره قارعه میخواند اعمال خوب او زیاد و سنگین است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱)

معنی: آن روز که سرو صدا و غالمغال شدید است.
تفسیر: اکثر آقارعه حادثه کوبنده معنی شده است که مفهوم آیه نیست. قارعه یعنی روز که سرو صدا و چیغ و غالمغال مردم به خاطر از بین رفتن جهان هستی و اینکه همه مردم سراسیمه می شوند و قیامت را به چشم می بینند می باشد. این روز است که مردم از ترس و وهم تیت و پراگنده می شوند و خانواده ها از هم می پاشد. مردم از ترس چیغ می زنند و سرو صدا زیاد بلند می شود. بهترین معنی این آیه را مرحوم یوسف علی کرده است. متن انگلیسی دیده شود.

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

معنی: چه سرو صدایی که [قابل توصیف نیست].
تفسیر: ما نظر به دید و درک انسانی خود یک حادثه مهیب را می بینیم مانند یک انفجار یا زمین لرزه. اما حادثه که در روز رستاخیز به وقوع می پیوندد از درک ما بالاست و فوق العاده مهیب است و سرو صدا دارد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

معنی: و تو چه درک آنرا داری که آن سرو صدا چیست؟
تفسیر: گفتیم که حادثه روز قیامت، سرو صدای که بلند می شود دور از تصور انسانی است و توصیف نمی شود.

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

معنی: روزی که مردم مانند پروانه ها پراکنده می شوند.
تفسیر: درین جا مردم را به پروانه ها تشبیه می کند که به هر سو تیت و پرک می شوند. مردم سراسیمه می باشند و نمی دانند که چه کنند.

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

معنی: و کوه ها چون پشم های رنگارنگ حلاجی می شوند.
تفسیر: کوه ها که برای استواری زمین خلق شده اند مانند پشم های رنگارنگ حلاجی می شوند. چون کوه ها رنگ های مختلف دارد به مانند پشم های رنگارنگ می شود یعنی مانند پشم های رنگارنگ نرم می شود و از هم پاشیده می شود. پاشیدگی کوه ها باعث از بین رفتن کره زمین می شود.

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

معنی: پس هر کس که وزن اعمال [خوب] او سنگین باشد.
تفسیر: درین روز است آنهاییکه اعمال نیک انجام داده و به مردم خدمت کردند و باعث تکثیر و تامین عدالت شده اند؛ اعمال شان در ترازوی عدالت سنگینی می کند.

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

معنی: پس او در زندگی [آخرت] خشنود خواهد بود.
تفسیر: عدالت خداوند همین است که آنهاییکه در دنیا در کنار ایمان به خداوند کار های نیکو انجام داده اند در زندگی آخرت زندگی رضایتبخش خواهد داشت.

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

معنی: و اما او یکیه ترازوی اعمالش سُبُك است.
تفسیر: متقابلاً کسی که اعمال نیکو انجام نداده است و مصدر خدمت به بشریت نشده است باید توقع نداشته باشد که مانند آن کسی که همه عمرش را وقف مردم کرده است با او برخورد شود. ترازوی اعمال این اشخاص سُبُك است.

فَأْمَةٌ وَ هَاوِيَةٌ (۹)

معنی: پس جایگاه آنها دوزخ است.
تفسیر: جای کسانی که مرتکب اعمال ناشایسته شده اند جایگاه شان هاویه یعنی دوزخ است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ (۱۰)

معنی: و تو چه درک داری که هاویه چیست؟
تفسیر: قسمی که گفتیم دوزخ و جنت خارج از درک و دانش انسانی است و اینکه چه واقعه بزرگ به وقوع می پیوندد از درک و تصور انسانی بیرون است.

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

معنی: آتشی سوزان است.
تفسیر: جایگاه که برای بدکاران و آنانی که خلاف انسان بودن و کرامت انسانی هستند.

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

مقدمه

سورهٔ مکی است و دارای هشت آیه است. این سوره انسان را از مادی پرستی و اجتناب از آن آگاهی میدهد. انسان مادی پرست که صرف توجه آن ثروت و جمع کردن مال باشد از معنویات خجسته به دور می ماند. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که کسی که آن را بخواند در برابر نعمتهای که در دنیا به او داده او را مورد حساب قرار نمیدهد و پاداشی به او میدهد که برابر به هزار آیه از تلاوت قرآن است که خوانده باشد. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. در تعبیر خواب میخوانیم که اگر کسی خواب ببیند که سورهٔ تکاثر میخواند افراد صالح و رستگار را ملاقات و زیارت می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهٰكُمُ التَّكٰثُرُ (۱)

معنی: تفاخر در رقابت مال و ثروت [دنیا] شما از معنویات خجسته به دور کرده است.

تفسیر: واقعاً کسانی که به مال و ثروت دنیا زیاد چشم می اندوزند از راه خدا غافل می شوند و مرتکب بی عدالتی ها میگردند. کبر و غرور ایشان را از راه حق به دور میکند و به علم اعتنا ندارند.

حَتّٰی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

معنی: تا وقتی که به زیارت قبر ها رفتید.

تفسیر: زیارت قبور برای ما بسیار آموزنده است زیرا در آنجاست که ما میدانیم که جای ما هم همانجاست و روزی از ما بازخواست خواهد شد.

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ (۳)

معنی: چنین نیست، به زودی خواهید دانست.

تفسیر: انسان نتیجه غفلت خود را به زودی خواهد دید. چهار چیز است که انسان به خطا می رود کبر و غرور و خودخواهی، دوم غفلت، سوم جهل و چهارم اسراف. این چهار انسان را تباه می کند.

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

معنی: باز چنین نیست، به زودی خواهید دانست.
تفسیر: تکرار موضوع است که غافل نباشید و شما مورد بازخواست قرار میگیرید.

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

معنی: چنین نیست اگر شما با علم یقین می دانستید.
تفسیر: انسان تا که به چشم نبیند یقین حاصل نمی کند. قرآن مجید به ما از عین یقین، علم یقین و حق یقین خبر میدهد که اگر چشم بصیرت داشته باشید و موضوع را با علم یقین ببینید به حق می رسید.

لَتَرُونَ الْجَحِيمَ (۶)

معنی: به یقین جهنم را خواهید دید.
تفسیر: هشدار میدهد که شما اهل غافلون و آنانیکه انکار میکنید جهنم را خواهید دید.

ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

معنی: سپس دوزخ را با دیده ای یقین مشاهده خواهید کرد.
تفسیر: وقتی مرگ فرا رسد آنجاست که حقیقت برای شما آشکار می شود و به دیده ای یقین جهنم را خواهید دید.

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

معنی: و آنگاه از نعمت های که به شما داده شده است سوال خواهید شد.

تفسیر: باز تاکید بالای غفلت است که مردم ناسپاس هستند و شکر گزاری نه می کنند. خداوند به انسان نعمت های فراوان اعطا کرده است و سوال میشود که با این نعمت ها ما چه کار کرده ایم؟ طور مثال اگر علم آموختیم آیا با دیگران شریک شدیم؟ اگر ثروت داشتیم دست فقیر و بینوارا گرفتیم؟

سُورَةُ الْعَصْرِ

مقدمه

سوره مکی است و شامل سه آیه می باشد. این سوره بسیار کوتاه و اما بیدار کننده است و در سه آیه به انسان می گوید که متوجه خودش باشد و کوشش کند که ایمان بیاورد و کارهای شایسته انجام دهد. در مورد فضیلت سوره عصر، حضرت رسول کریم (ص) فرموده است، «هر کس این سوره را تلاوت کند خداوند برای او ده حسنه پاداش می نویسد و کسی که بر تلاوت آن مداومت کند خداوند عاقبت او را ختم به خیر می نماید و در روز قیامت با پیروان حق محشور می گرداند. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. کسی که در خواب سوره عصر بخواند زیانی بر او وارد می شود و امانتی که بر عهده اوست ادا می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱)

معنی: سوگند به زمان.

تفسیر: این آیه از دید امروز که خداوند به عصر یا زمان سوگند یاد می کند بسیار آموزنده و حایز اهمیت است. زمان در گذر است و بر نمیگردد. پس چه باید کرد؟ اول باید به زندگی خود تعقل کنیم که وقتی می دانیم هر روز به مرگ خود نزدیک می شویم چه تصامیم معقول باید بگیریم. این آیه از نظم و نسق وقت هم سخن دارد که ما باید از وقت استفاده اعظمی کنیم و وقت تلفی به سود ما نیست. مهمتر اینکه توبه کنیم و اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم. بیاموزیم، سفر کنیم و تا می توانیم از فرصت های که خداوند به ما داده است استفاده کنیم.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

معنی: بدون تردید انسان در زیان است.

تفسیر: انسان در زیان است برای اینکه از فرصت های که برایش داده شده است در امور معنوی و مادی مانند ایمان و حتی ثروت استفاده نه می کند. از نعمت های که برایش داده شده شاکر نیست. از فرصت های آموزشی که برایش داده شده استفاده نه می کند و اینها باعث می شود تا یک زندگی بیهوده داشته باشد تا اینکه مرگ به سراغش رسد.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

معنی: مگر آنانی که ایمان آورده اند و کار های نیکو انجام دادند و همدیگر در راه حق توصیه کرده اند و همدیگر را برای صبر و شکیبایی توصیه کرده است.

تفسیر: شرط اساسی زندگی برای انسان که در زیان است ایمان به خداوند است و بعد این شخص با ایمان کار های نیکو برای خانواده و مردم انجام داده باشد که یکی آن رهنمایی در راه حق است و دیگر آن در امور از صبر و شکیبایی کار گیرد. هستند موارد زندگی که در کنترل ما نیست پس درینصورت باید به خداوند توکل کرد و صبور بود.

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای ۹ آیه می باشد. سخن از سرنوشت آنان دارد که تصور میکنند تنها مال و سرمایه در زندگی مهم است و بس. برای شان زندگی جاودانه میدهد. امروز در جهان شرق و غرب مردم زیاد تر مادی پرست شده اند. آنانیکه به کمال اقتصادی نه رسیده اند مشکل را در آنها می بینند نه در نظام اقتصادی که آنهایکه سرمایه در دست شان است مردم را استثمار کرده اند. در مورد فضیلت این سوره حضرت رسول کریم فرموده است که « هر کس این سوره را تلاوت کند به عدد هر یک از کسانی که محمد و یارانش را استهزاء کرده اند ده حسنه به او داده می شود. این سوره آنانی را که در حضور مردم و در غیاب مردم عیب جویی می کنند هشدار میدهد. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. اگر کسی در خواب بیند که این سوره را می خواند مال اندوزی می کند و فکر آخرت را نه می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱)

معنی: وای بر هر عیبجوی طعنه گر.

تفسیر: یکی از صفات بسیار بد انسانی عیب جویی دیگران است هم در حضور شان و هم در غیاب شان. این عیب جویی ها طعنه آمیز می باشد. متأسفانه این صفت بد، تربیه و اخلاق و سویه پایین فرهنگی انسان را نشان میدهد. طعنه زدن و طعنه گر عقده روحی دارد و خودش نه می داند. هستند مردان و همسران که به یک دیگر طعنه میدهند و این زندگی خانوادگی را از هم می پاشد. راه علاج این مرض روحی ایمان راسخ به خداوند است و بس. مردم کاری نکنند که خداوند به ایشان هشدار داده است و مورد خشم خداوند قرار بگیرند.

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

معنی: که ثروت و مال اندوزی کرده [و برای روز مبادا] گذاشته که ذخیره شود.

تفسیر: اکثراً واژه «عده» شمردن معنی شده است که از نگاه تحت الفظی درست است و اما مفهوم واقعی آیه را نه می رساند. درین جا روی سخن

طرف کسانی است که همیشه در فکر جمع اوری مال و ثروت هستند و برای آینده که قطعاً معلوم نیست ذخیره می کنند. عدده ذخیره مال است. خوشی و سعادت خود را در کثرت ثروت خود می بینند که به اشتباه رفته اند. و نظام سرمایه داری این را تشویق می کند. ما کار می کنیم که اول زندگی خوب داشته باشیم و دوم به مردم خدمت کنیم. ثروت و دارایی ما را نجات نمیدهد. اگر پس انداز هم می کنیم باید همان قدر باشد که در صورت لزوم دست ما بند نشود و تمام. زیاد تر از آن هیچ سودی به ما نه می رساند زیرا فردای ما معلوم نیست. اهل ایمان هم کار میکنند و زحمت می کشند و حق و حلال پیدا می کنند و هم در فکر آخرت هستند.

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۖ (۳)

معنی: تصور می کند که مالش زندگی او را جاودانه می سازد.
تفسیر: هر زمان که تمرکز فکری به سرمایه زیاد شد معنویات خجسته فرار میکند. شخص به آخرت که رفتنی است و جواب دادنی است فکر نه می کند. به خلق خدا که باید کمک شوند فکر نه می کند. مغرور می شود و ثروت او را از حقایق زندگی نابینا می کند. به مرگ که به سراغش آمدنی است هرگز فکر نه می کند.

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)

معنی: چنین نیست و در آتشی خرد کننده انداخته می شود.
تفسیر: عاقبت آنانیکه در فکر این نیستند که زندگی دنیا تنها برای ثروت اندوزی نیست بلکه موضوعات دیگر معنوی انسانی است که اساساً زندگی انسانی را می سازد و تجلای واقعی انسانی در علم و معرفت و خداشناسی اوست. آنانیکه از حقیقت انکار می کنند برای اینکه جامعه بشری را به فساد می کشانند و باعث بربادی محیط زیست و خلقت می شوند سخت جزا می بینند.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)

معنی: و تو چه میدانی یا درک میکنی که حطمه چیست؟
تفسیر: عقل انسانی را به چالش می کشاند و سوال میکند که تو چه میدانی که حطمه (آتش خرد کنند) چیست؟ خداوند می داند که انسان محدودیت های دارد و همه چیز را فهمیده نه می تواند. به انسان مغرور و متکبر خاطر نشان می سازد که مغرور نشود و فکر نکند که همه چیز را

با علم قلیل خود می داند.

نَارَ اللَّهِ الْمَوْقَدَةَ (۶)

معنی: آتش افروخته شده ی الهی است.

تفسیر: خداوند خود جواب می گوید که آتش است که توسط خداوند افروخته شده است برای گنهکاران. چرا آتش همیشه بزرگترین جزاء یاد شده است. برای اینکه آتش نه تنها که خانمانسوز و جان گداز است او کسیژن قطع می شود و انسان نفس کشیده نه می تواند و گاز های سمی پخش می شود و انسان عذاب می بیند.

الَّتِي تَطَّلُعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

معنی: [آتش] که بر دل ها زبانه کشد.

تفسیر: می بینیم که آتش بر دل ها می افتد و هدف همان است که او کسیژن قطع می شود و انسان شدید عذاب می بیند.

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸)

معنی: [آتش] به مانند یک احاطه [در اطراف انسان] و پایدار است.

تفسیر: انسان گهنگار ازین آتش فرار کرده نه می تواند. کسی او را نجات داده نه می تواند. همیشه باقی می ماند. موصده در آیه پایدار معنی میدهد.

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

معنی: آنها در ستون های بر کشیده قرار دارند.

تفسیر: تفاسیر مختلف از ذهن انسانی در مورد این آیه است. به هر حال نزدیک ترین تفسیر و درست ترین تفسیر این بوده می تواند که در روز جزاء انسانها در مقابل ستون ها بسته شده اند و آتش ایشان را احاطه کرده است و فرار کرده نمی توانند.

سُورَةُ الْفِيلِ

مقدمه

سوره مکی است و شامل پنج آیه است. داستان جنگ فیل است که شگفت انگیز است. زمانی که حبشی ها زمام امور را در یمن بدست گرفتند با خود فیل به یمن بردند زیرا فیل از حیوانات وحشی یمن نیست. اما حبشه فیل دارد. میخواستند زمام زیارتگاه را بدست گیرند. این داستان از چند جهت مهم است. اول مسله تاریخی جنگ فیل است که در سال تولد حضرت محمد (ص) به وقوع پیوسته است و مشهور است به عام الفیل یعنی سال فیل. یمن زیر نفوذ سیاسی حبشه قرار داشت. حبشی ها زمام امور از یهودان گرفتند و ایشان را اخراج کردند. ابرهه که سرپرستی یمن را به عهده داشت یک کلیسای بزرگ آباد کرد و خواست تا توجه جهانیان را مخصوصا عرب را به سوی یمن جلب کند. برای این منظور به کعبه لشکر کشی کرد و خواست تا کعبه را ویران کند. درین لشکرکشی با خود فیل برده بود تا در تخریب سرعت بخشد. اما کعبه به اعتقاد عرب همیشه زیر حمایه خداوند بوده است. عرب قریش توان مبارزه را نداشت و اما اعتقاد داشتند که خداوند از کعبه حمایت می کند. همان بود که پرندگان کوچک در هوا پدیدار شدند که در نول و پنجال خود سنگچل داشتند و بالای لشکر ابرهه و فیل ها پرتاب میکردند. ابرهه شکست خورد و پا به فرار گذاشت. ضربات سنگچل ها به اندازه یی قوی بود که بدن را سوراخ میکرد.. خداوند به مشرکین و دیگران این پیام را داد که در مقابل قدرت الهی توان ندارند و دوم اینکه کعبه مرکز وحدانیت جهانی است و کسی نمی تواند به آن ضرر برساند. کسی که خواب بیند که سوره فیل میخواند بر دشمن غالب می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

معنی: آیا توجه نکردی که پرودگارت با اصحاب فیل چه کرد؟
تفسیر: در تفاسیر متعدد «الم تر» ندیدی معنی شده است. در آن زمان پیامبر نبود که چیزی را دیده باشد. در آن سال پیامبر تولد شد. اما پیامبر ازین واقعات تاریخی و «ارهاص» یعنی معجزات که قبل از ظهور پیامبر (ص) اتفاق افتاده است خبر داشت و آموخته بود. لذا «الم تر» به خداوند توجه نکردی یا خبر نداری معنی می شود. درین آیه خداوند توجه پیامبر

را جلب می کند که او درین مبارزه تنها نیست و خداوند یار و مددگار اوست.

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲)

معنی: مگر دسیسه شانرا تباه نکرد؟

تفسیر: در مقدمه از دسیسه ای ابرهه گفتیم. گل سخن درین جاست که هر دسیسه بر علیه خدا پرستی و توحید توسط پروردگار خشتی می شود و جزیی ترین اقدام بر علیه خداوند تباهی دارد.

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)

معنی: و بر سر آنها گروه های پرندگان را فرستاد.

تفسیر: این پرندگان معجزه بودند که دفعتاً در آسمان کعبه ظاهر شدند و قوای ابرهه را سنگچل باران کردند و به حکمت خداوند ابرهه شدید شکست خورد. قدرت پروردگار را نباید نادیده گرفت.

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ (۴)

معنی: با سنگچل های که از (گل پخته) بود هدف قرار میدادند.

تفسیر: سجیل اساساً گل پخته و سفت است که به سنگ می ماند.

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

معنی: و ایشان را مانند گاه خورد و میده کرد.

تفسیر: ضربات نه تنها که بسیار کشنده بود در عین زمان آنها را مانند گاه ریزه ریزه کرد و از بین برد.

سُورَةُ قُرَيْشٍ

مقدمه

سوره مکی است و چهار آیه است. این سوره به دوام سوره فیل می تواند باشد. توجه اهل مکه و مخصوصاً قریش را برای نعمت های که خداوند به ایشان ارزانی فرموده جلب می کند. این سوره قریش را به سپاسگزاری از خداوند دعوت میکند. در فضیلت این سوره حضرت رسول کریم فرموده است که هر کسی که آن را تلاوت کند به تعداد هر یک از کسانی که طواف خانه خدا را کرده اند و در آنجا معتکف شده اند ده حسنه به او داده می شود. کسی که در خواب سوره قریش را بخواند از ترس و وحشت در امان می ماند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ (۱)

معنی: از پیمان های امنیتی و مصونیت که قریش مستفید شده بود و الفت داشتند.

تفسیر: قریش همیشه از موجودیت حرم و مصونیت که این دیار به وجود آورده بود حظ می برد و افتخار میکرد. مکه یک مرکز تجارتي بود و نقطه وصل به دیگر مناطق. زیارت کعبه اهمیت دیگر به این شهر میداد که زایرین را از هر گوشه جلب میکرد. کعبه انس و الفت و برادری را تشویق میکرد که با آمدن اسلام تقویت داده شد.

إِلَيْهِمْ رِحْلَةَ الْشِتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

معنی: به الفت میثاق های زمستانی و تابستانی.

تفسیر: مردم قریش برای تجارت سفر میکردند. در زمستان به یمن میرفتند و در تابستان به شام و معاهدات می بستند که این باعث تقویه تجارت در منطقه شده بود.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

معنی: پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند.

تفسیر: مردم همیشه سپاسگزار نیستند و حتی اکثریت نعمت های خداوند را نادیده میگیرند. آیه به قریش خاطر نشان می سازد که از نعمت های خداوند که برای شان ارزانی کرده و زمستان و تابستان درآمد دارند باید

از خداوند سپاسگزار باشند. ما هم توجه نه می کنیم که خداوند چقدر مهربان است و ناسپاس بودن یک صفت بسیار بد است.

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَعَاءَمَّنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (٤)

معنی: همان که در ایام گرسنگی ایشان را طعام داد و در ایام ترس ایشان را امن داد.

تفسیر: خداوند روزی دهنده است و بندگان را در هر حالت کمک می کند مشروط بر اینکه بنده در راه زندگی آبرومند و آزادی تلاش ورزد. مهمترین تلاش در راه زندگی رسیدن به ایمان و خدا پرستی است.

سُورَةُ الْمَاعُونِ

مقدمه

سوره مکی است و هفت آیه است. ماعون معانی مختلف دارد اما درین سوره یعنی یک چیز کم و بی ارزش، یا هر چیز که یک نیازمندی کوچک را رفع کند مانند اسباب خانه. این سوره هشدار است برای آنانیکه ایمان را نشناخته اند یا منافق هستند. درویش را طعام نمی دهند. آیات خدا را دروغ می شمارند. از نماز غافل هستند و یا نماز را از روی ریا میخوانند. اساساً این سوره مسلمان را به عبادات واقعی و براستی بدون ریا دعوت می کند. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نام نهاده است. کسی که در خواب بیند که این سوره را تلاوت می کند با اهل دین و دیانت هم نشینی می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ (۱)

معنی: آیا آن کسی را که دین را تکذیب میکند دیدی؟
تفسیر: دین درین آیه معانی مختلف دارد. طور مثال روز جزا، تکذیب حق از باطل و روز قیامت. اما بهترین معنی همانا دین است. کسی که دین را تکذیب می کند اینها خود را از دایره خلقت به دور می کنند. به روز آخرت ایمان ندارند و همین ها باعث تباهی می شوند.

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

معنی: این همان کسی است که یتیم را به اهانت می راند.
تفسیر: آنانیکه در عمق دین نیستند به یتیم توجه ندارند. مال یتیم را میخورند. دست یتیم و ضعیف را نمیگیرد با اینکه ثروت سرشار دارد. به یتیم به نظر حقارت مینگرد. جزای این اشخاص سنگین است.

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳)

معنی: و به طعام دادن بینوا تشویق نمی کند.
تفسیر: دین اسلام، دین عدالت اجتماعی است و بزرگترین عدالت این است که مردم به هم نوع خود مخصوصاً که بینوا باشد رسیدگی کند. اسلام شدید مخالف فقر در جامعه است و مردم را تشویق میکند که به تشبث خود به خاطر ایمان شان به خداوند به فقیر و بینوا رسیدگی کند.

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

معنی: پس وای بر نماز گزاران.

تفسیر: اشاره درین جا از نماز گزاران است که هدف نماز خواندن را ندانسته اند و هدف اساسی عبادت را ندانسته اند که عبادت اساساً خدمت به خلق خداست. درین مورد خواجه عبدالله انصاری پیر طریقت زیبا گفته است که

عبادت به بجز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلق نیست

پرسیدند پس نماز و روزه و این ها چه هستند؟ گفت: اینها اطاعت هستند که باید بنده برای نزدیک شدن به خدا انجام دهد تا انوار حق بگیرد. واقعا خداوند به روزه و نماز ما نیازمند نیست. روزه و نماز که ما از خلق خدا غافل باشیم چه سود؟

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

معنی: که از نماز شان غافل هستند.

تفسیر: درین جا هدف آن نماز گزاران است که هدف اصلی نماز خواندن را ندانسته اند و غافل هستند که نه تنها که نماز شان باید ایشان را از بدی ها پاک کند بلکه توجه کنند به مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی. اویکه نماز میخواند و از اولاد خود خبر ندارد. نماز میخواند و اما از همسایه خبر ندارد. نماز میخواند و از فقیر و بینوا خبر ندارد اساساً از نماز غافل است.

الَّذِينَ هُمْ يُرْءَوْنَ (۶)

معنی: آنانیکه ریا می کنند.

تفسیر: یکی از صفت های بی ایمانی ریا است و ریا کار از منافقین است. در دل مسلمان نیست و برای خودنمایی در جامعه عمل میکند و سزای منافق بسیار سنگین است. ما سیاسیون ریاکار داریم که حقانیت قرآن را میدانند و اما در عمل پیاده نمی کنند و یا طرق عملی آنرا جستجو نمی کنند.

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

معنی: و از رفع نیاز دیگران دریغ میکنند.

تفسیر: مردمان که ایمان ضعیف دارند در خدمت خلق خدا نیستند. از خدمت به خلق دریغ میکنند. بهانه جویی میکنند زیرا اینها هدف اصلی خدا پرستی را ندانسته اند.

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

مقدمه

در مکه نازل شده است و سه آیه دارد. این سوره کوتاه ترین سوره قرآن مجید است. باینکه سوره های عصر و نصر هم سه آیه دارد و اما از نگاه واژه های قرآنی این سوره کوتاه ترین است. کوثر یعنی چشمه یی که در بهشت است. کوثر «خیر فراوان» هم معنی میدهد که برای مومنان در بهشت می رسد. اما این خیر معنوی و روحی است نه مادی. چشمه ای بهشت یعنی خیر فراوان که مانند یک چشمه آب آن جاری است. حضرت رسول کریم در مورد این سوره فرموده است که «نهری است در بهشت، سفید تر از شیر و صافتر از قدح (بلور) که در دو طرف آن قبه های از دُر و یاقوت است. کسی که در خواب ببیند که کوثر میخواند مال و نعمت فراوان بدست می آرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

معنی: بی تردید ما به تو خیر فراوان دادیم.
تفسیر: قسمیکه در مقدمه گفتیم کوثر چشمه بزرگ خیر و برکت است که به پیامبر ص اعطا کرد. درین چشمه علم و حکمت و هدایت و عدالت نهفته است که هر یک برای رهنمایی مردم از بهشت و عرش عظیم طرح شد و توسط رسول کریم به بشریت رسانده شد.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲)

معنی: بنابراین برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن.
تفسیر: درین جا از پیامبر میخواهد که به خاطر این همه نعمت ها نماز گزارد و قربانی کند یعنی نذر کند. آیه چون به بشریت نازل شده است برای ماست که در مقابل نعمت های خداوند شکر گزار باشیم و برای خداوند که این همه نعمت را به ما ارزانی کرده نماز گزاریم و شکر گوئیم و به خاطر این همه نعمت که ارزانی داشته در راه خدا قربانی کنیم. در قبل از اسلام قربانی بین مردم بود و اما به راه نادرست مثلیکه برای بتان قربانی میکردند. اسلام دید و بینش قربانی را تغییر داد و آن اینکه ما تنها در راه خدا قربانی می کنیم که اساساً خدمت به مردم کرده

باشیم. توجه کنید طور مثال که گوشت قربانی به مردم توزیع می شود. با ادای نماز نه تنها که شما شکرگزاری می کنید در عین زمان هر نوع شرک را رد می کنید.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

معنی: اویکه از تو نفرت دارد، امید آینده اش قطع می شود.
تفسیر: این آیه در اکثر تفاسیر تحت الفظ معنی شده و یک معنی مضحک را ارایه کرده اند یعنی دشمن تو دُم بریده است. یا بدون نسل است که این همه معانی نادرست و مفهوم آیه را قطعاً نمی رساند. بهترین معنی و دقیق ترین معنی از علامه یوسف علی است که به زبان انگلیسی است و اما متأسفانه چند تن ملای که به واژه شناسی علمی عربی دسترس نداشتند، ترجمه مرحوم صباح الدین کشککی را دست زده اند و همان معنی غلط را نوشته اند. اصل معنی آیه همان است که در بالا نوشتیم. درین آیه کوتاه خداوند آموزگار زیرا واژه «رَب» در آیه آمده است نه واژه الله به پیامبر می گوید که تو پریشان نباش آنانیکه از تو به خاطر حقانیت و عدالت نفرت دارند امید شان را قطع می کند و آینده ندارند. همان هم شد که کفار بسیار نا امید شدند وقتی مکه فتح شد.

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

مقدمه

سوره مکی است و شش آیه دارد. سوره می رساند که در راستای حقانیت دین و ایمان به هیچ صورت مصالحه صورت نمیگیرد. همچنان این سوره واضح می رساند همانطوریکه دین و حقانیت خدا مصالحه نمی شود در عین زمان هیچ کس نباید به خاطر ایمان و عقیده اش محکمه شود و یا در مقابل او خلاف رفتاری صورت گیرد. این یکی از سوره های است که اکثر مسلمانان از بردارند و در نمازها میخوانند. حضرت رسول کریم در وصف این سوره فرموده است که کسی که کسی که سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند گویی ربع قرآن را خوانده است و شیطان ظغیانگر از او دور می شود و از شرک پاک می گردد و از فزغ (روز قیامت) در امان خواهد بود. کسی خواب بیند که کافرون میخواند به خیرات موفق می شود و جهاد می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

معنی: ای کسانی که ایمان را رد می کنید (کافران).

تفسیر: ایمان یک موضوع عقلی و تفکری است و آنان که بسیار عمیق به آن به تفکر می پردازند می توانند ایمان به خدا را درک کنند. اینجا به کفار که ایمان به خدا را رد می کنند خطاب می کند.

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

معنی: من آنچه را شما می پرستید نمی پرستم.

تفسیر: این آیه دموکراتیک بودن اسلام را می رساند که به مخالفین می گوید که شما ازاد هستید هرآنچه می پرستید و اما توقع نداشته باشید چیزی را که شما می پرستید من هم پرستم. نخیر! چیزی را که تو می پرستی من نمی پرستم. توبت و سنگ و چوب می پرستی و من الله متعال را.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

معنی: و نه شما چیزیکه را می پرستید، من می پرستم.

تفسیر: اسلام دین تفاهم است. به کفار خطاب می کند، تکرار، که

چیزیکه شما می پرستید من نمی پرستم. یعنی من حالا حقیقت را پیدا کردم.

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴)

معنی: و من پرستنده ای چیزی نیستم که شما پرستیده اید.
تفسیر: اینجا خداوند حق را از باطل تفکیک می کند و برای کفار خاطر نشان میکند که پیامبر چیزی را نمی پرستد که شما در طول تاریخ پرستیده اید.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أَعْبُدُ (۵)

معنی: و نه شما پرستنده ای چیزی هستید که من می پرستم.
تفسیر: به کفار واضح و روشن ابراز می کند که شما نمی خواهید موجود که پیامبر می پرستد پرستش کنید و این به پیامبر مربوط نیست. یعنی وظیفه پیامبر تحمیل دین نیست.

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

معنی: شما را دین تان و من را دین ام.
تفسیر: بلاخره به کفار می گوید که آنها را دین کفر آمیز شان و محمد ص را دین توحیدی او. این آیه به وضاحت می رساند که دین تحمیل نمی شود و اینکه در کشور های اسلامی دین را تحمیل می کنند خلاف قران است. وظیفه حکومت اسلامی تحمیل دین نیست بلکه تطبیق اصول قانونی برای رفاه مردم در راستای اقتصاد آموزش و پرورش و امنیت مردم است. این آیه در روابط بین المللی نهایت مهم است زیرا دین غیر مسلمان را به رسمیت می شناسد نه اینکه دیگر ادیان را حتی که کفر باشد توهین و تحقیر کند.

سُورَةُ النَّصْرِ

مقدمه

سوره مدنی است یعنی در مدینه نازل شده است و داری سه آیه می باشد. این سوره بشارت از فتح عظیم می دهد که همانا فتح مکه است. گفته می شود که تاریخ نزول این سوره دو ماه قبل از رحلت بوده است. چون مکه فتح می شود مردم عرب گروه گروه به اسلام روی می آورند. و دلیل آن تنها فتح مکه نیست. یک دلیل دیگر را هم مورخین می نویسند که عرب چنین اعتقاد داشت که اگر محمد ص پیامبر بر حق باشد مکه را تسخیر می کند. پس این سوره حقانیت پیامبر (ص) را برای عرب ثابت می سازد. در باره فضیلت این سوره رسول کریم (ص) فرموده است که کسی که این سوره را تلاوت کند همانند این است که همکاب او در فتح مکه بوده است. امام غزالی این سوره را مروارید عمل نامگذاری کرده است. این سوره، سوره فتح هم گفته شده است. اگر کسی در خواب ببیند که این سوره را میخواند به فتح و پیروزی نایل می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

معنی: آنگاه که یاری خداوند و پیروزی فرا رسید.

تفسیر: هدف از فتح مکه است که محمد (ص) با قشون عظیم مسلمانان از مدینه که هجرت کرده بود برگشت و مکه را فتح کرد. قریش و کفار بدون مقاومت تسلیم شدند. محمد (ص) درین فتح بزرگ همه را مورد بخشش قرار داد.

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

معنی: و دیدی که مردم جوقه جوقه به دین خدا مشرف شدند.

تفسیر: کعبه از شرک و بت پرستی پاک شد و مردم به تشبث خود گروه گروه به اسلام روی آوردند. حقانیت خدا و رسالت پیامبر را درک کردند.

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

معنی: پس پروردگارت را سپاسگزار باش و آمرزش بخواه، حقا که او توبه پذیر است.

تفسیر: به حرمت اینکه خداوند ما را به توحید آشنا کرد و ما را از شرک

و جهالت نجات داد باید خداوند را به پاکی یاد کنیم و سپاسگزار باشیم و از گناهان توبه کنیم که خداوند توبه پذیر است.

سُورَةُ لَهَبٍ / الْمَسَدِ

مقدمه

سوره مکی است و دارای پنج آیه است. این سوره یکی از سوره های مهم در تاریخ اسلام است برای اینکه سوره از غضب عمومی پیامبر (ص)، ابولهب عبدالعزی بن عبدالمطلب بر علیه پیامبر (ص) حکایه دارد. ابولهب پدر شعله های آتش معنی میدهد. ابولهب شدید مخالف پیامبر بود و از هیچگونه اذیت و آزار خود داری نمیکرد. این داستان به ما می گوید که امروز در خانواده های ما می تواند یک ابولهب باشد که مخالف اسلام و تبلیغ راه حق باشند. نکته آموزشی این است که غضب و خشم نمی تواند راه حق را مسدود کند و کسی که سد راه حقانیت می شوند خود شان تباه می شوند. اگر کسی خواب بیند که سوره لهب میخواند حيله گر و فریبکار است. این سوره به نام تَبَّت هم یاد میشود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

معنی: دستان پدر شعله های آتش بریده شد و مرگ بر او باد.
تفسیر: یک موضوع که قرآن بسیار وضاحت دارد و راه گریز وجود ندارد جزای سنگین است که برای آنان که در مقابل خدا و رسول خدا عصیان کردند و یا امروز می کنند. ابولهب با اینکه یک داستان واقعی تاریخ اسلام است و مخالفت عمومی پیامبر را نشان میدهد و اما درس آموزنده است که در هر زمان می توان یک ابولهب را سراغ کرد. در تلویزیون های افغانی ابولهب ها عرض اندام کردند. دیریا زود به سزای اعمال خود می رسند. ابولهب ها نمی توانند حق را پوشانند و هر قدر مخالفت کنند اسلام قوی تر می شود و مسلمانان بیدار تر.

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ ۖ وَمَا كَسَبَ (۲)

معنی: مال و ثروت او را نجات نداد.
تفسیر: غافلان همیشه تصور میکنند که مال و ثروت می تواند ایشان را از عذاب خداوند نجات دهد و این یک تصور بسیار غیر عاقلانه است. فرعون و قارون هم ثروت داشتند و اما نجات نیافتند. تنها با قبول ایمان است که درین دنیا و در آخرت می توانیم نجات پیدا کنیم.

سَيَصَلَّىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

معنی: به زودی داخل آتش شعله ور می شود.
تفسیر: جزای آنانیکه دین را مسخره میکنند و آیات خدا را تکذیب می کنند و خدا را نمی شناسند و رسول خدا را دروغگو خطاب می کنند جاگاه شان آتش است.

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

معنی: و همسرش هم، بار هیزم آتش را به دوش میکشد.
تفسیر: همسر ابولهب با او درین جنایت و خیانت شریک بود و او هم مانند شوهرش بار هیزم سوزان آتش را به خود می کشد و در آتش دوزخ می سوزد. این آیه نشان میدهد که زنان می توانند استقلال فکری خود را داشته باشند و در راه شرک و کفر نباید از همسران شان پشتیبانی کنند و اما همسر ابولهب این کار را نکرد و به مانند همسرش بی راه بود. زنان هم حق دارند که شوهران شان را امر به معروف کنند و اما همسر ابولهب این کار نکرد و آتش را ترجیح داد.

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

معنی: به گردنش ریسمانی از لیف خرماست.
تفسیر: در مورد آیه پنجم این سوره تفاسیر متعدد وجود دارد. درست ترین این است که زنان اشرافی با زیوارت خود را آراسته میکردند و طناب لیف خرما اشاره تحقیر آمیز است که برای همچو زنان که در دوزخ طنابی از لیف خرما مزین در گردن خواهند داشت. لیف خرما سختی و درستی خودش را دارد که با آتش دوزخ سنگینی صد چند می شود و طاقت فرسا.

سُورَةُ الْاِخْلَاصِ

مقدمه

سوره مکی است و چهار آیه دارد. می توان گفت که یکی از مهمترین سوره های قرآن مجید است زیرا توحید خاص را بیان می کند. توحید امروز در اثر پیشرفت ساینس و تکنالوژی میدانیم که نه تنها که خدا یک خداست همه جهان هستی و انسان و علم هم یکی است. و مهمتر اینکه همه با هم یک بافت دارد و هیچ چیز از هم جدا نیست. همچنان کسان که تفکر توحیدی دارند این است که همه تفکرات خارج از خدا پرستی باطل است زیرا همه و همه شامل تفکر توحیدی است. یعنی قانون خدا و قانون طبیعت هر دو یکی است و انسان جزء همین خلقت است. پس انسان نمی تواند از دایره توحید بیرون شود و اگر بیرون شود خودش را به دست خود هلاک می کند. این سوره معادل یک سوم قرآن مجید است و از همین سبب در ختم ها تلاوت می شود زیرا همه عقاید و احکام را در بر دارد. این سوره به نام سوره اخلاص و توحید مسمی است. رسول خدا (ص) فرموده است به خدا و روز قیامت ایمان دارد خواندن سوره قل هو الله احد را بعد از هر نماز ترک نکند چرا کس آنرا بخواند خیر دنیا و آخرت نصیبش می شود و خودش و پدر و مادرش و فرزندانش را می آمرزد. امام غزالی این سوره را گوهر علم نام نهاده است. هر کس خواب بیند که اخلاص را میخواند در ایمان و توحید بی نظیر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

معنی: بگو خداوند یکتا و یگانه است.

تفسیر: خداوند یکه و یگانه است و شریک ندارد. دیده نمی شود و لمس نمی شود. خلق به او نیاز دارد و اما او بی نیاز است. خداوند خالق همه جهان هستی و قانون دهنده جهان هستی است.

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

معنی: الله که بی نیاز است و همه به او نیازمند هستند.

تفسیر: الله نام خاص است و نمایندگی از وحدانیت یعنی یگانگی خداوند میکند. الله بی نیاز است و اما مخلوق به او نیاز دارد. صمد یعنی بی نیاز از همه چیز است. همه در نزد اوست و تصمیم گیرنده ای واقعی خداوند

است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

معنی: نه زاده و زاده نشده است.

تفسیر: خداوند مانند انسان نیست که خودش زاده کند و اما دیگران را خلق می کند. و از موجودی دیگر زاده نشده است. این آیه به رد آنائیکه به تثلیث اعتقاد داشتند و دارند نازل شد. همچنان آنائیکه می گفتند خداوند دختر دارد و ملایک دختران خدا هستند. آیه سوم پاکی و منزّه بودن ذات اقدس الهی را بیان می کند.

وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

معنی: و برای او احدی همتا و همگون نیست.

تفسیر: هیچ موجودی دیگری قدرت و عظمت خداوند را ندارد و هیچ موجودی شبیه خداوند نیست. خداوند صفات خاص دارد که دیگران شریک شده نمی توانند.

سُورَةُ الْفَلَقِ

مقدمه

این سوره شامل پنج آیه می باشد. اینکه این سوره مکی است و یا مدنی نظریات متفاوت وجود دارد. برخی این سوره را گویند که در مدینه نازل شده و برخی گویند که در مکه. در فضیلت این سوره رسول اکرم (ص) فرموده است: آیاتی بر من نازل شده که مانند آنها نازل نشده است و آن المعوذتان است یعنی سوره فلق و الناس. همچنان حضرت رسول کریم (ص) توصیه کرده که این دو سوره را در نماز فجر و وقتی شبانه خواب می کنید بخوانید. کسی که در خواب بیند که سوره فلق میخواند از شر جادوگران در امان می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

معنی: بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم.
تفسیر: حکمت صبح درین است که از تاریکی شب بیرون می شود. روشنایی، خود، نور خداست. و خداوند از تاریکی روشنایی را پدید آورد. با دمیدن سپیده دم نه تنها که از نگاه نجومی روز می شود در عین زمان پروردگار بزرگی و عظمت خود را به جهانیان نمایان میکند. صبح یعنی روز که خداوند به ما بخشیده است تا از نعمت هایش مستفید شویم و امید خود را برای زندگی بهتر استوار کنیم. روشنایی یعنی از جهل و ظلمت نجات یافتن است.

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

معنی: از شر آنچه آفریده است.
تفسیر: شر دو نوع است. اخلاقی مانند فساد اخلاقی، دزدی، و غیره و شر طبیعی. هدف از آیه شر طبیعی است که خداوند برای بقای جهان هستی آفریده است. طور مثال یک حکمت در آب خیزی است و یا زلزله که ما نمی دانیم. اما خداوند خواسته است تا ما ازین شر مصئون باشیم. شر اخلاقی بدست انسان است و حق از باطل تفکیک شده است و اگر کسی به شر اخلاقی مبادرت می ورزد گناه بزرگ را مرتکب می شود. یعنی در شر اخلاقی خود انسان مسئول است. اما در شر طبیعی انسان مسئول نیست.

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

معنی: و از شر تاریکی وقتی گسترش می یابد.

تفسیر: غاسق تاریکی بعد از غروب است. درین جا هدف از تاریکی ظلمت و جهل و عصیان است که خداوند خواسته است تا بنده مومن در گیر آن نشود. و وقتی ظلم و ظلمت گسترش می یابد انسان که ایمان ضعیف دارد در دام می افتد زیرا اراده نفس و عقل را از دست میدهد.

وَمِنْ شَرِّ أَلْفَاكٍ فِي الْعُقَدِ (۴)

معنی: از شر آنانیکه می دمند.

تفسیر: در اصل واژه اللفک از ماده نَفَثَ بر وزن حبس به معنی ریختن مقدار کمی آب از دهن است. و این کار با دمیدن صورت میگیرد. نَفَثَ به معنی نفخ یعنی دمیدن هم است. چون نفاثات جمع مونث نفثه است مفسرین آیه را به جادوگران زن تفسیر کرده اند در حالیکه مردان ساحر هم داریم. پس بهتر است آیه را به اساس ریشه لغت معنی کنیم یعنی دمیدن معنوی چنانچه رسول کریم فرمود «ان الروح الامین نفث فی روعی». پس از شر آنانیکه می دمند چه مرد باشد یا زن.

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

معنی: و از شر حسود که چون حسد می ورزد.

تفسیر: حسادت یک مرض روحی و عقلانی است و خداوند مردم را از حسادت نجات دهد. حسادت خانمانسوز است و می تواند یک شخص یا خانواده را تباه کند. این تکلیف به جزء از طریق ایمان به خداوند علاج دیگری ندارد. یگانه کاری که ما می توانیم بکنیم که هیچوقت حسادت کسی را تحریک نکنیم.

سُورَةُ النَّاسِ

مقدمه

سوره الناس هم، مانند سوره فلق در مورد مکی بودن و مدنی بودن آن اختلاف نظر است. دارای شش آیه است. در تفسیر کابلی این سوره را مدنی گفته اند و در تفسیر یوسف علی مکی گفته اند. الناس یعنی مردم. این سوره اعتماد به خداوند را مطرح می کند نه تکیه کردن به انسان را، یعنی در امور ما باید به خداوند اعتماد کنیم. از وسوسه های شیطانی هشدار میدهد. انسان مومن همیشه باید به خداوند پناه برد. این سوره را امام غزالی مروارید عمل نام نهاده است. این سوره ختم قرآن مجید است و در ختمانه ها همیشه خوانده میشود. کسی که در خواب بیند سوره الناس را میخواند خداوند او را از خشم و کینه افراد شریر حفظ می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

معنی: بگو پناه می برم به پروردگار مردم.

تفسیر: خداوند پروردگار همه مردم است. مردم مخلوق هستند و خداوند خالق است. ازینجاست که ما در همه امور به خالق رجوع می کنیم. خداوند مظهر همه خوبی هاست. دست گیرنده است. غفور است و رحمن و رحیم است. پناه به موجودی می بریم که همه هستی و نیستی ما در ید اوست.

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

معنی: به فرمانروای مردم.

تفسیر: از نگاه توحید ما از آن خداییم. فرمانروای ما خداوند است. به هیچ موجودی تسلیم نیستیم به جزء خداوند متعال.

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

معنی: به معبود مردم.

تفسیر: معبود موجود است که ما تنها او را عبادت می کنیم و عبادت سزاوار کسی دیگر نیست.

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

معنی: از شر وسواس پنهان شونده

تفسیر: وسوسه هاس شیطانی که در سینه ها جا میگیرد و انسان را زیر نفوذ قرار میدهد. انسان مومن که در راه حق باشد و اطاعت از حق کند وسوسه به او راه نمی یابد.

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

معنی: همان کسانی که در قلب های انسانها وسوسه می کند.

تفسیر: وسوسه وقتی گریبانگیر ما می شود که ما دفعتاً خود را فراموش می کنیم که مخلوق هستیم و خداوند ناظر ماست و از ما حمایه می کند. این عمل وسوسه توسط شیطان و انسان های بی ایمان زود تاثیر می کند اگر ما خدا را از قلب خود دور سازیم و اعتماد نکنیم.

مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

معنی: از جنیان و آدمیان.

تفسیر: بلی! جن و انس وسوسه خلق میکنند و ما ازین وسوسه گران به خداوند متعال پناه می بریم.

الها پروردگارا!

از من حقیر و فقیر و سراپا تقصیر قبول کن و من را در جمله صالحین و شاکرین و صدیقین در روز حشر قرار ده و در آخرت شرمنده نساز. به تو ایمان داریم، به آیات که برای سعادت ما نازل کردی ایمان داریم، به پیامبران که برای رهنمایی ما فرستادی ایمان داریم، به روز آخرت و بازپرس ایمان داریم. پروردگارا از گناهان ما درگذرو به غفوری و رحیمی بی انتاهیت ما را مورد عفو قرار ده. آمین

ختم جزء سی ام مورخ

هفدهم ماه محرم ۱۴۴۵ هجری قمری

مطابق یازدهم اسد/مرداد ۱۴۰۲ هجری خورشیدی

مصادف به دوم ماه آگست ۲۰۲۳ مسیحی

